



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



دوره ۲
معارف و تہذیب

حضرت مہدیؑ و دوران غیبت

معارف اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدا مراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	درسنامه مهدویت جلد ۲
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۲	فهرست مطالب
۳۷	پیشگفتار
۴۰	درس اول: آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۰	اشاره
۴۱	پیش درآمد
۴۲	تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم
۴۲	اشاره
۴۲	۱. حدیث معراج
۴۳	۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام
۴۳	۳. حدیث غدیر
۴۳	۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۴۴	۵. حدیث امام علی علیه السلام
۴۷	نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت
۴۷	اشاره
۴۷	آغاز پیشوایی در خردسالی
۴۹	پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت
۴۹	پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی
۵۱	پیشینه امامت در خردسالی
۵۲	نخستین امام خردسال
۵۴	کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی

۵۵	خودآزمایی
۵۵	منابع برای پژوهش
۵۷	درس دوم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)
۵۷	اشاره
۵۸	پیش درآمد
۵۹	مفهوم غیبت
۵۹	پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۱	تأکید بر حتمی بودن غیبت
۶۳	چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۳	اشاره
۶۳	۱. پنهان بودن جسم
۶۷	۲. پنهان بودن عنوان
۶۸	۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط
۶۹	انواع غیبت
۷۰	طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۲	خودآزمایی
۷۲	منابع برای پژوهش
۷۳	درس سوم: فلسفه و علل غیبت
۷۳	اشاره
۷۴	پیش درآمد
۷۵	غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ رازی از رازهای خداوند
۷۵	اشاره
۷۶	۱. برای حفظ جان آن حضرت
۷۸	۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها
۸۰	۳. برای آزادگی از بیعت دیگران
۸۱	۴. برای تأدیب انسان ها

۸۲	آشکار شدن فلسفه های اساسی غیبت پس از ظهور
۸۴	خودآزمایی
۸۴	منابع برای پژوهش
۸۵	درس چهارم: فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۵	اشاره
۸۶	پیش درآمد
۹۰	۱. نگهبانی از آیین خداوند با هدایت های باطنی
۹۱	۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی
۹۲	۳. ایمنی بخش از بلاها
۹۳	۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه
۹۴	۵. یاری برخی نیازمندان
۹۵	۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان
۹۵	۷. تصویب امور سال در شب های قدر
۹۵	امام غایب، بسان خورشید پشت ابر
۹۹	خودآزمایی
۹۹	منابع برای پژوهش
۱۰۰	درس پنجم: غیبت صغرا و نیابت خاص
۱۰۰	اشاره
۱۰۱	پیش درآمد
۱۰۲	ویژگی های غیبت صغرا
۱۰۲	اشاره
۱۰۲	۱. محدود بودن به زمان معین
۱۰۲	۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان
۱۰۳	۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص
۱۰۳	نیابت خاص
۱۰۵	سفیران چهارگانه (خاص)

- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۵ ۱. عثمان بن سعید عمری
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۷ وفات نایب اول
- ۱۰۸ ۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری
- ۱۰۸ اشاره
- ۱۱۰ برخی ویژگی های نایب دوم
- ۱۱۰ ۳. حسین بن روح نوبختی
- ۱۱۰ اشاره
- ۱۱۲ مدت نیابت
- ۱۱۲ ۴. علی بن محمد سمری
- ۱۱۳ چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه
- ۱۱۳ وظایف نایبان خاص
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۴ ۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۱۴ ۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۱۴ ۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی
- ۱۱۵ ۴. سازماندهی وکیل های حضرت
- ۱۱۸ ۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا
- ۱۱۸ ۶. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان
- ۱۱۸ ۷. جلوگیری از فرقه گرایی و گروه گرو شدن شیعیان
- ۱۱۹ ۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت
- ۱۱۹ ۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم
- ۱۲۰ خودآزمایی
- ۱۲۰ منابع برای پژوهش
- ۱۲۱ درس ششم: فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱۲۱ اشاره
۱۲۲ پیش درآمد
۱۲۳ مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت
۱۲۴ مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت
۱۲۴ اشاره
۱۲۴ توقیعات
۱۲۴ اشاره
۱۲۵ چگونگی صدور توقیعات
۱۲۶ بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۳۰ دعاها
۱۳۰ اشاره
۱۳۰ ۱. دعای افتتاح
۱۳۰ ۲. دعای سمات
۱۳۰ ۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...»
۱۳۱ ۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء»
۱۳۱ ۵. دعای روزهای ماه رجب
۱۳۱ ۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسي الرفیع و رب البحر المسجور...»
۱۳۱ ۷. دعای ابوالحسن ضراب
۱۳۲ زیارت نامه ها
۱۳۲ اشاره
۱۳۲ ۱. زیارت آل یس
۱۳۳ ۲. زیارت ناحیه مقدسه
۱۳۳ ۳. زیارت رجبیه
۱۳۴ مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور
۱۳۵ خودآزمایی
۱۳۵ منابع برای پژوهش

- درس هفتم: ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت ۱۳۷
- اشاره ۱۳۷
- پیش درآمد ۱۳۸
۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق ۱۴۱
۲. امکان ملاقات بدون شناخت ۱۴۶
۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا ۱۴۷
۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا ۱۵۳
- خودآزمایی ۱۵۵
- منابع برای پژوهش ۱۵۵
- درس هشتم: زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان) ۱۵۷
- اشاره ۱۵۷
- پیش درآمد ۱۵۸
- احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند ۱۵۹
- اشاره ۱۵۹
- دلیل نخست: استحباب ازدواج ۱۵۹
- دلیل دوم: برخی روایات و ادعیه ۱۶۳
- احتمال دوم: انکار همسر و فرزند ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- دلیل نخست ۱۶۸
- دلیل دوم ۱۶۹
- خودآزمایی ۱۷۳
- منابع برای پژوهش ۱۷۳
- درس نهم: محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷۴
- اشاره ۱۷۴
- پیش درآمد ۱۷۵
۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق) ۱۷۶

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۲۲۹ق) ۱۸۰
۳. دوران غیبت کبرا ۱۸۱
- اشاره ۱۸۱
- الف. مدینه منوره ۱۸۱
- ب. ناحیه ذی طوی ۱۸۲
- ج. دشت ها و بیابان ها ۱۸۲
۴. دوران ظهور ۱۸۴
- بررسی داستان جزیره خضرا ۱۸۶
- اشاره ۱۸۶
- بررسی داستان ۱۹۰
- الف. از نظر سند ۱۹۰
- ب. از نظر محتوا ۱۹۱
- خودآزمایی ۱۹۸
- منابع برای پژوهش ۱۹۸
- درس دهم: انحراف از مهدویت (۱) ۲۰۰
- اشاره ۲۰۰
- پیش درآمد ۲۰۱
- ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ ۲۰۱
- اشاره ۲۰۱
۱. سستی ایمان ۲۰۲
۲. طمع در اموال امام ۲۰۳
۳. رسیدن به شهرت ۲۰۳
۴. انگیزه های سیاسی ۲۰۳
- آغاز شکل گیری مدعیان دروغین ۲۰۴
- اشاره ۲۰۴
۱. جایگاه ویژه نایب نخست ۲۰۴

۲. شرایط سیاسی و اجتماعی ۲۰۴
۳. عدم عادت مردم ۲۰۴
- برخی از معروف ترین مدعیان دروغین ۲۰۶
- اشاره ۲۰۶
۱. ابومحمد حسن شریعی ۲۰۶
۲. محمد بن نصیر نمیری ۲۰۸
۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال ۲۰۹
۴. حسین بن منصور حلاج ۲۰۹
۵. ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی ۲۱۱
۶. احمد بن هلال کرخی ۲۱۳
- خودآزمایی ۲۱۵
- منابع برای پژوهش ۲۱۵
- درس یازدهم: انحراف از مهدویت (۲) ۲۱۶
- اشاره ۲۱۶
- پیش درآمد ۲۱۷
- شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ ۲۱۷
- بابیه، یک انحراف بزرگ ۲۲۲
- اشاره ۲۲۲
- آرا و عقاید باب ۲۲۵
- بهائیت، استمرار انحراف ۲۲۶
- پیدایش فرقه «بهائیه» ۲۲۶
- اشاره ۲۲۶
- سرانجام دعوت میرزا بهاء ۲۲۷
- آیین ها و باورهای بهائیان ۲۲۸
- انجمن حجّتیّه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت ۲۳۰
- خودآزمایی ۲۳۲

- منابع برای پژوهش ----- ۲۳۲
- درس دوازدهم: انتظار در فرهنگ شیعه ----- ۲۳۴
- اشاره ----- ۲۳۴
- پیش درآمد ----- ۲۳۵
- معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج» ----- ۲۳۵
- جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه ----- ۲۳۷
- اشاره ----- ۲۳۷
۱. انتظار فرج به معنای عام ----- ۲۳۷
- اشاره ----- ۲۳۷
- ۱.۱. عبادت و بندگی ----- ۲۳۷
- ۱.۲. برترین عبادت ----- ۲۳۷
- ۱.۳. برترین کارها ----- ۲۳۹
- ۱.۴. فرج بودن خود فرج ----- ۲۳۹
- ۱.۵. برترین جهاد ----- ۲۳۹
۲. انتظار فرج به معنای خاص ----- ۲۴۱
- انواع انتظار ----- ۲۴۳
- اشاره ----- ۲۴۳
۱. انتظار صحیح و سازنده ----- ۲۴۳
۲. انتظار غلط و ویرانگر ----- ۲۴۴
- بنیان های اساسی پدیده انتظار ----- ۲۴۶
- اشاره ----- ۲۴۶
- الف. قانع نبودن نبودن از وضع موجود ----- ۲۴۶
- ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب ----- ۲۴۶
- ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب ----- ۲۴۶
- اشاره ----- ۲۴۶
۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام ----- ۲۴۷

۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر ۲۴۷
۳. یقین به ظهور امام غایب ۲۴۷
۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۴۸
۵. نزدیک دانستن ظهور ۲۴۸
- آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار ۲۴۹
- اشاره ۲۴۹
۱. گسترش امیدهای واقعی ۲۴۹
۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف ۲۵۰
۳. ایجاد وحدت و همگرایی ۲۵۰
۴. احساس حضور ۲۵۰
- خودآزمایی ۲۵۲
- منابع برای پژوهش ۲۵۲
- درس سیزدهم: منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها ۲۵۳
- اشاره ۲۵۳
- پیش درآمد ۲۵۴
۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران ۲۵۴
۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور ۲۵۵
۳. ثواب ایشان مانند پاداش نمازگزار و روزه دار ۲۵۵
۴. گرمای ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵۶
۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵۶
۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام ۲۵۶
- اشاره ۲۵۶
۱. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام ۲۵۷
۲. انتظار، معیار ارزش انسان ها ۲۵۷
۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه ۲۵۸
- بایسته های عصر انتظار ۲۵۸

- ۲۵۸ اشاره
- ۲۵۸ الف. وظایف عام
- ۲۵۸ اشاره
- ۲۵۸ ۱. شناخت امام هر زمان
- ۲۶۲ ۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۶۴ ۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی
- ۲۶۴ ۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام
- ۲۶۵ ۵. دست گیری از ضعفا و فقیران
- ۲۶۵ ب. وظایف خاص
- ۲۶۵ اشاره
- ۲۶۶ ۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۶۶ ۲. صبر بر سختی های دوران غیبت
- ۲۶۷ ۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۶۸ ۴. آماده باش دائمی
- ۲۶۹ ۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت
- ۲۷۰ ۶. حفظ پیوند با مقام ولایت
- ۲۷۱ خودآزمایی
- ۲۷۱ منابع برای پژوهش
- ۲۷۲ درس چهاردهم: غیبت کبرا و نیابت عام
- ۲۷۲ اشاره
- ۲۷۳ پیش درآمد
- ۲۷۵ نیابت عام
- ۲۷۸ ولایت فقیه
- ۲۷۸ اشاره
- ۲۷۸ جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه
- ۲۷۹ ادله ولایت فقیه

- ۲۸۰ ولی فقیه
- ۲۸۲ حکومت از نگاه آموزه های اسلامی
- ۲۸۲ اشاره
- ۲۸۴ اندیشه سیاسی شیعه
- ۲۸۴ مقطع حضور امام معصوم علیه السلام
- ۲۸۵ دوران غیبت امام عصر علیه السلام
- ۲۸۶ خودآزمایی
- ۲۸۶ منابع برای پژوهش
- ۲۸۸ درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت
- ۲۸۸ اشاره
- ۲۸۹ پیش درآمد
- ۲۹۰ امامت و مهدویت
- ۲۹۲ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۹۴ تاریخ غیبت کبرا
- ۲۹۵ مکمال المکارم فی فواید الدعاء للقائم
- ۲۹۶ مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)
- ۲۹۷ تاریخ عصر غیبت
- ۲۹۹ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۰۰ روزگار رهایی (ترجمه کتاب يوم الخلاص)
- ۳۰۱ پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۰۲ جزیره خضرا در ترازوی نقد
- ۳۰۴ منابع و مأخذ
- ۳۱۳ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ۴ ج.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴: ؛ ۲۵۵۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳: ؛ ۳۵۰۰۰ ریال: ج. ۲: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ اول): ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ پنجم): ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ ششم): ؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸:

یادداشت: ج. ۱ (چاپ پنجم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج. ۱ (چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت. - ج. ۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت. - ج. ۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/س ۴۵۸۷۳ ۱۳۸۶

رده بندی ديويي : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

اشاره

درسنامه مهديّت (جلد ۲)

حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

و

دوران غيبت

خدا مراد سليمان

در سنانه مهديت (۲)

مؤلف: خدامراد سليميان

ناشر: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف

نوبت چاپ: دوازدهم زمستان ۹۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲

شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون سی و شش هزار نسخه)

قيمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامي حقوق © محفوظ است.

* قم: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف، مرکز تخصصي مهديت / خيابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهيد عليان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

* تهران: بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ /

ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.imammahdi-s.com info@imammahdi-s.com

با قدرداني و تشکر از همکاراني که در توليد اين اثر نقش داشته اند:

اعضاي محترم شوراي کتاب حجج اسلام مجتبي کلباسي، محمدصاير جعفري، مهدي يوسفیان، محمدرضا فؤاديان و آقايان

احمد مسعوديان (مدیر داخلی)، عبدا... شريفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فريدي (صفحه آرا) و

کليه کسانی که ما را ياری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف حسين احمدی

ص: ٣

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۲

درس اول

آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۵

پیش درآمد... ۱۶

تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم. ۱۷

۱. حدیث معراج.. ۱۷

۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام ۱۸

۳. حدیث غدیر. ۱۸

۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.. ۱۸

۵. حدیث امام علی علیه السلام ۱۹

نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت... ۲۲

آغاز پیشوایی در خردسالی.. ۲۲

پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت... ۲۴

پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی.. ۲۴

پیشینه امامت در خردسالی.. ۲۵

نخستین امام خردسال.. ۲۶

کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی.. ۲۸

خودآزمایی.. ۲۹

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات) ۳۱

پیش درآمد... ۳۲

مفهوم غیبت... ۳۳

پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۳۳

تأکید بر حتمی بودن غیبت... ۳۵

چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۳۶

۱. پنهان بودن جسم... ۳۶

۲. پنهان بودن عنوان.. ۳۹

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط... ۴۰

انواع غیبت... ۴۱

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۴۲

خودآزمایی.. ۴۴

ص: ۶

منابع برای پژوهش.... ۴۴

درس سوم

فلسفه و علل غیبت... ۴۵

پیش درآمد... ۴۶

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ رازی از رازهای خداوند... ۴۷

۱. برای حفظ جان آن حضرت... ۴۸

۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها ۵۰

۳. برای آزادگی از بیعت دیگران.. ۵۲

۴. برای تأدیب انسان ها ۵۳

خودآزمایی.. ۵۶

منابع برای پژوهش.... ۵۶

درس چهارم

فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۵۷

پیش درآمد... ۵۸

۱. نگرهبانی از آیین خداوند با هدایت های باطنی.. ۶۱

۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی.. ۶۲

۳. ایمنی بخش از بلاها ۶۳

۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه. ۶۴

۵. یاری برخی نیازمندان.. ۶۵

۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان.. ۶۶

۷. تصویب امور سال در شب های قدر. ۶۶

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر. ۶۶

خودآزمایی.. ۷۰

منابع برای پژوهش.... ۷۰

درس پنجم

غیبت صغرا و نیابت خاص... ۷۱

پیش درآمد.. ۷۲

ویژگی های غیبت صغرا ۷۳

۱. محدود بودن به زمان معین.. ۷۳

۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان.. ۷۳

۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص.... ۷۴

نیابت خاص.... ۷۴

سفیران چهارگانه (خاص). ۷۶

۱. عثمان بن سعید عمری.. ۷۶

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری.. ۷۹

۳. حسین بن روح نوبختی.. ۸۱

۴. علی بن محمد سمری.. ۸۳

چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه. ۸۴

وظایف نمایان خاص... ۸۴

۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۸۵

۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۸۵

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی.. ۸۵

۴. سازماندهی و کیل های حضرت... ۸۶

۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا ۸۸

۶. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان.. ۸۸

۷. جلوگیری از فرقه گرایی و گروه گروه شدن شیعیان.. ۸۸

۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت... ۸۹

۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم. ۸۹

خودآزمایی.. ۹۰

منابع برای پژوهش... ۹۰

درس ششم

فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۹۱

پیش درآمد.. ۹۲

مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت... ۹۳

مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت... ۹۴

توقیعات... ۹۴

چگونگی صدور توقیعات... ۹۵

بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۹۶

دعاها ۱۰۰

۱. دعای افتتاح.. ۱۰۰

۲. دعای سمات... ۱۰۰

۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه...» ۱۰۰

۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء» ۱۰۱

۵. دعای روزهای ماه رجب... ۱۰۱

۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسی الرفیع و رب البحر المسجور...» ۱۰۱

۷. دعای ابوالحسن ضراب... ۱۰۱

زیارت نامه ها ۱۰۲

۱. زیارت آل یس... ۱۰۲

۲. زیارت ناحیه مقدسه. ۱۰۳

۳. زیارت رجبیه. ۱۰۳

مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور. ۱۰۴

خودآزمایی.. ۱۰۵

منابع برای پژوهش... ۱۰۵

درس هفتم

ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت... ۱۰۷

پیش درآمد... ۱۰۸

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق.. ۱۱۱

۲. امکان ملاقات بدون شناخت... ۱۱۴

۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا ۱۱۵

۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا ۱۲۱

خودآزمایی.. ۱۲۳

منابع برای پژوهش.... ۱۲۳

درس هشتم

زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان) ۱۲۵

پیش درآمد... ۱۲۶

احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند.. ۱۲۷

احتمال دوم: انکار همسر و فرزند.. ۱۳۵

خودآزمایی.. ۱۴۰

منابع برای پژوهش.... ۱۴۰

درس نهم

محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۴۱

پیش درآمد... ۱۴۲

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق). ۱۴۳

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰۳۲۹ق). ۱۴۷

۳. دوران غیبت کبرا ۱۴۸

۴. دوران ظهور. ۱۵۱

بررسی داستان جزیره خضرا ۱۵۳

بررسی داستان.. ۱۵۷

الف. از نظر سند.. ۱۵۷

ب. از نظر محتوا ۱۵۸

خودآزمایی.. ۱۶۵

منابع برای پژوهش.... ۱۶۵

درس دهم

انحراف از مهدویت (۱) ۱۶۷

پیش درآمد.. ۱۶۸

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ.... ۱۶۸

آغاز شکل گیری مدعیان دروغین.. ۱۷۱

۱. جایگاه ویژه نایب نخست... ۱۷۱

۲. شرایط سیاسی و اجتماعی.. ۱۷۱

۳. عدم عادت مردم. ۱۷۱

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین.. ۱۷۳

۱. ابومحمد حسن شریعی.. ۱۷۳

۲. محمد بن نصیر نمیری.. ۱۷۵

۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال.. ۱۷۶

۴. حسین بن منصور حلاج.. ۱۷۶

۵. ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی.. ۱۷۸

۶. احمد بن هلال کرخی.. ۱۸۰

خودآزمایی.. ۱۸۲

منابع برای پژوهش.... ۱۸۲

درس یازدهم

انحراف از مهدویت (۲) ۱۸۳

پیش درآمد.. ۱۸۴

شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ.... ۱۸۴

بابیه، یک انحراف بزرگ.... ۱۸۹

آرا و عقاید باب... ۱۹۲

بهائیت، استمرار انحراف... ۱۹۳

پیدایش فرقه «بهائیه» ۱۹۳

سرانجام دعوت میرزا بهاء. ۱۹۴

آیین ها و باورهای بهائیان.. ۱۹۵

انجمن حجتیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت... ۱۹۷

خودآزمایی.. ۱۹۹

منابع برای پژوهش.... ۱۹۹

درس دوازدهم

انتظار در فرهنگ شیعه. ۲۰۱

پیش درآمد.. ۲۰۲

معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج» ۲۰۲

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه ۲۰۴

۱. انتظار فرج به معنای عام. ۲۰۴

۱۱. عبادت و بندگی.. ۲۰۴

۱۲. برترین عبادت... ۲۰۴

۱۳. برترین کارها ۲۰۵

۱۴. فرج بودن خود فرج.. ۲۰۵

۱۵. برترین جهاد. ۲۰۵

۲. انتظار فرج به معنای خاص.... ۲۰۶

انواع انتظار. ۲۰۷

۱. انتظار صحیح و سازنده. ۲۰۷

۲. انتظار غلط و ویرانگر. ۲۰۸

بنیان های اساسی پدیده انتظار. ۲۱۰

الف. قانع نبودن نبودن از وضع موجود. ۲۱۰

ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب... ۲۱۰

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب... ۲۱۰

۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام. ۲۱۱

۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر. ۲۱۱

۳. یقین به ظهور امام غایب... ۲۱۱

۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۱۲

۵. نزدیک دانستن ظهور. ۲۱۲

آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار. ۲۱۳

۱. گسترش امیدهای واقعی.. ۲۱۳

۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف... ۲۱۴

۳. ایجاد وحدت و همگرایی.. ۲۱۴

۴. احساس حضور. ۲۱۴

خودآزمایی.. ۲۱۶

منابع برای پژوهش... ۲۱۶

درس سیزدهم

منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها ۲۱۷

پیش درآمد.. ۲۱۸

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران.. ۲۱۸

۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور. ۲۱۹

۳. ثواب ایشان مانند پاداش نماز گزار و روزه دار. ۲۱۹

۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.. ۲۲۰

۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم.. ۲۲۰

۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام. ۲۲۰

بایسته های عصر انتظار. ۲۲۲

الف. وظایف عام. ۲۲۲

۱. شناخت امام هر زمان.. ۲۲۲

۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام ۲۲۵

۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی.. ۲۲۷

۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام ۲۲۷

۵. دست گیری از ضعفا و فقیران.. ۲۲۸

ب. وظایف خاص.... ۲۲۸

۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۲۹

۲. صبر بر سختی های دوران غیبت... ۲۲۹

۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۳۰

۴. آماده باش دائمی.. ۲۳۱

۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت... ۲۳۲

۶. حفظ پیوند با مقام ولایت... ۲۳۳

خودآزمایی.. ۲۳۴

منابع برای پژوهش.... ۲۳۴

درس چهاردهم

غیبت کبرا و نیابت عام. ۲۳۵

پیش درآمد.. ۲۳۶

نیابت عام. ۲۳۸

ولایت فقیه. ۲۴۱

جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه. ۲۴۱

ادله ولایت فقیه. ۲۴۲

ولی فقیه. ۲۴۳

حکومت از نگاه آموزه های اسلامی.. ۲۴۵

اندیشه سیاسی شیعه. ۲۴۷

مقطع حضور امام معصوم علیه السلام ۲۴۷

دوران غیبت امام عصر علیه السلام ۲۴۸

خودآزمایی.. ۲۴۹

منابع برای پژوهش.... ۲۴۹

درس پانزدهم

کتاب شناسی مهدویت... ۲۵۱

پیش درآمد... ۲۵۲

امامت و مهدویت... ۲۵۳

المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۵۵

تاریخ غیبت کبرا ۲۵۷

مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم.. ۲۵۸

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار). ۲۵۹

تاریخ عصر غیبت... ۲۶۰

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم.. ۲۶۲

روزگار رهایی (ترجمه کتاب يوم الخلاص). ۲۶۳

پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۶۴

جزیره خضرا در ترازوی نقد.. ۲۶۵

منابع و مأخذ.. ۲۶۷

پیشگفتار

دوران پنهان زیستی آخرین پیشوای معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، از فرازهای مهم زندگی آن حضرت است که از آن، با عنوان رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب های پروردگار، یاد شده است.

این دوران پر رمز و راز، نه فقط برای آن پرده نشین که برای پیروان آن یار سفر کرده نیز دارای اهمیت فراوانی است.

این ارجمندی و اهمیت، سبب شده است از چرایی و سبب های غیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا چگونگی آن پنهان زیستی و از انواع پنهان زیستی تا فلسفه و علل آن همه و همه، در کلام پیشوایان نور به روشنی مطرح شود؛ البته آن اندازه که ما شایسته فهم آن بوده ایم.

اگر چه سر بودن این دوران، بسیاری از حقیقت های آن را در هاله ای قرار داده است، سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، همواره افق های نوینی را برابر دیدگان مشتاقان و پژوهندگان قرار داده است.

بنابراین، بررسی های ژرف در موضوعات یادشده و مانند آن، می تواند در فهم هر چه بیشتر مفاهیم مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیب آن حضرت مفید باشد.

اگر چه تلاش های شایسته در این عرصه، میوه های ارجمندی به بار آورده است، یکی از کاستی های این بحث، متنی آموزشی برای انسجام بخشی به بررسی های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

بدین سان با اتکا به لطف بی پایان حضرت حق و عنایات قلب عالم امکان و دلگرمی دوستان فرهیخته با دست مایه ای اندک به اقدامی بس بزرگ دست زده، قدمی، گرچه کوتاه در این راه برداشته ام. باشد با آثار ارزنده دیگر پژوهشیان کمبودهای آن به زیور تکامل آراسته شود.

اینک آنچه پیش روی شما خواننده گرامی قرار دارد، دومین بخش از مجموعه چهار جلدی درسنامه مهدویت با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت است. در این کتاب، مباحث مربوط به پنهان زیستی آن امام همام بحث و بررسی می شود.

پیش از این در جلد نخست، با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا امامت به بحث و بررسی موضوع مهدویت از ابتدای شکل گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرداختم. به یاری خداوند، پس از این در جلد سوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا حکومت جهانی به بررسی موضوعات مربوط به ظهور و مسایلی که تا حکومت جهانی آن حضرت رخ می نماید، می پردازم و سرانجام در جلد پایانی، حکومت جهانی آن بزرگوار با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی را بررسی می کنم.

سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی های خود، این کمترین را یاری فرمودند، اعلام کرده، از همه کوشندگان در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حضرت حجت الاسلام و المسلمین کلباسی قدردانی می نمایم که این کتاب را در کنار مجموعه ارجمندی از میراث فرهنگی متعالی و معارف دریاوش پیشوایان دین علیهم السلام و دانشوران محترم که آن بنیاد ارجمند به چاپ و نشرش همت می گمارد، پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

امید آن که این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند یگانه و رضایت آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و معارف مهدویت مفید افتد.

و توفیق از خداوند است.

خدامراد سلیمیان

درس اول: آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم

نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت

آغاز پیشوایی در خردسالی

پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت

پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی

پیشینه امامت در خردسالی

کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی

پیش درآمد

شیعه با بهره مندی از برهان های عقلی و آموزه های آفتاب گون پیشوایان معصوم علیهم السلام ، بر این باور است که در هر زمان، برای انسان ها، ناگزیر باید حجّتی (۱) از طرف خداوند نصب شود. (۲)

بر اساس روایات قابل اعتماد، این حجّت ها، پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در دوازده پیشوا منحصرند، که با گزینش خداوند و گزارش آن آخرین سفیر الهی، امامت مردم را بر عهده گرفتند. هم آنان که یازدهمین ایشان امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین آن ها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و دیگری شایستگی چنین جایگاهی را ندارد؛ بدون تردید.

اگرچه این جا بیشتر محل بحث و نظر است، به امامت رسیدن آخرین حجّت خداوند، در سنّ خردسالی است. اگر چه این مسأله، افزون بر برخی پیامبران در برخی پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از آن، رخ نموده بود، همواره از طرف مخالفان، به صورت چالشی در مباحث مهدویّت مطرح شده است.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۸ (باب ان الارض لاتخلو من حجه).

۲- بقره (۲): ۱۲۴.

از روایت‌ها و حکایت‌های تاریخی به روشنی به دست می‌آید، سال‌ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق فرا رسد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به ویژه واپسین فرستاده خداوند، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم امامت آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند.

نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند. (۱)

تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم

اشاره

از آن جا که شرایط امامت آخرین امام، با پیشوایان پیشین دیگر گون بود، پافشاری‌های فراوانی بر آگاهی بخشی امامت ایشان شده است.

برخی روایت‌ها که بر این امر اصرار داشت، بدین قرار است:

۱. حدیث معراج

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنچه در شب معراج دیده بود، پس از بیان دیدن نور پیشوایان معصوم علیهم السلام و آخرین جانشین خود میان آن‌ها، می‌فرماید:

...فَقُلْتُ: «يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَصَالَ: «هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ يُجِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي. يَا مُحَمَّدُ! أَحِبَّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ...»؛ (۲)

...عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» فرمود: ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می‌کند و حرام مرا حرام می‌سازد و از دشمنان من انتقام می‌گیرد. ای محمد! او را دوست بدار. پس همانا من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست بدارد، نیز دوست می‌دارم...».

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، (الفصل الاوّل فیما یدلّ علی أنّ الائمة اثنا عشر...).

۲- نعمانی، الغیبه؛ ص ۹۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام

لوح حضرت زهرا علیها السلام که هدیه خداوند به آن بانوی بزرگوار است. اسامی همه پیشوایان معصوم علیهم السلام را ذکر کرده است. در پایان این لوح پس از یاد از امامت امام عسکری علیه السلام، چنین می خوانیم:

...أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِنِّيهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ...؛ (۱)

[...امامت را با فرزندش، محمد که رحمت برای جهانیان است، کامل خواهم کرد.

۳. حدیث غدیر

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در واپسین ماه های عمر خود ضمن پافشاری بر امامت نخستین پیشوای مسلمانان، درباره آخرین پیشوا چنین فرمود:

...مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ. أَلَا إِنَّ خَوَاتِمَ الْأُمَمِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ (۲)

...ای مردمان! همانا به درستی که من پیامبرم و علی جانشین من است. آگاه باشید! ختم کننده پیشوایان از ما است. او قائم مهدی است. آگاه باشید! هو است که دین را برتری خواهد بخشید و انتقام گیرنده از ستمگران است.

۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

از دیگر سخنانی که در آن به روشنی به شمار پیشوایان معصوم اشاره شده، بیان نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود:

الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّرُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ؛ (۳)

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند. نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹.

آخرین آن‌ها قائم است. آن‌ها جانشینان و اوصیای و اولیای من و حجت‌های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن‌ها مؤمن و انکار کننده ایشان کافر است.

۵. حدیث امام علی علیه السلام

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به زنجیره امامان دوازدهگانه اشاره کرده‌اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، برحذر داشته‌اند.

آن‌گاه که از حضرت علی علیه السلام درباره معنای روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده بود: «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» پرسیده شد «عترت» چه کسانی هستند؟ فرمود:

أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ النَّسَبِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَّتُهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَأُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَأُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم حَوْضَهُ؛^(۱)

من و حسن و حسین و پیشوایان نهگانه از فرزندان حسین. نهمین آن‌ها مهدی آن‌ها است. هرگز از کتاب خدا جدا نمی‌شوند و کتاب خدا نیز از آن‌ها جدا نمی‌شود. تا آن‌که کنار حوض پیامبر، بر او بازگردند.

افزون بر روایت‌های یاد شده که از مهم‌ترین دلایل‌ها بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز سخنان ارزشمندی در این باره فرموده‌اند. که برخی بدین قرار است:

دومین پیشوای شیعیان، امام حسن مجتبی علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین فرزند برادر خود حسین و پسر سرور کنیزان دانسته است.^(۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

امام حسین علیه السلام در اشاره به امامت نهمین پیشوای هدایتگر از نسل خود، از وی با «قائم به حق» یاد کرده است. (۱)

امام سجّاد علیه السلام نیز در سخنی ارزشمند به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده، آن حضرت را دوازدهمین جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان پس از او دانسته است. (۲)

امام باقر علیه السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین پیشوای پس از حسین بن علی علیهما السلام و قائم آن ها خوانده است. (۳)

ششمین پیشوای شیعیان، به روشنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوازدهمین از پیشوایان هدایت پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده است. (۴)

هفتمین امام معصوم نیز آن حضرت را پنجمین از فرزندان خود دانسته، فرمود:

برای او غیبتی است که مدتش طولانی خواهد شد. (۵)

امام رضا علیه السلام پس از اشاره به دوران غیبت و سختی های آن، سبب آن سختی ها را پنهان بودن پیشوای ایشان ذکر کرده است. (۶)

امام جواد علیه السلام نیز درباره آن حضرت، وی را سومین از فرزندان خود دانسته است. (۷)

امام هادی علیه السلام، جدّ بزرگوار آن حضرت نیز به پیشوایی آن حضرت پس از فرزند خود امام عسکری علیه السلام تأکید کرده است. (۸)

و سرانجام این تلاش پیوسته، به دست یازدهمین پیشوای معصوم علیه السلام به اوج خود رسید که در آن، آخرین ذخیره الهی به نیکوترین صورت ممکن، معرفی شده است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۵.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳.

۷- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۸- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.

آن جا که از آن حضرت درباره درستی یا چگونگی این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است، پرسیدند که:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

زمین، هیچ گاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست. هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

آن حضرت فرمود:

إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ؛

این مطلب حق است؛ آن گونه که روز، حق است.

سپس از آن حضرت سؤال شد: «ای پسر پیامبر! حجت و امام پس از شما کیست؟»

فرمود:

أَبْنِي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^(۱)

فرزندم محمد. او امام و حجت پس از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

تا این که با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق^(۲)، در حالی که بیش از پنج بهار^(۳) از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره مندی مستقیم انسان ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهم در زندگی پیروان اهل بیت علیهم السلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد:

نخست: رسیدن آخرین حجت الهی به مقام امامت؛

دیگر: قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، باب ۳۸، ح ۹.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

اگر چه برگزیدگانی از شیعه برای این مرحله آمادگی کامل داشتند، می بایست هر دو رخداد (امامت و غیبت)، برای عموم شیعیان به اثبات برسد؛ چرا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخستین روز امامت را در حالی آغاز کرد که جز افرادی اندک که پیش از آن، در دوره امام عسکری علیه السلام آن حضرت را دیده بودند (۱)، کسی او را ندیده بود.

نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت

اشاره

بنابراین، روز در گذشت امام یازدهم و نخستین روز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرا رسید و آن حضرت، ناگزیر میان مردم آمده، بر پیکر پدر نماز گزارد.

این رخداد، به گونه هایی چند روایت شده است. در یک روایت، شیخ صدوق، آن را به صورت مفصل از زبان ابوالادیان یکی از خدمتکاران خانه و متصدی امور نامه های امام عسکری علیه السلام گزارش کرده است. (۲)

به نظر می رسد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از شهادت پدر، در نخستین ساعت های غیبت با حضور در کنار بدن پدر و اقامه نماز بر آن حضرت، مسایلی را مورد توجه قرار داد که همگی به نوعی در ارتباط با بحث امامت خود بود:

۱. اجرای سنت الهی در اقامه نماز امام بر امام؛

۲. پیشگیری از اعلام ختم امامت؛

۳. پیشگیری از انحراف داخلی در قضیه امامت؛

۴. تثبیت ادامه جریان امامت بر حق و اعلام استمرار امامت در امام زنده. (۳)

آغاز پیشوایی در خردسالی

در این رخداد آنچه برای مردم، از همه شگفت آورتر بود، این بود که با کودکی پنج ساله روبه رو بودند که می گفت جانشین امام عسکری علیه السلام است.

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴ و ۴۵۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵، باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

۳- ر.ک: حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۲۴ و ۲۵.

همان گونه که یاد شد، پیش از آن، با هدایت های پیوسته پیامبر و امامان نور علیهم السلام شیعه به این نکته باور پیدا کرده بود که خداوند متعال، از طریق آخرین پیامبر خود، مقام امامت و ولایت را به سبب قابلیت های ذاتی به افرادی خاص عطا فرموده و فقط از طرف او است که برای جامعه امام نصب می شود. نیز این که این قابلیت، هیچ ارتباطی به کمی یا زیادی سن ندارد.

جالب این که این گونه پیشوایی، پیش از آن، هم بین امامان علیهم السلام و هم در زنجیره پیامبران علیهم السلام دارای سابقه بود.

یکی از دانشوران معاصر، امامت در سنین کم را پدیده ای واقعی دانسته، چنین استدلال کرده است:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر، باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت نمی توانسته مردم را به پیروی از خویش وادارد...

به فرض محال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نینداخته است؟

اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده ای حقیقی بوده است، نه ساختگی. (۱)

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند متعال، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخته بود؛ بدین قرار:

۱- صدر، سید محمد باقر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۴۷۴۸.

پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت

از میان پیامبران اولوالعزم، یگانه پیامبری که از هنگام ولادت، به نبوت خویش به طور آشکار تصریح کرده، حضرت عیسی بن مریم علیها السلام است.

خداوند در آیات قرآن، در بخشی از داستان حضرت مسیح علیه السلام از زبان پیامبر خود در پاسخ منکران چنین می فرماید:

«قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»؛^(۱)

[کودک] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

یزید کناسی می گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «آیا عیسی بن مریم علیهما السلام، هنگامی که در گهواره سخن گفت، حجت خدا بر اهل زمان خود بود؟» حضرت فرمود:

«او آن زمان پیغمبر و حجت غیر مرسل خدا بود [=یعنی در آن زمان، مأمور به تبلیغ و دعوت نبود]. مگر نمی شنوی گفته خود او را که می گوید: «من بنده خدایم. خدا به من کتاب داده و پیغمبر ساخته و هر جا باشم پر برکتم قرار داده و تا زنده باشم، مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.»

عرض کردم: «در آن زمان و در همان حالی که در گهواره بود، حجت خدا بود بر زکریا؟»

فرمود: «...چون عیسی هفت ساله شد و خدای تعالی به او وحی فرستاد، از نبوت و رسالت خود سخن گفت و بر یحیی و همه مردم حجت شد...»^(۲)

پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند در این باره خطاب به وی می فرماید:

«يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»^(۳)

ای یحیی! کتاب خدا را به جد و جهد بگیر. ما از کودکی به وی حکم [نبوت] دادیم.

۱- مریم (۱۹): ۳۰.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، باب حالات الأئمة عليهم السلام في السن.

یکی از مفسران اهل سنت، حکمی را که خداوند به حضرت یحیی علیه السلام داد، همان نبوت دانسته، بر این باور است که خداوند متعال، عقل او را در سنین کودکی محکم و کامل کرد و به او وحی فرستاد. (۱)

در یکی از تفسیرهای معاصر، پس از آیه پیشین می خوانیم:

درست است که دوران شکوفایی عقل انسان به صورت معمول حد و مرز خاصی دارد؛ ولی می دانیم همیشه در انسان ها افرادی استثنایی وجود داشته اند. چه مانعی دارد که خداوند این دوران را برای بعضی از بندگانش به خاطر مصالحی فشرده تر کند و در سال های کمتری چکیده نماید؛ همان گونه که برای سخن گفتن، به صورت معمول گذشتن یکی دو سال از تولد لازم است؛ در حالی که می دانیم حضرت عیسی علیه السلام در همان روزهای نخست زبان به سخن گشود؛ آن هم سخنی پر محتوا که طبق روال عادی در شأن انسان های بزرگسال بود. (۲)

در ادامه، این آیه را دلیل روشنی بر درست بودن امامت برخی ائمه علیهم السلام در خردسالی دانسته است.

بنابراین، همان گونه که خداوند متعال، مقام نبوت را به کودک خردسالی داد، می تواند مقام امامت را نیز با تمام ویژگی های لازم، به کودکی عطا فرماید.

پیشینه امامت در خردسالی

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، روایت های فراوان و شواهد تاریخی، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو امام (امام جواد و امام هادی علیهما السلام) نیز پیش از سن بلوغ جسمانی به امامت رسیدند. این، خود ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کودکی بود.

۱- فخر رازی، تفسیر فخر رازی، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۲- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷.

نخستین امام خردسال

در میان امامان دوازدهگانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، حضرت جواد الائمه علیه السلام بود.

حضرت امام محمد تقی علیه السلام نهمین پیشوای شیعیان و یگانه فرزند حضرت رضا علیه السلام، در روز دهم رجب سال ۱۹۵ق در مدینه چشم به جهان گشود. آن حضرت، در هفت سالگی به مقام امامت رسید. (۱)

از آن جا که این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت های قبلی امام رضا علیه السلام و کرامت هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمربن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

مَا حَاجْتُكُمْ إِلَى ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ؛

چه احتیاجی به این موضوع دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانیده و قائم مقام خود ساخته ام و فرمود: ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالانمان ارث می برند. (۲)

این روایت بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی عصاکش من بود. حضرت به من فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا اخْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنَّهِ أَوْ قَالَ سَيَلَى عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنَّهِ؛

چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟ (۳) [یا فرمود: همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد]. (۴)

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲.

۳- به نظر می رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می تواند اشاره به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باشد.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، (حالات الأئمه عليهم السلام في السن، ح ۴).

صفوان بن یحیی گوید: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم: پیش از آن که خدا ابو جعفر را به شما ببخشد، درباره جانشین تان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید؛ خدا به من پسری عنایت می کند. اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی کند، به که بگرویم؟ حضرت با دست اشاره به ابی جعفر فرمود که در برابرش ایستاده بود، عرض کردم: قربانت گردم، این پسر سه ساله است: فرمود:

وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحُجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ؛

چه مانعی دارد عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجّت قیام کرد. (۱)

اگر چه برخی در برابر این اراده از خود واکنش های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان های وارسته ای که در برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند.

از جمله ایشان علی بن جعفر بن محمد "عموی امام رضا علیه السلام" بود که در برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می نمود. (۲)

از این جا بود که پیروان خالص اهل بیت علیهم السلام با این باورمندی که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری آن را پذیرفتند. چرا که ایشان نیز در سنّ هشت سالگی به امامت رسید. (۳)

از آن جایی که شرایط حاکم بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این روند را به گونه ای دیگر رقم زد، تردیدهای شکننده ای را در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت نه فقط در سن و سالی کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه به خاطر مصالحتی ولادتش نیز پنهانی بود. و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، (باب الاشارة والنص علی ابی جعفر الثانی).

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

۳- ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

البته حافظه شیعه‌های راستین، آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه‌سازی کرده بودند^(۱)، هرگز فراموش نکرده بود.

این زمینه‌سازی هر چه به زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر می‌شود، شتاب بیشتری به خود می‌گرفت، به گونه‌ای که امام عسکری علیه السلام هرگاه موقعیت را مناسب می‌یافت فرزند خود را معرفی و به جانشینی وی تصریح می‌نمود.

کودکان نابغه، انسان‌هایی استثنایی

افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی‌های خاصی هستند، بین انسان‌های معمولی نیز کسانی یافت می‌شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند.

یکی از پژوهشگران معاصر پس از بیان آیات و روایات، از کودکان نابغه به عنوان مؤید رخداد فوق‌یاد کرده، افرادی چون ابو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه‌ای از این گونه انسان‌ها دانسته است.^(۲)

برآیند سخن آن‌که: امامت مانند نبوت موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام، سابقه‌ای دیرینه دارد. و کسانی که جهت‌خرده‌گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده‌اند، در بیان پیامبری برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده‌اند.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۲، ح ۱.

۲- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

خودآزمایی

۱. درباره نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت توضیح دهید.
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از شهادت پدر بزرگوار خود در نخستین ساعت های غیبت با حضور در کنار پیکر مطهر پدر و اقامه نماز بر آن، مسایلی چند را مورد توجه قرار داد که همگی به نوعی مربوط به بحث امامت ایشان بود. برخی از آن ها را توضیح دهید.
۳. پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام یک از دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از رسیدن به بلوغ جسمانی به امامت رسیدند؟ در این باره توضیح دهید.
۴. در سلسله پیامبران، کدام یک از پیامبران در سن کودکی به مقام پیامبری رسیدند؟ آیاتی که از این رخ داد مهم، پرده برداشته است را بیان نمایید.
۵. برخی حکمت های امامت در خردسالی را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.
۲. رضوانی، علی اصغر، فصلنامه انتظار، ش ۳، مقاله «امامت در سنین کودکی»، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۱ ش.
۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، انتشارات حضرت معصومه ۳، ۱۳۷۷ ش.
۴. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۵. محسنی کبیر، ذبیح الله، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین سفیر انقلاب، تهران، رسا، ۱۳۷۹ ش.

درس دوم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشگویی از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تأکید بر حتمی بودن غیبت

چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. پنهان بودن جسم؛

ب. پنهان بودن عنوان؛

ج. پنهان بودن جسم و عنوان.

انواع غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد

سال ها پیش از زاده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن گاه که معصومان علیهم السلام از آن حضرت سخن می گفتند، بی درنگ به پنهان زیستی آن حضرت نیز اشاره می کردند. این پافشاری، بیش از آن که در جهت آگاه کردن شیعیان باشد، برای زمینه سازی و آماده کردن آن ها بود.

آنچه بر رمز و راز این مسأله می افزود، پافشاری معصومان علیهم السلام بر ستر بودن این حادثه بود؛ اگر چه گاهی به تناسب، گفته های ارزنده ای درباره آن، به پیروان خود می فرمودند.

بدین سان آنچه در رهیافت بررسی سخنان ایشان می توان به دست داد، نسبت به آنچه بر ما پوشیده است، بسیار اندک و ناچیز است.

در این درس، با بهره گیری از آن بیانات ارزشمند، کلیاتی از مباحث مربوط به غیبت آن حضرت مطرح شده است، تا دریچه ای باشد به موضوعات دیگر که در درس های آینده مطرح می شود.

مفهوم غیبت

این که «غیبت» در لغت به چه معناست، خود اهمیت بسزایی دارد.

«غیبت»، به معنای «پنهان شدن از دیدگان» است و غایب به کسی گفته می شود که حاضر و ظاهر نیست (۱) و در اصل، درباره پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می رود (۲). همچنین درباره کسی به کار می رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی شود. (۳) در اصطلاح مهدویت نیز به پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود.

پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بی گمان بسیاری از روایات و احادیثی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از غیبت او نیز خبر داده است.

برخی از این روایات که با تعبیرهای مختلفی بیان شده، بدین قرار است:

۱. امام علی علیه السلام به غیبت آن حضرت این گونه اشاره کرده است:

الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ؛ (۴)

یازدهمین از فرزندان من، مهدی است که زمین را از عدل و قسط سرشار می سازد؛ همان گونه که از ظلم و بیاداد پُر شده باشد. برای او غیبت و حیرتی است.

۲. امام صادق علیه السلام به روشنی غیبت آن حضرت را مورد تأکید قرار داده، می فرماید:

إِنَّ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ؛ (۵)

همانا برای قائم غیبتی است، پیش از آن که قیام نماید.

۱- ر.ک: فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ماده غیبت؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۱۴۶؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۳..

۲- جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۶۳.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح ۶.

۳. امام رضا علیه السلام فرمود:

ذَآكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُعَيَّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ (۱)

او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در پرده خویش تا آن گاه که بخواهد پنهان خواهد ساخت. آن گاه او را ظاهر می سازد؛ پس زمین را سرشار از عدل و قسط می سازد؛ آن گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد.

یادآوری: در برخی روایات، افزون بر واژه «غیبت»، «حیرت» نیز به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. این پرسش پیش می آید که چگونه ممکن است امام معصوم دچار حیرت شود؟ برای روشن شدن این نکته، به معنای حیرت اشاره ای کوتاه می کنیم.

«حیرت» از نظر لغت درباره کسی به کار می رود که در کار خود سرگردان است (۲) و گشایشی در آن نمی بیند. (۳) این، به تناسب افراد متفاوت خواهد بود؛ از این رو سرگردانی آن حضرت، با آنچه درباره عموم مردم گفته شده، به طور کامل متفاوت است. با در نظر گرفتن یکی از معانی لغوی و به دور از معنای عرفی و اصطلاحی، اطلاق آن بر خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بدون اشکال خواهد بود.

امام باقر علیه السلام آن گاه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه کرد، در پاسخ راوی که از وجه شباهت می پرسد، می فرماید: «الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ». (۴)

روشن است که حضرت یوسف همواره در مشکلات و مصیبت ها، گشایشی در کار خود نمی دید.

بنابراین، بدان سبب که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کار خود گشایشی نمی بیند، تا آن زمان که خداوند اراده ظهور فرماید، در حیرت است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۴۰.

۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۰۴.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۳.

تأکید بر حتمی بودن غیبت

پیشوایان معصوم علیهم السلام در پاره ای از سخنان خود، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را امری حتمی و غیر قابل تردید دانسته اند.

برخی روایات که این معنا را منعکس ساخته، از این قرار است:

امام رضا علیه السلام از پدران خود و ایشان از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که آن حضرت با استفاد از واژگان سوگند فرمود:

وَ الَّذِي بَعَّثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيَّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي؛ (۱)

و سوگند به آن کسی که به حق مرا بشارت دهنده برانگیخت! هر آینه قائم از فرزندان من، غایب خواهد شد.

مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ التَّنْوِيَةَ أَمَا وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ إِمَامَكُمْ سَنِينًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لَتَمَحَّضَنَّ ...؛ (۲)

فریاد نکنید. به خدا سوگند! امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و ناگزیر مورد آزمایش واقع شوید....

آن حضرت همچنین فرمود: «أَمَا وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ عَنْكُمْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؛» (۳)

و نیز فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا؛» (۴)

و نیز آن حضرت فرمود: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ؛» (۵)

امام عسکری علیه السلام فرمود: «وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ غَيْبَةً.» (۶)

تعبیرهای یاد شده، در بیان تأکید بر قطعی بودن غیبت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۱.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۱۱.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۹.

٦- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢, ص ٣٨٤.

تأکید فراوان پیشوایان معصوم علیهم السلام باعث شد این باور در عمق اذهان مسلمانان ریشه دوانده، از باورها خدشه ناپذیر آن ها شود، به همین دلیل، برخی افراد که مدعی مهدویت شدند، در پاره ای موارد، سخن از غیبت نیز به میان آوردند (۱).

همچنین تأکیدهای یاد شده سبب شد کتاب های فراوانی با همین عنوان پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشته تحریر در آید.

چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

با بهره گیری از بیانات معصومان علیهم السلام، سه دیدگاه کلی و قابل توجه درباره چگونگی غیبت حضرتش قابل ارائه است:

۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی)؛

۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی)؛

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان به تناسب شرایط.

اما بررسی دیدگاه های یاد شده:

۱. پنهان بودن جسم

پاره ای روایات، چگونگی غیبت آن حضرت را به پنهان بودن جسم دانسته است.

این دیده نشدن جسم، در دوران غیبت به دو گونه قابل تفسیر است:

۱.۱. آن حضرت، بسان فرشتگان، ارواح و جنّ، جسمی نامرئی دارد که با وجود این که در میان جوامع بشری حضور دارد قابل دیدن نیست.

۱.۲. آن بزرگوار، جسمی مرئی دارد؛ اما به قدرت الهی در دیدگان مردم تأثیر و تصرّف نماید که آن حضرت را نبینند این کار از اولیای الهی که از سوی خدا دارای قدرت در جهان آفرینش هستند، بعید نیست.

از قرآن کریم نیز می توان امکان استتار و اختفای انسان از دیدگان را چه به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت دریافت کرد. (۲)

۱- از جمله این گروه ها می توان به کیسانیه, زیدیه, جارودیه و اسماعیلیه اشاره کرد.

۲- ر.ک: یس (۳۶): ۹ و اسراء (۱۷): ۴۵.

به نظر می رسد تفسیر نخست، غیر قابل پذیرش باشد؛ چرا که هیچ دلیلی وجود ندارد که آن حضرت دارای جسمی با ویژگی این تفسیر باشد. بلکه بر عکس، آن حضرت مانند تمام انسان ها دارای جسمی مادی است. آن گونه که پدران بزرگوارشان و رسول گرامی اسلام علیهم السلام بودند.

با این بیان، تفسیر دوم مورد پذیرش است.

در یک بررسی جامع در سخنان معصومان علیهم السلام برخی روایات که بیان کننده این دیدگاه کلی است، بدین قرار است:

امام علی علیه السلام در این باره در روایتی طولانی فرمود:

...تا آن گاه که از فرزندان من از دیدگان مردمان پنهان شود... پس به پروردگار علی سوگند! حجت حق بر زمین استوار است. در جاده ها حرکت می کند. در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود و بر گروه مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود، تا زمان ظهور وعده الهی و ندای آسمانی. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان او است (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود:

يَقْفِدُ النَّاسُ اِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ (۲)

مردم امام خویش را گم می کنند؛ پس آن امام در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند؛ ولی مردم او را نمی بینند.

همان حضرت فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوْاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ (۳)

برای قائم دو غیبت است که در یکی از آن دو در موسم حج حاضر می شود مردم را می بیند؛ ولی مردم او را نمی بینند.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵.

آن گاه که از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان آن حضرت پرسش شد که چه کسی است، فرمود: «پنجمین از فرزندان هفتمین». آن گاه ادامه داد:

«يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ...؛ (۱) شخص او از شما غائب می شود...».

وقتی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام رضا علیه السلام پرسش شد، فرمود:

«لَا يُرَى جِسْمُهُ...؛ (۲) جسمش دیده نمی شود».

عبد العظیم حسنی هنگامی که باورهای دینی خود را بر امام هادی علیه السلام عرضه می کرد، آن گاه که به اعتقاد مربوط به امامان علیهم السلام رسید، تا امام هادی علیه السلام را شمرده اقرار به امامت ایشان کرد. آن گاه امام هادی ادامه داد: «و پس از من، پسر من حسن است. پس مردم چگونه خواهند بود با جانشین او؟» عرض کردم: «چگونه خواهند بود؟» فرمود:

«لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ؛ (۳) به دلیل آن که شخص او دیده نمی شود...».

داود بن قاسم می گوید از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ...؛ (۴)

جانشین پس از من حسن است. پس چگونه خواهید بود با جانشین پس از جانشین؟ عرض کردم: خدا مرا قربانت گرداند برای چه؟ فرمود: همانا شما شخص او را نمی بینید.

و سرانجام در فرازی از دعای ندبه چنین می خوانیم:

...عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى...؛ (۵)

سخت است بر من که مردمان را ببینم؛ اما تو دیده نشوی....

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۱.

۵- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۸.

روشن است که همه روایات پیشین و احادیثی مانند آن، بر دیده نشدن آن حضرت دلالت دارد و قابل تأویل بر شناخته نشدن، نخواهد بود؛ چرا که صراحت در معنای دیده نشدن دارد.

یکی از نویسندگان معاصر، پس از اشاره به برخی روایات یاد شده، این نظریه را ساده ترین طرح و فرضیه عملی و قابل قبول درباره پنهان شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهایی آن حضرت از ظلم ستمگران دانسته، بر این باور است با این گونه اختفا، آن حضرت در پناهگاهی امن به سر برده، هیچ آسیبی نخواهد دید. سپس می افزاید:

این گونه اختفا و پنهانی از راه اعجاز خدایی امکان دارد؛ به همان گونه که دیرزستی حضرت در طول این همه سال نیز با اعجاز الهی درست می شود. (۱)

این برداشت، افزون بر آن که با معنای لغوی غیبت مطابقت دارد، با روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را به خورشید پس ابر تشبیه نموده، همخوانی بیشتری دارد.

۲. پنهان بودن عنوان

این دیدگاه، بر این است که آن حضرت، افزون بر این که در جوامع انسانی، عمر شریف خود را سپری می کند و مردم را می بیند، مردم نیز او را می بینند، اما او را نمی شناسند. به تعبیر دیگر، فقط از نگاه معرفتی و شناختی مردم پنهان است، نه از دید ظاهری.

افرادی که بر این دیدگاه پافشاری می کنند به روایاتی استدلال کرده اند؛ از جمله به روایتی که سدید از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که:

در قائم، سستی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ در بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را نشناسند. تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی سازد؛ همان گونه که به یوسف اذن داد.... (۲)

۱- صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

و نیز سخن نایب خاص آن حضرت محمد بن عثمان که در این باره می گوید:

وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ؛^(۱)

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم او را می بینند؛ ولی نمی شناسند.

برخی دانشمندان معاصر درباره این دیدگاه، بر این باورند که مقصود از غیبت، آن نیست که حضرتش در یکی از قله های کوه ها یا در دژی محکم یا در غاری از غارهای زمین نهان است؛ بلکه مقصود از غیبت، ناشناخته بودن آن حضرت است. وی معتقد است در حالی که آن حضرت میان مردم است، همگان او را می بینند؛ ولی او را نمی شناسند.^(۲)

لازم به یادآوری است که با توجه به معنای لغوی غیبت، بهره برداری این معنا از روایاتی که به صورت مطلق غیبت را برای آن حضرت ثابت کرده اند، نیازمند قرینه است.

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط

اگر چه به راستی آگاهی به چگونگی غیبت حضرت فقط نزد پروردگار متعال است؛ اما از مجموع روایات می توان دیدگاه سومی ارائه نمود. و آن عبارت است از این که:

حضرت در مواردی که صلاح بدانند از دیدگان مردم پنهان است. البته با تصرّفی که به قدرت الهی در دیدگان افراد می نماید. نه نامرئی کردن جسم خویش. و در مواردی که آن حضرت مصلحت بدانند به صورت آشکار در جامعه حرکت می کند و مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند.

برخی از اندیشوران معاصر نیز به این دیدگاه اشاره کرده، نوشته اند:

درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت به هر دو نحو غیبت جسم، غیبت عنوان تحقق دارد و فلسفه و فایده غیبت به هر دو نحو حاصل می شود. از جمع بین روایات و حکایات تشریف افراد به خدمت آن حضرت و بهره برداری از تفسیر بعضی از

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲- صدر، سید رضا، راه مهدی علیه السلام، ص ۷۸.

آن ها از برخی دیگر دانسته می شود که غیبت آن حضرت به هر دو نحو وقوع پیدا کرده است. (۱)

چه این که به هر یک از گونه های پیشین باور پیدا کنیم، باید توجه داشت که در برخی پیامبران پیشین نیز چنین پنهان زیستی البته با ویژگی های خاص خود سابقه داشته است. به گونه ای که شیخ صدوق اساس تألیف کتاب ارزشمند کمال الدین و تمام النعمه را بر این باور بنا نهاده است.

انواع غیبت

همزمان با مطرح شدن اصل غیبت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف معصومین علیهم السلام در روایاتی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو بخش کوتاه و دراز تقسیم می شود. (۲) که هر یک دارای ویژگی های خاصی است.

این مطلب با تعبیرهای متفاوتی در سخنان معصومین علیهم السلام به چشم می خورد:

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ يَرْجِعُ فِي إِحْدَاهُمَا وَفِي الْأُخْرَى لَا يُدْرَى أَيْنَ هُوَ يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرُونَهُ؛ (۳)

همانا برای قائم دو غیبت است که در یکی از آن ها به خانواده اش بر می گردد و در دیگری دانسته نیست کجا است. هر سال در مناسک حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند؛ در حالی که مردم او را نمی بینند.

امام صادق علیه السلام در روایتی به کوتاه و بلند بودن دو غیبت امام اشاره کرده است:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْعَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ؛ (۴)

۱- صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ ده پرسش، ص ۶۷.

۲- اگر چه امروزه از این دو غیبت با نام های "غیبت صغرا" و "غیبت کبرا" یاد می شود، اما در بیان اندیشوران شیعه از آن با عنوان هایی چون "غیبت قصری" و "غیبت طولی" و مانند آن نیز یاد شده است. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

برای قائم، دو غیبت است: یکی از آن‌ها کوتاه مدت و دیگری دراز مدت. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص، از جایگاه او کسی خبر ندارد و در دیگری جز خدمتکار ویژه آن حضرت، کسی از مکانش، آگاه نیست.

لازم به یادآوری است آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خویش نیز نوعی پنهان زیستی داشته است و به گونه ای نبوده که همگان بتوانند آن حضرت را ملاقات کنند. همین باعث شده است برخی آغاز غیبت آن حضرت را از هنگام ولادت بدانند (۱).

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایاتی پس از تصریح به اصل غیبت، به طولانی بودن آن نیز تأکید شده است.

علی علیه السلام فرمود:

لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَهُ أَمَدًا طَوِيلًا؛ (۲)

برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این باره فرمود:

...التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ لِيُظْهَرَ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلًا؛ (۳)

نهمین از ایشان، قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. شبیه ترین مردم به من در شمایل، گفتار و کردار است. ظهور خواهد کرد در حالی که غیبتی طولانی را سپری کرده باشد.

امام مجتبی علیه السلام در این باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ؛ (۴)

او نهمین از فرزندان برادرم حسین است. فرزند بهترین کنیزان که در دوران غیبت، عمری طولانی خواهد داشت.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳- خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۱۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

امام جواد علیه السلام در پاسخ به این پرسش که چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتظر نامند فرمود:

إِنَّ لَهُ غَيْبَهُ يَكْثُرُ أَيَّامَهَا وَ يَطُولُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ؛ (۱)

همانا برای او غیبتی است که روزهای آن فراوان و مدت آن طولانی خواهد شد پس افرادی که دارای اخلاص باشند منتظر ظهور او خواهند بود.

بنابراین می توان نتیجه گرفت سخنان نورانی پیشوایان معصوم علیهم السلام آن مقدار که مخاطبان می فهمیدند از حقایق مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار آن ها قرار می داد و بیش از آن را به دوران ظهور حضرتش واگذار می کردند که آن دوران، عصر ظهور حقایق است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

خودآزمایی

۱. چگونه می توان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ توضیح دهید.
۲. دیدگاه های متفاوت درباره چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اختصار بیان کنید.
۳. درباره انواع غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۴. روایتی را که در آن به قطعی بودن غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، توضیح دهید.
۵. دو روایت از روایات مربوط به طولانی بودن غیبت را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید مرتضی، امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، (ترجمه کتاب المقنع فی الغیبه)، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، معارف، ۱۳۷۱ ش.
۳. تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.
۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۵. شیخ مفید، ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه کتاب الفصول العشره)، ترجمه: محمد باقر خالصی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

درس سوم: فلسفه و علل غیبت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فلسفه و علل غیبت

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رازی از رازهای خداوند

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ برای:

۱. حفظ جان آن حضرت؛

۲. امتحان و آزمایش انسان ها؛

۳. آزادگی از بیعت دیگران؛

۴. تأدیب انسان ها.

پیش درآمد

بحث از چرایی ها و سبب های پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از بحث هایی است که همواره مورد توجه علاقه مندان به مباحث مهدویت بوده است (۱). اما آنچه پیش از آن می بایست مورد نظر قرار گیرد، این که فلسفه و علل غیبت امام فرع بر پذیرش امامت ایشان است؛ بنابراین، این بحث، فقط برای کسانی به طور کامل مفید خواهد بود که اصل امامت آن امام همام را پذیرفته باشند؛ همان گونه که امامت ایشان نیز فرع بر وجود آن حضرت است و کسی که اعتقاد به زنده بودن ایشان نداشته باشد، سخن از امامت برای وی بی حاصل و اتلاف وقت به شمار می آید.

اما افرادی که هم به امامت آن حضرت باورمند هستند و هم به زنده بودن او، بررسی فلسفه و علل غیبت می تواند باور ایشان را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استوارتر کند. اگر چه آن ها برابر اراده الهی در پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کامل تسلیم بوده، معتقدند تمام کارهای خداوند از روی حکمت است.

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، پنهان زیستی آخرین حجّت الهی، حضرت

۱- البته توجه به این نکته ضروری است که دانش دقیق و تفصیلی درباره این چرایی ها و سبب ها، اگر چه می تواند در باور به مهدویت مؤثر باشد، بدان معنا نیست که ندانستن آن خللی در این باور ایجاد نماید؛ از این رو، آگاهی اجمالی به آن نیز کافی است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با ویژگی های خاص خود^(۱) پدیده ای است که هرگز در طول تاریخ رخ نداده و طبیعی است که ذهن جست و جو گر انسان، همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخدادی پدید آمده است؟

در پاسخ به این پرسش که از همان ابتدای مطرح شدن مهدویت از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره مورد توجه بوده است، به برخی از حکمت ها و علت های این رویداد، با بهره برداری از کلام معصومان علیهم السلام اشاره می شود.

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ رازی از رازهای خداوند

اشاره

پیش از آن که به برخی حکمت ها و علت های ظاهری غیبت آن حضرت اشاره شود، لازم به یادآوری است در بررسی های که روی روایات انجام شده است، نخستین نکته ای که در این باره به چشم می خورد، این است که، پنهان زیستی آخرین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوند است.

حقیقت سرّ بودن این امر را رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین بیان فرموده است:

يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عَلَيْهِ مَطْوِيٌّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ الشُّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشُّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ؛^(۲)

ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوندی و سِرّی است از سِرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است؛ پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک درباره خدا کفر است.

عبد الله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

برای صاحب الامر، ناگزیر، غیبتی است که هر باطل جویی در آن به شک می افتد.

۱- در بحث چگونگی غیبت به صورت مفصل بدان پرداخته شد. از جمله می توان به روایاتی اشاره کرد که سخن از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت به میان آورده است؛ در حالی که این نحوه ناپیدایی، آن هم طولانی مدت، برای پیامبران ذکر نشده است. البته دیدگاه ناشناسی برای برخی از پیامبران نقل شده است. ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.

گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟

فرمود:

به سبب امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم.... ای پسر فضل! این امر، امری از امرهای الهی و رازی از رازهای خدا و غیبی از غیب های پروردگار است و زمانی که می دانیم خداوند بزرگ مرتبه حکیم است، تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است؛ گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد. (۱)

احمد بن اسحاق، نیز گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. آن حضرت سخن آغاز کرد و فرمود:

...يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ...؛ (۲)

ای احمد بن اسحاق! این، امری از امر الهی و سری از سر ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است....

بی گمان این حکمت، اساسی ترین دلیل بر این رخداد بزرگ است؛ اما از آن جا که برخی شیعیان، همواره این پرسش را مطرح می کردند، در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام به برخی حکمت های ظاهری غیبت آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از این رو بدان ها نیز اشاره ای گذرا می کنیم.

۱. برای حفظ جان آن حضرت

یکی از اموری که از نظر عقل و شرع بر همه انسان ها واجب است، دوری جستن از ضررها و حفظ خویشتن از نابودی است، مگر در مواردی که پروردگار متعال اجازه فرموده است؛ مانند جهاد در راه خداوند.

در بررسی روایات مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در می یابیم یکی از

۱- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱.

حکمت های ظاهری پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امان ماندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از گزند بدخواهان و ستمگران است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ "وَأَوْمَأَ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ"؛^(۱)

همانا برای قائم، پیش از آن که قیام فرماید، غیبتی است؛ چرا که در هراس است. [و حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد].

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ابتدای فصل پنجم، بدون اشاره به حکمت نخست چنین نوشته است:

هیچ علتی جز بیم حضرت از کشته شدن خویش، مانع ظهور وی نیست. اگر این گونه نباشد، پنهان بودن در پس پرده غیبت برایش روا نخواهد بود. آن محبوب دل ها دشواری ها و آزار و اذیت را تحمل می کند؛ زیرا مقام و جایگاه والای امامان و پیامبران علیهم السلام به سبب تحمل رنج و دشواری های بزرگ آنان در راه خدا بوده است.

البته این نه بدان معنا است که آن حضرت، از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد؛ بلکه آن حضرت، چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمام ادیان وعده داده شده است، فقط به دست او تحقق می یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به هر وسیله ممکن، او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان زیستی او تعلق گرفته است.

البته شبیه این پنهان زیستی با ویژگی های خاص خود درباره برخی از پیامبران هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند اتفاق افتاده بود که می توان به پنهان شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شعب ابی طالب علیه السلام و نیز در غار حرا در برخی زمان ها اشاره کرد. می دانیم هیچ دلیلی برای چنین پنهان شدنی نبود، مگر ترس از ضررهایی که آن حضرت را تهدید می کرد.

۱- . شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

شیخ مفید در این باره با اشاره به هر دو حکمت پیشین نوشته است:

وجه استتار آن حضرت، دشمنان فراوان و یاران اندک است و ممکن است به دلیل مصلحت پنهانی باشد که فقط خداوند از آن آگاه است. (۱)

در برخی روایات اشاره شده است که خود آن حضرت، از این حکمت غیبت "حفظ جان خویش"، پس از ظهور سخن به میان خواهد آورد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (۲)

آن گاه که قائم قیام فرماید، این آیه را تلاوت خواهد کرد: «و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد». (۳)

این آیه، سخن حضرت موسی علیه السلام را نقل می کند. در روایاتی نیز غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها

بدون تردید، یکی از سنت های خداوند، آزمایش انسان ها و گزینش انسان های موفق است؛ از این رو صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است، تا انسان ها در پرتو باورهای صحیح، انجام دستورهای الهی و شکیبایی در برابر ناملايمات، تربیت یافته و به کمال برسند.

یکی دیگر از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزمایش مردم است. از آن جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرسا است، در تکامل روحی انسان ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می شود چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد است.

۱- شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ص ۴۵.

۲- شعراء (۲۶): ۲۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۴، ح ۱۱.

جابر جعفی می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما چه هنگام خواهد بود؟ حضرت فرمود:

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرْجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدِرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ؛ (۱)

هیئات، هیئات [او سه بار تکرار کرد] فرج ما فرا نمی رسد تا زمانی که شما غربال شوید، تا خداوند ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است باقی نهد.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگاه پنجمین پیشوا از ساله هفتمین پیشوا ناپدید شود، پس خدا را خدا را مواظب باشید! در حفظ دین و آیین خود. در نظر داشته باشید، هیچ کس شما را از دینتان جدا نسازد. فرزندم صاحب الأمر، ناگزیر دارای غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد. همانا آن، آزمایشی از جانب خدا است که خداوند خلق خود را به آن وسیله می آزماید. (۲)

روشن است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبت والایی از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دچار کاستی باشند، بیشتر دچار لغزش و سقوط خواهند شد.

امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را چنین بیان کرده است:

واین گونه است که غیبت قائم طولانی خواهد بود، تا این که حق محض آشکار شود و ایمان از کدورت ها و پیرایه ها صاف و زلال گردد. این آشکار شدن، با بازگشت افرادی صورت می پذیرد که دارای طینت ناپاکی هستند از پیروان ظاهری اهل بیت علیهم السلام؛ یعنی همان ها که ترس نفاق بر آن ها می رود. (۳)

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۹.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵.

از مجموع سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که مهم ترین ویژگی مرتبط با امتحان و آزمایش انسان ها در این دوران، گریز آن ها از دین و آموزه های آن و به اوج رسیدن دنیا پرستی است (۱) که آن را از دوره های دیگر متمایز نموده است.

معصومان علیهم السلام برای این دوران، پس از بیان برخی ویژگی ها، هشدارهایی را نیز داده اند، که با توجه به آن ها درمی یابیم آزمایش های بزرگ از مهمترین ویژگی این دوران است. (۲)

افرادی که با ویژگی های این دوران، ایمان خود را به خوبی حفظ کرده، پروای الهی داشته باشند، ارزش والایی دارند. در این باره وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی به حضرت علی علیه السلام چنین می فرماید:

يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَعَظْمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسِوَايِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...؛

ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، کسانی هستند که در پایان دوران با آن که پیامبر خود را درک نکرده اند و از امام خود در پرده اند به نوشته ای سیاه بر صفحه ای سپید، ایمان می آورند. (۳)

افسوس بر آنان که در این دوران، اسیر وسوسه های بی پایان شیطان و هواهای نفسانی شده، در دام تاریک نادانی و عصیان، زندگی می کنند.

۳. برای آزادی از بیعت دیگران

مضمون برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت های زمان در امان خواهد بود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَلا دُتُّهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ؛ (۴)

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ ر.ک: شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۵۳.

۲- . محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ و نیز: ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۴- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می شود و شخص او غایب است.

و نیز امام مجتبی علیه السلام آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند چنین فرمود:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر این که بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را پنهان و شخصش را مخفی می سازد، تا آن گاه که قیام می کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد. (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی در پاسخ به برخی پرسش ها می فرماید:

درباره علت غیبت پرسش کرده بودید؛ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی پرسش نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید» (۲). بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من هنگامی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت های زمان را بر گردن ندارم. (۳)

به نظر می رسد سه علت یاد شده را می توان زیر یک عنوان جمع کرد و آن "نبود یاران کافی" برای یاری آن حضرت در اجرایی کردن اهداف او دانست.

۴. برای تأدیب انسان ها

ادب کردن انسان ها به ویژه مسلمان ها یکی دیگر از فلسفه های غیبت است؛ چرا که بیشتر آن ها در زمان حیات و حضور امامان پیشین، آن گونه که شایسته بود از ایشان استفاده و حمایت نکردند. افزون بر آن، گاهی با برخوردهای ناشایست خود باعث محروم شدن جامعه بشری از فیض آن ها شدند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲- مائده (۵): ۱۰۱.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ لِلَّهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْصِمِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ...؛ (۱)

آگاه باشید زمین از حجت الهی خالی نمی ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشگی و زیاده روی انسان ها، آنان را از وجود حجت خود محروم می کند.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

...وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي اخْتِلَافُ أَصْحَابِكَ وَ لِهَذَا أُسِرَّ عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ...؛ (۲)

شما مردمی هستید که با دل، ما را دوست می دارید؛ ولی عمل شما با این محبت، ناسازگار است. به خدا سوگند! اختلاف اصحاب پدید نمی آید و به همین دلیل صاحب شما از دست شما گرفته می شود....

بدین سان غیبت آخرین حجت خداوند نماد خشم خداوند بر زمینیان است که با چراغ های هدایت به گونه ای ناشایست برخورد کردند.

امام باقر علیه السلام در نامه ای به "محمد بن فرج" چنین نوشت:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ (۳)؛

در آن هنگام که خداوند بر بندگانش خشمگین شود، ما را از همسایگی آن ها دور سازد.

افزون بر آنچه یاد شد، به مواردی همچون: تربیت انسان های مناسب برای قیام و حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اشاره شده است.

آشکار شدن فلسفه های اساسی غیبت پس از ظهور

با توجه به آن که روایات یاد شده فقط به برخی از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده بود و در روایاتی نیز اساس حکمت غیبت آن حضرت، رازی از رازهای خداوند دانسته شده و با توجه به این که عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱، ح ۲.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳.

آشکار شدن حقایق است، از روایات استفاده می شود حکمت های اساسی غیبت آن حضرت، پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

...حکمت غیبت او، همان حکمتی است که در غیبت حجت های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار شود؛ همچنان که وجه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود، تا آن که هنگام جدایی آن ها فرا رسید. (۱)

بدین سان روشن است پرسش بیش از این، درباره فلسفه و علل غیبت، کاری غیر لازم است. به امید آن که در آن هنگامه آشکار شدن حقایق، توفیق حضور در محضر آن امام همام را داشته باشیم.

۱- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

خودآزمایی

۱. مهم ترین ویژگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از اسرار الهی بودن آن است؛ در این باره توضیح دهید؟
۲. با توجه به این که ترس، از صفات ناپسند است، ترس از کشته شدن به عنوان یکی از حکمت های غیبت چگونه قابل پاسخ است؟
۳. چگونه غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث امتحان مردم است؟ توضیح دهید.
۴. دو ویژگی مهم دوران غیبت کدامند؟ توضیح دهید.
۵. درباره آزاد بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از بیعت دیگران به دو روایت اشاره کرده، توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موسسه موعود، ۱۳۷۹ ش.
۳. الهامی، داود، آخرین امید، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ ش.
۴. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. قزوینی، سید محمّد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه: حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.

درس چهارم: فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فواید امام غایب

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر

پیش درآمد

افزون بر هزار سال است که دست جامعه بشری از دامن پرتوهای ظاهری آخرین پیشوای آسمانی کوتاه است.

آن سان که پیش از این نیز یاد شد، همزمان با اعلام غیبت آخرین پیشوای معصوم علیه السلام، برخی این پرسش را مطرح کردند که امامی که غایب است چه فایده ای دارد؟ از این رو روایات فراوانی به روشنی تمام، به این پرسش پاسخ داده اند.

این پرسش به طور عمده از طرف کسانی مطرح می شد که آگاهی چندانی از جایگاه امامت نداشتند. البته با بررسی شئون امام معصوم علیه السلام و این که چه مقدار از آن با غیبت و پنهان زیستی معطل می ماند، می توان پاسخ این پرسش را تکمیل کرد.

تردید نیست که آخرین حجت الهی در پرده غیبت است. حال به هر دلیلی که امام غایب شده باشد، بخشی از فلسفه وجودی او در هاله پنهان زیستی قرار می گیرد و مردم از او محروم می شوند و آن، بخش مباشرت او در هدایت ظاهری و تشکیل حکومت و اجرای عدالت است؛ ولی هدایت معنوی و با واسطه او به وسیله نمایندگان او برای بیان احکام و اجرای حکومت و عدالت به حال خود باقی است؛ همان گونه که در زمان ظهورش گاهی هدایت یا ولایت و فرماندهی بخشی را به نخبگان خود وا می گذارد و مردم از آنان بهره مند می شوند، در زمان غیبت نیز این نمایندگی ادامه دارد و کار نمایندگان، کار امام معصوم است، چه این که آن ها از جانب او نصب شده اند.

تفاوت بین زمان ظهور و غیبت، فقط از جهت محروم بودن مردم از درک حضور و مباشرت هدایت ظاهری و تصدّی امور است که این به جهتی از جهات چه بدانیم و چه ندانیم واقع شده است و مسأله غیبت از مسایل روشن و یقینی معارف اسلامی است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده است.

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او هم حکمت و لطف است که در نظام حکیمانه الهی وجود او ضرورت دارد. از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام نظام آفرینش، به واسطه وجود انوار مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آن ها غیر ممکن است.

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به امام علیه السلام و چگونگی آن و مسایل مشابه آن را دانشمندان و عالمان حکمت و عرفان با دلایل عقلی و فلسفی و عرفانی در محل خود اثبات کرده اند؛ چنان که به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و رابطه نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر به اذن الهی و به عنایت و لطف او مطلع می باشند نیز ثابت است. طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می دهند، بر فرض که دلیل عقلی مستقلی هم نباشد، به آنچه خبر می دهند اعتقاد می یابیم؛ زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات به ویژه تفاسیل آن راهی مطمئن تر و باوربخش تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آن ها نیست. (۱)

در روایات فراوانی به این حقیقت اشاره شده که جهان هستی به برکت وجود انوار پاک معصومان علیهم السلام آفریده شده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مولای متقیان علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ! لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ...؛ (۲)

ای علی! اگر ما نبودیم، خداوند، آدم و حوا را و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کرد....

۱- صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۷.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲.

بدون شک به همان میزان که موجودات در هنگام پدید آمدن، نیازمند فیض الهی هستند، در دوام و استمرار وجود نیز نیازمند فیض خداوندی هستند.

در روایات فراوانی پیشوایان معصوم علیهم السلام واسطه های فیض الهی معرفی شده اند.

بدون هیچ توضیحی به روایتی اشاره می کنیم که امام صادق علیه السلام از پدرش و او از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ما پیشوایان مسلمین و حجّت های خداوند بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپیدجبینان و مولای اهل ایمانیم. و ما امان اهل زمینیم همچنان که ستارگان امان اهل آسمانند. و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به واسطه ما زمین را نگاه داشته که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد. و اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلش را فرو می برد. (۱)

پس به سبب وجود امام و پیامبر علیهم السلام است که نه فقط ما، که جهان هستی از برکت فیض های الهی بهره مند می شوند.

امام صادق علیه السلام درباره حضور حجّت بر روی زمین می فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ (۲)؛

اگر زمین بدون امام بماند، فرو می ریزد.

آن حضرت، در سخنی دیگر به جزئیات بیشتری درباره فواید تکوینی امام اشاره فرموده است:

...بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ وَ بِعِبَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبَدَ اللَّهُ... (۳)؛

...به سبب ما درختان میوه می دهند و میوه ها به ثمر می رسند و رودها جاری می شوند، و به سبب ما ابر آسمان می بارد و گیاهان از زمین می رویند و به بندگی ما خداوند پرستیده می شود و اگر ما نبودیم، هرگز خداوند پرستیده نمی شد....

بدین سان بهره مندی همه آفریده ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود حجّت روی زمین است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

٣- شىخ كلينى، كافي، ج ١، ص ١٤٤، ح ٢٣.

البته این نوع بهره مندی، ارتباطی به پذیرش یا ردّ امام ندارد و خداوند به واسطه وجود امام، تمام موجودات را بهره مند می کند.

بنابراین، این دسته از فایده ها که تمام هستی را شامل می شود ویژه هیچ گروه یا بخشی از موجودات نیست. بر خلاف فایده های دسته دوم که به شناخت و معرفت امام بستگی دارد و شامل افراد معتقد به آن حضرت می شود.

بنابراین اگر تقدیر خداوند توانای حکیم، چنان باشد که چنان که بعضی از فرشتگان، واسطه نزول برخی برکات شده اند فیض های عام و خاص به واسطه امام به آفریدگان برسد و امام مجرای فیض باشد، خواه ناخواه وجود و بقای سایر ممکنات که به فیض الهی حدوث و بقا دارند، به مجرای فیض مرتبط خواهند بود. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا اگر قصور در مفاض نباشد برقرار است؛ اما می توان گفت ممکنات همه آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است (۱).

شکی نیست که تمام آنچه در شأن امام علیه السلام گفته شد، ارتباطی به حضور ظاهری او ندارد و امام غایب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است.

افزون بر بهره های یاد شده، فایده های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش بدین قرار است:

۱. نهبانی از آیین خداوند با هدایت های باطنی

بی گمان پیشوایان معصوم علیهم السلام، معلّمان و مرّیان اصلی انسان ها هستند و مردم، همواره از زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره ها برده اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن نیست، آن معدن علوم الهی به راه های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند.

این مهم نه فقط در در دوره غیبت صغرا، با پاسخگویی به پرسش های مردم و دانشمندان، از طریق نامه های امام که به توقیعات مشهور است، تحقق یافت، بلکه در دوران غیبت کبرا نیز به صورت هدایت های باطنی صورت پذیرفت.

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۷.

بنابراین شکی نیست که بقای مکتب تشیع در گرو حمایت های آن امام پنهان بوده است. شیعه بر این باور است که آن حضرت همواره در هنگامه های حساس و حوادث تعیین کننده، بسان دستی غیبی اراده های نقش آفرین را در جهت اصلاح امور، هدایت کرده، این باور الهی را از نابودی در پناه گرفته است.

این اصلاحات به طور عمده با هدایت های باطنی صورت می پذیرد. هدایت هایی که گاهی به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می گیرد.

امام از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می دهد. با القا های نیکو، یا با ننگ داشتن های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می کند یا آن ها را در راه صحیحی که دارند، استوار و ثابت قدم می دارد؛ گر چه این هدایت، از دیدگان پنهان است.

چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند؛ ولی یکباره در آن مستقر شدند.

۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

بدون شک باور به امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب امیدواری مسلمانان به آینده روشن می شود. این امیدواری، از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. جامعه شیعی، طبق باور خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره منتظر ظهور آن حضرت است. او را در میان خود نمی بیند؛ اما خود را یگانه و جدا از او نمی داند. باری، امام پنهان، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و همین مسأله باعث می شود پیروانشان به امید لطف و عنایت حضرتش، برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی تلاش کنند.

به بیان دیگر، امام اگر چه غایب نقطه اتکایی است که پیروان خود را در ورطه های نابودی و ناامیدی در حمایت و پناه خود می گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی وا می دارد.

بنابراین حالت امید و انتظار به آینده از فواید دیگری است که بر وجود آن حضرت مترتب است. بدون تردید جامعه ای که به پیشوای زنده اگر چه غایب معتقد است،

همواره از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد بود. و شکی نیست جامعه ای که دچار ناامیدی شد، رو به انحطاط خواهد رفت.

امروزه جامعه شیعی، استواری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می داند که از فواید آن امام پنهان به حساب می آید.

آری، اوضاع نابسامان و اسفبار جهان و سیل بنیان کن ستم و بیداد، خیرخواهان بشریت را نگران کرده است؛ به گونه ای که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. در این صورت، یگانه روزنه امیدی که برای بشر باز می ماند و یگانه بارقه امیدی که در این جهان ظلمت زده، امید می آفریند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر سراسر عدل حکومت توحید و نفوذ دستوره‌های الهی است.

۳. ایمنی بخش از بلاها

بدون تردید، امتیت، از اساسی ترین نیازهای زندگی است. پدید آمدن رخدادهای ناگوار، همواره این نیاز را مورد تهدید جدی قرار داده، زندگی و حیات طبیعی موجودات را به مخاطره انداخته است.

بخشی از این نگرانی ها با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می شود؛ امّا در موارد فراوانی عواملی ناشناخته و خارج از کنترل، ناامنی هایی را بر زندگی تحمیل می کند.

در برخی روایات، امام و حجت الهی، عامل امتیت زمین و اهل آن، دانسته شده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود فرموده است:

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛ (۱)

من سبب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم.

حجت خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسدتی که انجام می دهند به عذاب های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که بزرگ ترین حجت الهی است، می فرماید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...» (۱)؛

[ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب [عمومی] گرفتار نخواهد کرد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن ها دور می کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را بر سر خود نشانند.

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي؛ (۲)

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خدای تعالی به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند.

از موارد آشکار این فائده را می توان در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و سال های پراکندگی دفاع مقدس، جست و جو کرد. دیده ها و شنیده ها حکایت از آن دارد که بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه های سنگین دشمن عبور داد.

۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه

از روایات اسلامی به دست می آید که در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در زمان های معینی، اعمال انسان ها به آن حضرت عرضه می شود. این باور خود در ایجاد پروای الهی، و خویشتن داری برابر انجام کارها، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی را با عنوان «بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم

۱- انفال (۸): ۳۳.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۶.

وَ الْأُتْمَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»، پدید آورده و در آن روایاتی را یادآور شده که در آن، سخن از عرضه اعمال بر امام زنده هر عصر دارد.

در روایت چهارم این باب، عبد الله بن ابان زبّات که جایگاه خوبی نزد حضرت رضا علیه السلام داشت، از آن حضرت خواست برای او و اهل بیتش دعا کند آن حضرت فرمود:

أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ؛

مگر چنین نمی کنم؟ به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود.

عبد الله بن ابان گفت: «از این فرمایش حضرت شگفت زده شدم». حضرت در پاسخ فرمود:

أَمَّا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؟ قَالَ: هُوَ وَاللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۱)

مگر کتاب خدا را نخوانده ای که فرمود: «و بگو هر کار می خواهید انجام دهید؛ پس به یقین خداوند، پیامبرش و مؤمنان عملتان را می بینند»؟ فرمود: به خدا سوگند! مقصود از او [= مؤمن] علی بن ابی طالب است.

این آگاهی، آثار تربیتی فراوانی دارد و که مهم ترین آن ها، این است که انسان را به نوعی مراقبت دائمی در رفتار خود وا می دارد. انسانی که بداند افزون بر خداوند، پیامبران و فرشتگان، امامی زنده نیز وجود دارد که اعمال او بر وی عرضه می شود، به طور قطع رفتار خود را با دقت بیشتری انجام می دهد.

۵. یاری برخی نیازمندان

جدای از این که در همه حالت ها، خود آن حضرت به یاری استمداد کنندگان می آید یا این که ملازمان و اولیای او و نیز این که یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه، شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان های بسیاری به دست آن حضرت یا اراده ایشان از سختی ها و مشکلات نجات یافته اند.

طبق نقل مرحوم طبرسی از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته و توقیعی برای شیخ مفید صادر شده است که در آن، نکته های ارزشمندی درباره فایده یاد شده است. آن جا می خوانیم:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ... (۱)؛

ما در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی نماییم. اگر این چنین نبود، شر و بدی بر شما نازل می شد و دشمنان بر شما چیره می گشتند؛ پس تقوای الهی پیشه کنید....

۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان

شکی نیست که امام معصوم علیه السلام از هر پدری و مادری مهربان تر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا به ویژه مؤمنان را می خواهد؛ از این رو همواره برای موفقیت آن ها و نیز دوری مصیبت ها و مشکلات از آن ها، دعا می کند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

۷. تصویب امور سال در شب های قدر

طبق برخی روایات، تقدیرات الهی با امضای آن حضرت صورت می گیرد.

اگر چه در منابع مفصل، فوایدی افزون تر از آنچه ذکر شد، مورد اشاره قرار گرفته است، به همین مقدار بسنده کرده، علاقه مندان را به کتاب های بزرگان ارجاع می دهیم.

در پایان، مناسب است درباره روایاتی که از آن حضرت با عنوان «خورشید پس ابر» یاد شده، توضیح دهیم.

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر

در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره فواید امام غایب، تشبیه زیبایی ذکر شده که در آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است.

نخست، در بیان نورانی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آن گاه ششمین پیشوای شیعیان، امام صادق علیه السلام و سرانجام در بیانی نورانی از واپسین حجت الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این تشبیه زیبا، اشاره شده است که به آن ها می پردازیم:

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره مند می شوند؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود:

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُؤْهِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَتَنَفَعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ. يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَارْتَمِهِ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ؛ (۱)

آری! سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت! آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می گیرند و از ولایت او، بهره مند می شوند؛ همانند بهره مندی مردم از خورشید؛ اگرچه ابرها چهره آن را بپوشانند. ای جابر! این از اسرار پوشیده خداوند و از علوم ذخیره شده او است. آن را مخفی کن، مگر از اهلش.

۲. سلیمان بن اعمش از امام صادق علیه السلام و او از امام باقر علیه السلام و او از امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است که فرمود:

زمین از آفرینش آدم تا کنون و تا همیشه تاریخ، از حجت خدا تهی نخواهد بود؛ خواه حجت حق، ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی، نهان و پوشیده. تا رستاخیز نیز چنین خواهد بود که اگر جز این باشد، خدای یگانه پرستیده نمی شود. (۲)

سلیمان می گوید: گفتم: «سرورم! مردم چگونه از امام غایب از نگاه، بهره ور می شوند؟»

حضرت فرمود:

همان گونه که از خورشید زمانی که ابرها آن را می پوشانند، بهره می برند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۳. در توییچ مبارکی که از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اسحاق بن یعقوب صادر شده آمده است:

...وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ السَّحَابُ...؛ (۱)

... و اما چگونگی بهره مندی از من در عصر غیبت، درست همانند بهره مندی، از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از چشم ها بپوشاند....

بی گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است؛ از این رو دانشوران شیعه در بیان این تشبیهات نکته های ارزشمندی را یادآور شده اند که این جا فقط به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان علیه السلام نیز در منظومه زندگی انسان ها محور و اساس است.
۲. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید بی شماری است که فقط یکی از آن ها نور افشانی است. امام زمان علیه السلام نیز در نظام آفرینش دارای فواید بی شماری است که فقط فواید اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.
۳. ابر، فقط چهره خورشید را بر زمینی ها می پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی کند. پرده غیبت نیز فقط انسان ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.
۴. ابری شدن از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان ها است.
۵. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه های دنیایی چیره و غالب شد و آن سان که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده غیبت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۶. در بهره مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده اند با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۷. فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی تر شدن انتظار می شود.

۸. فقط انسان های نابینا از نورافشانی خورشید محرومند؛ همان گونه که فقط انسان های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی بهره هستند.

بنابراین شکی نیست که میزان بهره مندی موجودات از آفتاب عالم تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد بیشتر و کامل تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره مندی ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می کند.

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض های کامل امام به دیگران شود بدان معنا نیست که وجود او بی فایده است.

وجود امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت های فراوانی است؛ ولی هر کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان ها می شوند.

فشرده سخن این که مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام را نقض نمی کند؛ زیرا امام معصوم در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.

خودآزمایی

۱. امام غایب به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. به دو حدیث در این باره اشاره کرده، توضیح دهید.
۲. به چهار وجه شباهت میان خورشید پشت ابر و امام غایب اشاره کرده، آن ها را توضیح دهید.
۳. مهم ترین فایده تکوینی امام غایب را توضیح دهید.
۴. چگونه امام غایب، از بلاها ایمن می بخشد؟
۵. درباره هدایت های باطنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت توضیح داده به مواردی اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ ش.
۲. جوادی آملی، عبد الله، عصاره خلقت، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۳. بنی هاشمی، سید محمد، آفتاب در عزیمت، تهران، میقات، ۱۳۸۰ ش.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.

درس پنجم: غیبت صغرا و نیابت خاص

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ویژگی های غیبت صغرا

نیابت خاص

نواب چهارگانه (خاص)

۱. عثمان بن سعید عمری

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳. حسین بن روح

۴. علی بن محمد سمري

وظایف نمایان خاص

پیش درآمد

پیش تر یاد شد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای دو غیبت است؛ یکی کوتاه و ناتمام و دیگری طولانی و تمام.

امّا این که چرا چنین شد؟ باید توجه داشت اگر آن غیبت، یکباره رخ می نمود، ضربه سنگینی به پایگاه های مردمی و طرفداران امامت وارد می شد؛ زیرا مردم، پیش از آن با امام خود ارتباط داشتند و در مشکلات به او رجوع می کردند؛ اگر ناگهان امام غایب می شد و مردم احساس می کردند دیگر به رهبر فکری و معنوی خود دسترسی ندارند، ممکن بود همه چیز از دست برود و آن جمع به تفرقه دچار شوند.

بنابراین لازم بود که برای «غیبت تامّه» زمینه سازی شود، تا مردم به تدریج با آن خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند. با غیبت صغرا، در واقع این زمینه سازی صورت گرفت. در این زمان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان بود؛ ولی از راه نمایندگان، و کیلان و یاران مورد وثوق با شیعیان خود ارتباط داشت. (۱)

رفته رفته پس از گذشت ۶۹ سال، با پدید آمدن آمادگی، آن حضرت در پرده پنهان زیستی تمام، قرار گرفت.

۱- صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۱.

در این درس بر آن هستیم تا درباره غیبت صغرا و نیابت خاص آن حضرت توضیح دهیم.

دوران غیبت صغرا که برخی آغاز آن را از همان ابتدای ولادت (۱) و برخی از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (۲) دانسته اند. در واقع نوعی آماده سازی برای غیبت طولانی بود و غیبت طولانی هم مقدمه ظهور و حضور ظاهری آن حضرت در جامعه انسانی است.

ویژگی های غیبت صغرا

اشاره

غیبت صغرا، با ویژگی های خاص خود، دورانی لازم و ضروری بود که به حکمت خداوند، در تاریخ شیعه رقم خورد، تا جامعه شیعی را به کامل ترین صورت ممکن مهیای فصلی تازه از زندگی خود کند. برخی از این ویژگی های غیبت صغرا بدین قرار است:

۱. محدود بودن به زمان معین

زمان غیبت صغرا محدود بود و از نگاه زمانی ۶۹ سال و چند ماه طول کشید و به دلیل کوتاه بودن مدت آن «غیبت صغرا» نامیده شد؛ به خلاف غیبت کبرا که غیر از خدا کسی از مدت آن آگاهی ندارد.

۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان

در دوران غیبت صغرا، امام از نگاه ها پنهان بود؛ لیکن این غیبت، همگانی نبود؛ بلکه کسانی مانند نواب خاص و برخی از وکلای آن حضرت، می توانستند با آن حضرت در تماس باشند و پرسش ها و نامه های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ او را به مردم برسانند.

اما در غیبت کبرا، امام به طور کلی از نگاه ها پنهان است و راه نامه نگاری بسته است؛ یعنی بنای غیبت کبرا و اقتضای آن، این است که حضرت دیده نشود. البته این بدان معنا نیست که امکان ندارد دیده شود؛ بلکه ممکن است برخی افراد، حضرت را ببینند.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۹.

۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص

در غیبت صغرا، حضرت چهار نماینده داشت که آن‌ها را به صورت معین و مشخص تعیین کرده و برگزیده بود. آنان موظف بودند بین امام و مردم ارتباط برقرار کنند. اقامتگاه و مکان حضرت را نیز می دانستند؛ ولی در غیبت کبرا چنین نیست.

نیابت خاص

با توجه به ویژگی های پیشین، روشن می شود یکی از مباحث مهم در این دوران، بحث نیابت خاص است.

در دوره غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه چهار نفر نایب خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می داد. این امور، افزون بر مسایل مالی، شامل مسایل عقیدتی و فقهی نیز می شد.

رابطان میان آن حضرت و شیعیان، چهار نفر از اصحاب با سابقه و مورد اعتماد امامان پیشین بودند که یکی پس از دیگری این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. آنان، به «نواب خاص» آن حضرت معروفند. این افراد، با و کیلان حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و نامه ها و خواسته های شیعیان را به محضر مقدس او می رساندند و در جواب، تویعاتی از طرف آن حضرت صادر می شد.

نکته قابل توجه آن که در این دوره، نه فقط شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان بود، بلکه بیشتر سفرای ایشان نیز به طور ناشناس و بدون آن که جلب توجه کنند، عمل می کردند.

نیابت خاص، بدان سان بود که امام شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و خصوصیات، او را معرفی کند؛ همان گونه که پیش از آن امام حسن عسکری علیه السلام این کار را انجام داده و فرمود:

الْعَمْرَى وَابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ؛(۱)

عمری و پسرش [= عثمان بن سعید، نایب اول و محمد بن عثمان، نایب دوم]

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۳ و ص ۳۶۰.

مورد اعتماد هستند. هر چه آنان به تو برسانند، از من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند، از جانب من می‌گویند.

و در جای دیگر فرمود:

وَأَشْهَدُ وَعَلَىٰ أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدِ الْعَمْرِيَّ وَكَيْلِي وَأَنَّ ابْنَهُ مُحَمَّدًا وَكَيْلَ ابْنِي مَهْدِيَّكُمْ؛ (۱)

گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری [= نایب اول] و کیل من و فرزندش محمد بن عثمان [= نایب دوم] و کیل فرزند من، مهدی شما است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان پس از عثمان بن سعید (نایب اول) را به وسیله نایب قبل او معین و به مردم معرفی می‌کرد. (۲)

نیابت و سفارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، از پست‌ها و مسؤولیت‌های بسیار خطیر و با اهمیت شناخته شده است. این مقام ارجمنده، فقط برازنده کسی است که ویژگی‌ها و ارزش‌های خاصی داشته باشد. برخی از این ویژگی‌ها چنین است:

ایمانی استوار و خلل‌ناپذیر

امانت‌داری به مفهوم واقعی آن؛

تقوا پیشگی و پرهیزکاری؛

رازداری و پوشیده داشتن اموری که باید نهان بماند؛

دخالت‌ندادن رأی و نظر شخصی خویش در امور مخصوص به آن حضرت؛

اجرای دستورهای امام.

...

روشن است که «نیابت خاص» آن حضرت، با «نیابت عام» که مجتهد جامع شرایط دارد، مسؤولیتی بس متفاوت است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۵.

۲- ر.ک: غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۳۴.

اگرچه در نیابت خاص ویژگی هایی در نظر بود، آنچه دارای اهمیت ویژه ای بود، رازداری نواب خاص بود.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه نوشته است:

عده ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چطور شد امر «نیابت» به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد؛ ولی به تو واگذار نگردید؟» او پاسخ داد: «آنان [= ائمه اطهار علیهم السلام] بهتر از هر کس می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند. من آدمی هستم که با دشمنان، رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می کنم. اگر آنچه ابوالقاسم بن روح درباره امام می داند، می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان و جدال با آنان، می کوشیدم دلیل های بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در نتیجه محل اقامت او را آشکار سازم؛ اما اگر ابوالقاسم، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد».^(۱)

سفیران چهارگانه (خاص)

اشاره

در مدت غیبت صغرا طبق دیدگاه مشهور چهار سفیر یا نایب خاص، درخواست های مردم را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز نامه ها و توقیعات آن حضرت را به مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. این سفیران یا نواب چهارگانه، به ترتیب عبارتند از:

۱. عثمان بن سعید عمری

اشاره

نخستین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابوعمرو عثمان بن سعید عمری بود. شیخ طوسی، درباره سفیران حضرت و اولین ایشان چنین نوشته است:

سفیرانی که از جانب ائمه اطهار علیهم السلام به نیکی یاد شده اند؛ نخستین آنان مرد بزرگواری است که حضرت امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام او را توثیق فرموده اند و او، شیخ موثق ابوعمرو عثمان بن سعید عمری است.^(۲)

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

نام وی «عثمان بن سعید»، کنیه اش «ابوعمر و» و لقبش «العمری»، «سَمَان» (۱)، «اسدی» (۲) و «عسکری» (۳) می باشد.

وی از یاران، اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم بود. او مردی بزرگوار و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام به خدمت گزاری و یادگیری احکام، حدیث و آموزه های اسلامی اشتغال داشت و شاگرد تربیت یافته در زیر سایه ولایت و امامت بود. (۴)

شاید یکی از دلایلی که وی در پیشگاه دو امام قبل از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته بود، این بود که دیگر کسی در شأن و عظمت او تردید نداشت و مردم، به راحتی نیابت او از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می پذیرفتند.

از احمد بن اسحاق نقل شده است:

از حضرت هادی علیه السلام پرسیدم: «با چه کسی داد و ستد کنیم و از چه کسی مطلب را بگیریم و گفته چه کسی را بپذیریم؟» امام فرمود: «عمری مورد اعتماد من است؛ آنچه را از من به تو برساند، به طور قطع از من می رساند و آنچه را از قول من برای تو گوید، به طور قطع از من می گوید. سخن وی را گوش کرده، اطاعت نما؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است.» (۵)

عثمان بن سعید از سال ۲۶۰ق به نص صریح امام حسن عسکری علیه السلام به نیابت از امام غایب معرفی شد. همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وکالت و نیابت عثمان بن سعید برای جمعیت و اهالی قم اشاره کرد و آن ها را به عثمان بن سعید ارجاع داد. (۶)

۱- علت ملقب شدن او به «سَمَان» این بود که به تجارت روغن می پرداخت، تا در پس این کار، به مسؤولیت اصلی خود بپردازد و از شر حکومت در امان باشد.

۲- به دلیل آن که از قبیله بنی اسد بود.

۳- زیرا او از محله «عسکر» سامرا بود.

۴- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۰۶، به نقل از: رجال شیخ طوسی، رقم ۲۲، ص ۴۳۴.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

از مهم ترین ویژگی های نخستین نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. مورد اطمینان سه امام معصوم علیهم السلام و امین ایشان بود؛^(۱)

۲. در اجرای مراسم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور چشمگیری داشت؛^(۲)

۳. مراسم کفن و دفن امام عسکری علیه السلام را به عهده گرفت؛^(۳)

۴. به دستور امام عسکری علیه السلام پس از شهادت آن حضرت، عهده دار نیازهای خانواده آن حضرت شد؛

۵. افزون بر آن که از طرف امام عسکری به نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نصب شده بود، توسط خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به این مقام گماشته شد؛

۶. نقش مهمی در رسوایی جعفر کذاب داشت؛

۷. پس از وفات وی، نامه تسلیتی از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد و در آن، از او تجلیل فراوانی شد.

وی اندکی پیش از سپری شدن عمر شریفش، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزندش، محمد بن عثمان را نایب خاص پس از خود منصوب کرد. البته پیش از این، فرزند عثمان بن سعید از سوی امام عسکری علیه السلام فردی مورد اطمینان برای فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی و معین شده بود.^(۴)

وفات نایب اول

یکی از پژوهشگران معاصر درباره مدت نیابت نایب نخست، چنین نگاشته است:

علی رغم نقش تعیین کننده عثمان بن سعید در سازماندهی و تحکیم پایگاه شیعیان، بسیاری از ابعاد شخصیت و زندگانی او در دوران کودکی و جوانی و چگونگی رشد و نمو او، از جمله تولد، وفات و مدت نمایندگی او در بستر تاریخ مبهم مانده است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۶.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶.

هیچ نویسنده و مورخی به صورت قطع و یقین، تاریخ وفات او را مشخص نکرده است. بعضی ها به طور کلی متعرض این مسأله نشده اند و بعضی هم با بیان تاریخ های احتمالی، از کنار مسأله رد شده اند.

این تحقیق، پس از نقل برخی دیدگاه ها در این زمینه، دو دیدگاه را مطرح کرده است. سپس نخستین آن دو را انتخاب کرده، این گونه نوشته است:

وفات او پیش از سال ۲۶۷ق بوده است و مشخصاً دانسته نیست کدام سال می باشد. اکثر مورخان و عالمان رجال همین احتمال را انتخاب کرده اند و این، اقرب به واقع است. (۱)

ابونصر هبه الله بن محمد می گوید:

قبر عثمان بن سعید در طرف غربی بغداد در خیابان «میدان» در اوّل محل، که به «درب جبله» معروف است، در داخل مسجد، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد. (۲)

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری

اشاره

دومین نایب از «نواب چهارگانه» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد بن عثمان، فرزند نایب نخست است. وی پیش از آن، در زمان حیات پدرش، از سوی امام عسکری علیه السلام به نیابت امام غایب معرفی شده بود. بدین صورت که آن حضرت، هنگامی که گروهی از شیعیان یمن در شهر «سامرا» به حضورش شرفیاب شدند، عثمان بن سعید را نزد خود فرا خواند و بر وکالت و وثاقت او تصریح کرد. سپس فرمود:

گواه باشید عثمان بن سعید عمری، وکیل من است و فرزندش محمد بن عثمان وکیل فرزند من، مهدی شما است. (۳)

۱- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۴۲.

۲- پیشین، ص ۱۴۴.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۷.

عثمان بن سعید هنگام مرگ خود، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیابت را به فرزند خود «محمد» سپرد. به علاوه خود حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعاتی، به نیابت او تصریح فرمود. (۱)

آن حضرت در توقیعی چنین فرمود:

ما برای خداییم و بازگشتمان به سوی او است. تسلیم فرمان خدا و خشنود به قضای الهی هستیم. پدرت سعادت‌مندانه زیست و نیکو از این جهان، دیده بر بست. خدای رحمتش کند و او را به اولیا و موالی خود ملحق سازد! که همواره در راه آنان کوشا بود و در چیزهایی که او را به خدا نزدیک سازد، تلاش فراوانی داشت. خداوند تبارک و تعالی رویش را سفید و درخشانده کند و لغزش هایش را ببخشد! (۲)

در بخش دیگری از آن توقیع فرمود:

از کمال سعادت او بود که خداوند چون تو فرزندی را روزی اش ساخت که جانشین او باشد و به امر او قیام کند. (۳)

همچنین در توقیع دیگری فرمود:

... و اما محمد بن عثمان عمری، خداوند از او و پدرش خشنود و راضی باشد! همانا او مورد وثوق من و نوشته او، نوشته من است. (۴)

محمد بن عثمان، به رغم مخالفت هایی که از سوی مدعیان دروغین نیابت با وی صورت می گرفت و با وجود فشارهایی که از حاکمان و خلفای آن دوران بر وی وارد می شد، توانست جایگاه نیابت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گونه ای شایسته نگه داشته، امور واگذار شده را به شایستگی انجام دهد. او نگذاشت غالیان با ترفندهای دروغین خود، شیعیان را

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۳۸.

۳- پیشین.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲، ح ۳۲۶.

متوجه خود سازند و نیابت او را متزلزل کنند؛ از این رو دوستان ائمه علیهم السلام هیچ گاه درباره نیابت و وثاقت وی شک و تردید نکردند.

نایب دوم، میان نواب چهارگانه بیشترین مدت را در جایگاه نمایندگی امام زمان علیه السلام به خود اختصاص داد و حدود چهل سال نایب و رابط بین امام و شیعیان بود؛ از این رو توانست مسایل فقهی، کلامی، اجتماعی و... بیشتری از محضر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده، پاسخ های آن حضرت را در اختیار عموم مردم قرار دهد.

برخی ویژگی های نایب دوم

۱. وی فرزند نخستین نایب بود؛ از این رو از موقعیت نیابت به طور کامل آگاهی داشت.

۲. همانند پدرش، از طرف دو امام به نیابت امام زمام علیه السلام نصب شده بود.

۳. در مقایسه با دیگر نایبان، مدت زمان بیشتری نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۴. وی مرجع و پناهگاه شیعیان در مسایل کلامی، فقهی، اجتماعی و... بود.

۵. افزون بر رسیدگی به امور شیعیان، از حساس ترین وظایف او در دوران نیابت، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود.

ابوجعفر محمد بن عثمان، طبق دیدگاه مشهور، در سال ۳۰۵ ق در آخر ماه جمادی الاولی وفات یافت.

قبر ابوجعفر محمد بن عثمان، در کنار قبر مادرش، بر سر راه کوفه در محلی که خانه اش آن جا بود، واقع است. این محل در سمت غربی بغداد است. (۱)

۳. حسین بن روح نوبختی

اشاره

سومین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محدث، فقیه و متکلم شیعی ایرانی، حسین بن روح نوبختی است. وی میان شیعیان بغداد، شهرت ویژه ای داشت و یکی از افراد مورد اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت.

او در سال های ۳۰۵ تا ۳۲۶ ق نایب امام زمان علیه السلام و واسطه بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان بود. حسین بن روح دارای برتری های فراوانی بود؛ اما به طور عمده شهرت و

۱- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۳۰، به نقل از: کتاب الغیبه، ص ۳۶۶..

اعتبار او، به مسأله نیابتش باز می گردد.

پیش از آن، محمد بن عثمان، او را حلقه اتصال بین خود و وکلای دیگرش در بغداد قرار داده بود. وی در زمان حیات نایب دوم، در دربار عباسی نفوذ چشمگیری داشت و از ناحیه برخی مقامات دولتی کمک های مالی به او می رسید. (۱)

نایب دوم، از دو یا سه سال پیش از درگذشت خود، با ارجاع برخی از شیعیان که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند به حسین بن روح نوبختی، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان علیه السلام هموار می کرد. او به کسانی که در این موضوع دچار شک و تردید می شدند، تأکید می کرد این دستور، از طرف امام علیه السلام صادر شده است. (۲)

وی در انتصاب حسین بن روح به جانشینی خود، تأکید فراوانی می کرد. گاهی به صورت انفرادی و گاهی میان عموم شیعیان مخلص و وکلای خویش، این مطلب را یادآور می شد. این تأکید، بدان علت بود که از طرف امامان علیهم السلام، سخن صریحی که بیانگر وثاقت، امانت و نیابت حسین بن روح صادر باشد، نشده بود. از طرفی میان وکلای بغداد، کسانی بودند که در ظاهر ارتباط محمد بن عثمان با آنان بیشتر بود؛ از این رو عوام و خواص شیعیان، تصور نمی کردند حسین بن روح به جانشینی انتخاب شود؛ بدین سبب، نایب دوم از هر فرصتی برای تبیین نیابت خود از طرف امام زمان علیه السلام، برای رفع شک و تردید از آنان استفاده می کرد. (۳)

پس از وفات ابوجعفر عمری و وصیت او درباره نصب حسین بن روح به عنوان نایب سوم امام غایب، ابوالقاسم حسین بن روح به «دارالنیابه» در بغداد آمد و بزرگان شیعه به گرد او جمع شدند.

حسین بن روح، با همکاری وکلای بغداد و سایر مناطق، کار خویش را در جایگاه نیابت امام زمان علیه السلام آغاز کرد و توانست با روش عالمانه و منطقی، در بین دوست و دشمن از پذیرش بالایی برخوردار شود.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۷۲، ح ۳۴۳، با تصرف.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۷ و ح ۳۳۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۶.

روایت‌ها، حکایت از آن دارد که بر خلاف سفیر اول و دوم، موقعیت حسین بن روح در جایگاه سفیر امام دوازدهم بین شیعیان امامیه آشکار بود؛ به همین دلیل عده‌ای از عوام امامیه، بر آن شدند که وکلای نواحی خود را نادیده گرفته، به طور مستقیم با خود او در تماس باشند؛ ولی رفته رفته با انجام تغییراتی در دستگاه حاکمه و برکناری برخی حامیان او، وضع دگرگون شد؛ به گونه‌ای که وی بخشی از پایان عمر خود را در زندان به سر برد. (۱)

از جمله حوادث مهم دوران نیابت حسین بن روح، جدا شدن ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی (معروف به ابن ابی عزاقر) از آیین شیعی و تکفیر او به دست حسین است. (۲)

مدت نیابت

حسین بن روح، با وفات ابوجعفر محمد بن عثمان عمری، در سال ۳۰۵ق منصب نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را عهده دار شد و در سال ۳۲۶ق وفات یافت.

بدین سان مدت نیابت وی نزدیک به ۲۱ سال بود.

در وفات وی که در سال ۳۲۶ق بوده، هیچ اختلافی نیست، و محدثان و مورخان در این مسأله اتفاق نظر دارند؛ لیکن در محل قبر او، اختلاف و شبهاتی وجود دارد. مسلم است که قبر او در بغداد است؛ ولی این که قبر در قسمت غربی بغداد است یا قسمت شرقی، مورد اختلاف است. (۳)

۴. علی بن محمد سمری

ابوالحسن علی بن محمد سمری، چهارمین و آخرین سفیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی پس از درگذشت حسین بن روح به مقام سفارت رسید و مدت سه سال عهده دار این جایگاه بود.

سمری از خاندانی دیندار و شیعه بود که در خدمتگزاری به «سازمان امامیه» شهرت فراوانی داشت. همین اصالت خانوادگی او، باعث شد در امر سفارت، با مخالفت چندانی روبه رو نشود. (۴)

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۲، ح ۲۵۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۹، ح ۳۵۵.

۳- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۷۶.

۴- الهامی، داود، آخرین امید، ص ۱۰۹.

سمری، فرصت زیادی برای فعالیت نداشت؛ به همین دلیل، مانند نایب های پیش از خود، نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام داده، تغییرات قابل ملاحظه ای در روابط خود و وکلا- پدید آورد؛ لیکن اعتقاد شیعیان به بزرگواری و مورد اطمینان بودن او، مثل سایر نایبان بود و وی مورد پذیرش عموم شیعیان قرار گرفت. (۱)

شش روز پیش از رحلت او، توقیعی از سوی امام دوازدهم به دستش رسید که مرگ وی را پیشگویی و زمان مرگ را نیز تعیین کرده بود. متن این توقیع شریف، نمایانگر پایان غیبت صغرا و نیابت خاص و آغاز غیبت کبرا و نیابت عام است. (۲)

وفات علی بن محمد در سال ۳۲۹ق رخ داد و قبر او در بغداد است.

چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه

در آغاز نیابت خاص، جایگاه سفارت برای مردم روشن نبود. فقط عده اندکی از خواص و وکیلان، با نایب آن حضرت در ارتباط بوده، مسایل مورد نیاز خود را با او در میان می گذاشتند؛ اما پس از گذشت زمان، با تلاش های خالصانه وکیلان، نزد شیعیان، نیابت خاص حضرت، جایگاه خود را پیدا کرد.

بنابراین ارتباط شیعیان با نواب خاص در دوره های نخست، به طور عمده به واسطه وکیلان بود. به این صورت که مردم، خواسته های خود را با وکیلان در میان می گذاشتند یا وجوهات شرعی خود را به آنان می پرداختند. وکیلان نیز آن ها را به سفیر و نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقل می کردند و با واسطه سفیر، از ناحیه مقدسه پاسخ پرسش های خود را می گرفتند. با روشن شدن جایگاه نواب خاص، برخی شیعیان به صورت پنهانی توانستند به طور مستقیم با آنان تماس برقرار کنند. این کار، به طور عمده از زمان سفارت دومین سفیر آغاز شد و ادامه یافت.

وظایف نایبان خاص

اشاره

برخی وظایف و فعالیت های نایبان خاص عبارت است از:

- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۷.
- ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت آخرین ذخیره الهی به صورت پنهانی صورت گرفت و جز اندکی از شیعیان، آن حضرت را در دوران پدر بزرگوارش ندیده بودند و تردیدهایی میان شیعیان پدید آمده بود؛ از این رو، یکی از مسؤولیت های مهم و حساس نواب خاص، از میان بردن تردیدهای موجود درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. این تلاش ها، بیشتر در دوران نایبان اول و دوم انجام شد؛ ولی در موارد مورد نیاز در دوره دیگر نواب نیز بدان توجه می شد.

از آن جا که این مسأله بسیار مهم و حساس بود، افزون بر ارائه کراماتی از طرف نایبان خاص، خود حضرت در موارد مورد نیاز، با صدور توقیعاتی این امر را بر ایشان آسان می کرد. در میان توقیعاتی که هم اکنون از آن حضرت در دست است، تعدادی درباره همین مسأله است. (۱)

۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از احادیث نقل شده توسط نواب خاص و توقیعات صادر شده از طرف امام زمان علیه السلام به دست آنان (۲)، دانسته می شود نواب وظیفه ای دوجانبه داشته اند:

از سویی محل زندگی امام را نه فقط از دشمنان، بلکه از شیعیان پنهان نگه می داشتند و به وکلای خود آموزش می دادند مبادا اسمی از آن حضرت به میان آورند؛ از این رو توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند.

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی

نایبان خاص، پرسش های فقهی و شرعی شیعیان را خدمت امام و پاسخ آن ها را به مردم می رساندند. به ویژه در دوره نیابت نایب دوم، محمد بن عثمان، پرسش های فقهی بسیاری مطرح شد و امام، ضمن توقیعات متعدد و طولانی به آن ها پاسخ داد.

فعالیت های نایبان خاص به مسایل فقهی محدود نمی شد؛ بلکه وظیفه دیگر آنان حل مشکلات علمی و شرکت در بحث ها و مناظرات عقیدتی بود. (۳)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۲.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۶.

۴. سازماندهی وکیل های حضرت

یکی از تشکل های مهمی که در دوران امامان پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت، «تشکیلات وکالت» بود. ایشان این سازمان را برای آماده کردن هرچه بیشتر مردم، برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آوردند؛ از این رو هر چه بیشتر می کوشیدند تا از مواجهه مستقیم، کم کرده، امور را به عهده افراد شایسته بگذارند.

این تشکیلات، به طور رسمی در زمان امام کاظم علیه السلام پدید آمد؛ اما در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج خود رسید.

بنابراین، سیاست تعیین وکیل برای اداره امور نواحی گوناگون و برقراری ارتباط میان شیعیان و امامان، از دوران های امامان پیشین وجود داشت. در عصر غیبت، این تماس با امام زمان، قطع شد و محور ارتباط وکیلان با امام، نایبی بود که امام زمان تعیین می کرد.

مناطق شیعه نشین تقریباً مشخص بود و بنا به ضرورت در هر منطقه ای، وکیلی تعیین می شد. گاهی چند وکیل در مناطق کوچک تر، تحت سرپرستی وکیلی بودند که امام و یا نایب خاص برای آن ها تعیین می کرد. این وکلا، اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند، به شیوه های گوناگونی به بغداد، نزد نواب می فرستادند و آنان نیز طبق دستور امام، در موارد بایسته به کار می گرفتند.

در مواردی ممکن بود برخی از وکیلان برای یک بار امام زمان علیه السلام را ملاقات کنند؛ چنان که «محمد بن احمد قطن» (از وکیلان ابوجعفر نایب دوم) به ملاقات امام نایل شد.^(۱) اما به طور معمول، آنان تحت نظر نایب خاص امام، انجام وظیفه می کردند. بنابر نقل احمد بن متیل قمی، ابوجعفر، ده وکیل در بغداد داشت که نزدیک ترین آنان به وی «حسین بن روح» بود^(۲) که پس از او نایب سوم شد. از دیگر نزدیکان وی، «جعفر بن احمد بن متیل» بوده که از دید بسیاری، وی جانشین ابوجعفر خواهد بود. از روایتی دیگر، دانسته می شود در برابر اموال داده شده به وکیلان، قبض هایی از آنان دریافت

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۵.

می شد؛ اما از نایب خاص، چنین قبض هایی دریافت نمی کردند. زمانی که ابوالقاسم، حسین بن روح را به جانشینی برگزید، دستور داد از وی قبض هایی نخواهند. (۱)

برخی از این وکیلان، عبارت بودند از:

۱. احمد بن اسحاق (وکیل در قم)؛

۲. محمد بن شاذان (نایب در نیشابور)؛

۳. محمد بن حفص؛

۴. محمد بن صالح همدانی (وکیل در همدان)؛

۵. قاسم بن علا (وکیل در آذربایجان)؛

۶. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی (وکیل در ری) (۲)؛

۷. ابراهیم بن محمد همدانی؛

۸. ابراهیم بن مهزیار (وکیل در اهواز)؛

۹. محمد بن ابراهیم بن مهزیار؛

۱۰. احمد بن حمزه بن یسع قمی؛

۱۱. داوود بن قاسم بن اسحاق؛

۱۲. محمد بن علی بن بلال؛

۱۳. ابو محمد وجنائی؛

۱۴. عبدالله بن ابی غانم قزوینی؛

۱۵. حسین بن علی بزوفری؛

۱۶. احمد بن هلال عبرتائی؛

۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۳۶؛ غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۸۵.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۵، ح ۳۹۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ح ۲، باب ۴۳، ۱۶

۳- ر.ک: رجال کشی؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ کتاب الغیبه.

البته سه تن از این افراد محمد بن علی بن بلال، محمد بن صالح همدانی و احمد بن هلال منحرف و از وکالت امام برکنار شدند.

۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا

یکی از مسؤولیت های اساسی سفرای چهارگانه بویژه آخرین نایب آماده کردن اذهان عمومی برای «غیبت کبرا» و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام و جلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت بود.

غیبت ناگهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه بسا باعث انکار مطلق وجود آن حضرت و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، به این هدف و غرض نایل شدند و افکار و اذهان عمومی را برای «غیبت کبرا» آماده ساختند.

۶. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان

خلأ و کمبودی که به واسطه عدم حضور و فقدان امام، در اجتماع شیعیان پیدا شده بود، پر شد. امام زمان علیه السلام توانست به وسیله نایبان خاص رهبری خویش را در جامعه اعمال کرده و خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را جبران کرد. آن حضرت، مصالح اجتماع آن زمان و دوستداران را در سخت ترین و پیچیده ترین شرایط اجتماعی و سیاسی حفظ کرد و نگذاشت شیعیان منحرف شده و متلاشی شوند. (۱)

۷. جلوگیری از فرقه گرایی و گروه گروه شدن شیعیان

از مسؤولیت های مهم نایبان خاص، این بود که شیعیان را از پراکنندگی بیشتر مصون دارند. ایشان همواره آن دسته از گفتارهای پیامبر و امامان علیهم السلام را که دلالت داشت مجموع پیشوایان معصوم علیهم السلام به دوازده ختم می شود و واپسین آنان غیبت خواهد کرد، بیان می کردند.

نواب خاص در این مرحله، به پیروزی چشمگیری دست یافتند و توانستند انشعابات پدید آمده در مکتب تشیع را کمتر کرده و در نهایت، به حد اقل برسانند.

۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت

یکی از مسؤولیت های مهم نمایان خاص، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود. این مبارزه به طور عمده، با هدایت های امام با صدور توقیعات از طرف آن حضرت صورت می گرفت. (۱)

۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم

هر کدام از نواب خاص امام، در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به حضرت را تحویل می گرفت و در مواردی که امام دستور می داد، مصرف می کرد.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴.

خودآزمایی

۱. دو ویژگی از ویژگی های غیبت صغرا را نام برده، توضیح دهید.
۲. نیابت خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا را بیان کنید.
۳. درباره هر یک از نواب چهارگانه به صورت مختصر توضیح دهید.
۴. چهار وظیفه از وظایف نواب خاص را توضیح دهید.
۵. پنج نفر از وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا را نام ببرید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۱ ش.
۲. علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ ش.
۳. مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، حضور، ۱۳۸۳ ش.
۴. سید محمد باقر صدر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، ۱۳۷۹ ش.
۵. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.

درس ششم: فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در:

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام

۲. دوران غیبت

توقعات

دعاها

زیارتنامه ها

۳. دروان ظهور

پیش درآمد

اگرچه پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است، در مقایسه با بقیه پیشوایان معصوم علیهم السلام سخنان کمتری از آن حضرت به دست ما برسد؛ اما آنچه در دست است میراث گران بهایی است که می باید هر چه بهتر، از آن، پاسداری و به مضامین آن توجه کرد.

البته شکی نیست سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند تمام سخنان دیگر امامان علیهم السلام می باید، هم از جهت سند و هم از جهت دلالت مورد بررسی و دقت قرار گیرد. روشن است در پاره ای موارد، بلندای مضمون این سخنان، ما را از بررسی سند، بی نیاز می کند؛ اما باید توجه داشت، این کار فقط از دست کارشناسان مربوط بر می آید. البته در برخی موارد نیز سخنانی به آن حضرت نسبت داده می شود که غیر قابل پذیرش است.

آنچه در این درس دنبال می شود، نگاهی است کوتاه به بخش هایی از سخنان و نوشته های ارزشمند آخرین پیشوای معصوم علیه السلام .

با توجه به تمام محدودیت هایی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوار خود و نیز دوران غیبت صغرا داشت، نباید انتظار داشت مطالب فراوانی از آن حضرت به دست ما رسیده باشد؛ اما با وجود این همه تنگناها، از آن حضرت، آثار پر برکتی به یادگار مانده که بسیار مهم و کارگشا است.

در یک نگاه کلی، می توان فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به سه مجموعه تقسیم کرد:

مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت

این دوران، با ولادت آن حضرت آغاز و با شهادت امام عسکری علیه السلام پایان می یابد. در این مدت، سخنانی چند از آن بزرگوار نقل شده که به بیان برخی از آن ها می پردازیم.

نخستین سخنی که در این دوران در دست است، فرمایش آن حضرت لحظاتی پس از ولادت است که کرامتی از آن حضرت یاد شده است.

حکیمه دختر گرامی امام جواد علیه السلام در بخشی از حکایت شب ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است:

... ابو محمد با صدای بلند فرمود: «ای عمه! فرزندم را نزد من آور». او را نزد وی بردم. او دو کف دستش را گشود و فرزند را میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود: «ای فرزندم! سخن گوی». نوزاد لب به سخن گشوده، گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ سپس بر امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و سکوت کرد. (۱)

شیخ طوسی و شیخ صدوق با ذکر سند می نویسند: نسیم و ماریه گویند:

چون صاحب الزمان به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت اشاره را به سوی آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ؛ (۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.

سپاس پروردگار جهانیان را و خداوند بر محمد و آل او درود فرستد. ستمکاران پنداشته اند حجت خدا از میان رفته است. اگر برای ما اجازه در سخن گفتن بود، تردیدها از میان می رفت.

از جمله فرمایش های آن حضرت در این دوران، مطلب موجود در حکایت «احمد بن اسحاق» است. آن حضرت به زبان عربی فصیح به وی فرمود:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنَ أَعْدَائِهِ؛

من باقی مانده خداوند بر زمین او و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن، جست و جوی نشانه مکن» (۱)....

مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت

اشاره

آن گونه که پیش از این نیز یاد شد، این دوره به دو بخش متفاوت با عنوان غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم شده است.

شکی نیست که آن حضرت در دوران غیبت نخست، پیام ها و سخنان فراوانی به واسطه سفیران خاص، به یادگار گذاشته است؛ امّا از آن جا که ما دلیل روشن و قابل اعتمادی بر پذیرش ادعای ملاقات و نقل سخن از آن حضرت، در دوران غیبت کبرا در دست نداریم، فقط به بررسی آثار آن حضرت در دوران غیبت صغرا می پردازیم.

مجموعه آنچه در این دوران به دست رسیده، به طور عمده به صورت توقیع بوده است؛ اگر چه مطالبی نیز به صورت شفاهی از آن حضرت نقل شده است.

اکنون بحث را با عنوان های: توقیعات، دعاها و زیارتنامه ها ادامه می دهیم.

توقیعات

اشاره

«توقیع» در لغت به معنای «نامه را نشان کردن»، «نوشتن عبارتی در ذیل نامه و نوشته» است. همچنین «پاسخ های مکتوب بزرگان و دولتمردان به پرسش ها و درخواست های کتبی که از ایشان می شود» (۲).

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۰.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۱۴۵.

از بررسی نوشته های تاریخی به دست می آید، از زمان های دور بین حاکمان و فرمانروایان، «توقیع نویسی» رواج داشته و موارد فراوانی از توقیعات آن ها در متن های تاریخی ثبت و ضبط شده است. افزون بر موارد پیشین، در منابع روایی، فقهی و تاریخی شیعه نیز سخن از توقیع به چشم می خورد. توقیع در این کتاب ها به طور عمده، به قسمتی از نوشته های پیشوایان دینی علیهم السلام اطلاق شده است که برای پیروان خود مرقوم فرموده اند.

امروزه به سبب کاربرد بیشتر توقیعات در منابع مهدویت، هنگامی که سخن از «توقیع» به میان می آید، ذهن به توقیعات واپسین پیشوای معصوم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منصرف می شود؛ اما از امامان علیهم السلام دیگر نیز نوشته هایی با عنوان «توقیع» صادر شده است. (۱)

چگونگی صدور توقیعات

درباره چگونگی صدور توقیعات از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به طور دقیق آگاهی روشنی در دست نیست؛ اما بدون شک، بسیاری از این توقیعات، به گونه ای معجزه آسا صادر شده است؛ به گونه ای که می توان گفت: صدور آن ها به نحو عادی و از شخص معمولی صورت نگرفته است.

برای نمونه، می توان به حکایتی که در این باره رسیده است اشاره کرد.

«محمد بن فضل موصلی» یکی از شیعیان بود که نیابت «حسین بن روح» را قبول نداشت. روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش (حسن بن علی وجنا) و بنا به پیشنهاد او، در صدد آزمودن نایب امام برآمدند. آنان بر مطلبی کاملاً محرمانه توافق کردند. حسن بن علی وجنا کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید. سپس با قلم بدون مرکب، مطالبی را بر روی آن ورقه نوشت و آن کاغذ سفید را مهر کرد و به وسیله خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ظهر همان روز در حالی که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، پاسخ نامه وارد آمد که دقیقاً در همان ورقه فرستاده شده، پاسخ ها با مرکب نوشته شده بود. محمد بن فضل، در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود، همراه حسن بن وجنا به محضر

۱- اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۶؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۴.

حسین بن روح وارد شد و از آن حضرت به سبب گمان نادرست خود عذرخواهی کرد. (۱)

افزون بر کرامت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدور توقیعات که به یک نمونه آن اشاره شد، در متن توقیعات نیز، موارد فراوانی از کرامت به چشم می خورد که بیشتر به صورت آگاهی بخشی غیبی، از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن می باشد.

یک نمونه از این توقیعات، آن گاه صادر شد که درباره وکلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه غاصب وقت، بدگویی شده بود. خلیفه، برای شناسایی و دستگیری آنان، دستور داد افراد ناشناسی را همراه پول نزد وکلا به جاسوسی بفرستند. اگر کسی از آن ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی خطاب به تمام وکیل ها، دستوری فرمود از هیچ کس و تحت هیچ شرایطی چیزی نپذیرند و خود را بی اطلاع نشان دهند. (۲)

در ماجرای دیگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با صدور توقیعی، شیعیان را از زیارت کربلا و کاظمین برحذر داشت. پس از چند ماه، دانسته شد خلیفه در آن موقع، دستور داده بود هر کس به زیارت رود، در کمینش باشند و او را دستگیر کنند. (۳)

بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

درباره این که آیا توقیعات به خط مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده باید گفت: عده ای از افرادی که توقیع ها را روایت و نقل نموده اند، تصریح کرده اند برخی از این نوشته ها به خط شریف آن حضرت است. در ذیل، به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

۱. شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است:

در پاسخ نوشته آنان، به خط امام زمان علیه السلام وارد شده است که: به نام خداوند بخشنده

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۲۶۴.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۰.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۱.

مهربان؛ خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد!...» (۱).

۲. شیخ صدوق؛ نقل کرده است، محمد بن عثمان عمری می گوید:

خَرَجَ تَوَقِّعٌ بِخَطِّهِ نَعْرِفُهُ...؛

توقیعی به خطی که ما آن را می شناختیم، خارج شد... (۲).

۳. وی همچنین نقل کرده است؛ اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری خواهش کردم پاسخ نامه ای را که در آن از مسایل مشکلی پرسش کرده بودم، به من برساند. پس در توقیع به خط مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده بود:

اما آنچه درباره آن پرسیدی که خدایت هدایت کند و پایداریت بدارد! راجع به امر منکران من از خاندان و عموزادگان خودم؛ بدان که میان خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد، از من نیست و راه او راه فرزند نوح علیه السلام است اما راه عمویم جعفر و فرزندان او، راه برادران یوسف است... (۳).

عبارت های یادشده بیانگر این مطلب است که بزرگان محدث، اطمینان داشته اند همه توقیعات یا بیشتر آن ها، به خط خود حضرت نگاشته شده است.

این توقیعات، به وسیله نواب خاص در دوران غیبت صغرا، برای افراد صادر می شد و ارتباط نوشتاری با حضرت، فقط از راه آنان امکان پذیر بود؛ به صورتی که حتی وکیل های آن حضرت، نامه های خود و دیگران را نزد نایب امام می فرستادند و از ایشان پاسخ دریافت می کردند. به طور اساسی، فلسفه نیابت خاص نیز همین است؛ و گرنه چنانچه هر کس می توانست به شرف گرفتن توقیع نایل آید، دیگر نیازی به نایب خاص نبود.

یادآوری این نکته لازم است که بیشتر دانشمندان دینی بر این باورند که توقیعات صادر شده از ناحیه صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط در دوران غیبت صغرا و نیابت نواب خاص

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۴.

بوده است و بدین سان نمی توان به آن دسته از توقیعات صادر شده پس از این دوران چندان اعتماد کرد و به صدور آن ها از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطمینان یافت.

برخی از این نوشته ها که پس از دوران غیبت صغرا به آن حضرت نسبت داده شده، از این قرار است:

۱. نامه هایی که گفته شده از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید رسیده است.

این توقیعات برای نخستین بار، به وسیله ابومنصور طبرسی (از عالمان قرن ششم)، بدون سند، افزون بر یک صد سال پس از وفات شیخ مفید، در کتاب احتجاج نقل شده است. آن گاه شاگرد وی، ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ق) به آن اشاره کرده و ابن بطریق (متوفای ۶۰۰ق) شاگرد ابن شهر آشوب آن ها را مطرح کرده است. در آن کتاب گفته شده: این نامه ها به وسیله شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید می رسید؛ ولی نام آن شخص ذکر نشده است. (۱)

آنچه این تردید را جدی تر می کند این است که شاگردان شیخ مفید، از جمله آن ها: سید مرتضی، ابن ادریس، نجاشی، شیخ طوسی، ابویعلی جعفری، ابوالفتح کراجکی، سلاربن عبدالعزیز دیلمی و... با این که تألیفات فراوانی داشته و بیشتر شرح حال نگار بوده اند هرگز به این توقیعات اشاره نکرده اند (۲)؛ در حالی که اگر چنین سخنانی به شیخ مفید رسیده بود، با توجه به اهمیت شایان آن، به طور حتم، شاگردان او، نقل می کردند (۳).

افزون بر آن، خود شیخ مفید نیز در آثار ارزشمند و فراوان خود، هیچ اشاره ای به این نامه ها نکرده است. جای تأمل است که چگونه برخی بر توقیع بودن این سخنان پافشاری می کنند. (۴)

۱- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ص ۴۹۷.

۲- ر.ک: گروهی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۹۸.

۳- ر.ک: مقاله: سفارت و نیابت خاصه، نجم الدین طوسی، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، ص ۱۵۲.

۴- یادآوری این مطلب ضروری است که اثبات نامه حضرت برای شیخ مفید، فضل بزرگی برای شیخ محسوب می شود؛ اما نفی آن، هرگز چیزی از مقام رفیع و بلند آن شخصیت بزرگ اسلامی نمی کاهد. چه این که دانشمندان بسیار بزرگی از میان علمای شیعه هستند که هرگز رسیدن نامه از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آنها ادعا نشده است.

علامه بحر العلوم طباطبایی نیز در کتاب رجالی خود و آقای خوبی در معجم رجال الحدیث، در این توقیعات، تردید کرده اند. پیش بینی این توقیعات از حوادث آینده دلیل بر درستی آن نخواهد بود؛ زیرا آنچه به دست ما رسیده است پس از حوادث بوده که امکان جعل آن ها وجود دارد.

۲. برخی نویسندگان، پیامی را که برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده است، در شمار توقیعات و سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده اند.

در این نامه چنین آمده است:

خودت را در اختیار [مردم] بگذار و محل نشستن خویش را در محل در ورود خانه قرار بده [تا مردم سریع تر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوایج مردم را بر آور؛ ما تو را یاری می کنیم. (۱)

در پایان بخش توقیعات و با این توضیحات، نیازی به این نیست که بگوییم برخی نوشته هایی که این روزها به عنوان دست خط آن حضرت ارائه می شود هیچ پایه و اساسی ندارد. و این احتمال بعید نمی نماید که ممکن است این کارها، از طرف دشمنان و برای مخدوش ساختن چهره تابناک شیعه انجام شده باشد.

همان گونه که اشاره شد، درباره چگونگی صدور توقیعات در عصر غیبت صغرا، سخن روشنی در دست نیست؛ اما از برخی نقل ها استفاده می شود، سفیران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش ها و درخواست های مراجعه کنندگان را در یک برگه به نوبت می نوشتند. آن گاه پاسخ آن ها که حداکثر ظرف سه روز صادر می شد، یک جا می آمد. گاهی نیز پاسخ پرسش ها به صورت شفاهی، به نواب خاص گفته شده و آنان به قلم خود، آن را می نگاشتند یا به صورت حضوری به پرسش کننده پاسخ می دادند. در پاره ای از موارد نیز به سبب مصلحتی که حضرت می دانستند اصلاً پاسخی صادر نمی شد. برخی از توقیعات نیز به صورت ابتدایی و بدون این که در پاسخ به پرسشی باشد، صادر شده است.

۱- ر.ک: خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۰.

موضوعات مندرج در توقیعات، گستره وسیعی را در بر می گیرد؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه های زندگی فردی و اجتماعی و

دعاها

اشاره

برخی دعاهایی که از آن حضرت در دست است، از توقیعات آن حضرت محسوب می شود؛ امّا به لحاظ اهمّیت آن، در بخشی جداگانه مورد اشاره قرار می گیرد.

از کتاب های روایی و ادعیه استفاده می شود، دعاهای زیر، برخی از دعاهای منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است:

۱. دعای افتتاح

یکی از دعاهایی که از محمد بن عثمان بن سعید عمری برای هر شب ماه رمضان نقل شده، دعای افتتاح است. در آغاز این دعا، این گونه می خوانیم: **اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْفِتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ... (۱)**.

۲. دعای سمات

این دعا از عمری نقل شده است؛ اما به دلیل جایگاه او که نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است می توان نسبت این دعا به آن حضرت را قوی دانست.

شیخ طوسی در مصباح المتهجد با عنوان «دعاء السمات مروی عن العمری یستحب الدعاء به آخر ساعه من نهار یوم الجمعة» آورده است. در آغاز این دعا چنین می خوانیم: «اللهم انی اسألك باسمک العظیم الاعظم...».

۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...»

کفعمی در مصباح با عنوان «مروی عن المهدی علیه السلام» این دعا را به آن حضرت منسوب دانسته است. (۲) این دعا، از دعاهای بسیار ارزشمندی است که مداومت بر خواندن و عمل به مضامین آن، اهمّیت والایی دارد.

۱- سید بن طاوس، الاقبال، ص ۵۸.

۲- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ۲۸۰.

۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء»

سید بن طاووس در جمال الاسبوع این دعا را در پی نماز امام زمان علیه السلام ذکر کرده است؛ اما آن جا اشاره ای به صدور این دعا از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشده است. (۱)،

۵. دعای روزهای ماه رجب

۵۱. شیخ طوسی در مصباح المتعجد با عنوان توقیعی صادر شده از محمد بن عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه این دعا را آورده است. ابتدای این دعا چنین است: «اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك به...» (۲).

۵۲. دعای دیگری نیز در روزهای ماه رجب از آن حضرت نقل شده که آغاز آن این گونه است: «اللهم انی اسئلك بالمولودین فی رجب...».

۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسی الرفیع و رب البحر المسجور...»

کفعمی در البلد الامین این دعا را در شمار دعاهای صادر شده از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده است.

۷. دعای ابوالحسن ضراب

شیخ طوسی در مصباح المتعجد دعایی را به آن حضرت منسوب کرده که برای ابوالحسن ضراب اصفهانی صادر شده است. در آغاز این دعا، این گونه می خوانیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّجِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاهِ الْمُتَّجِي لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينِ اللَّهِ... (۳).

افزون بر دعاهای پیشین، برخی نیایش های آن حضرت به ویژه قنوت و نیز برخی دعاهای پیشوایان قبل توسط آن حضرت، در کتاب های ادعیه مفصل آمده است.

۱- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۸۰؛ نیز ر.ک: المصباح، ص ۱۷۶.

۲- نیز ر.ک: سید بن طاووس، اقبال، ص ۶۴۶.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۴۰۶.

زیارت نامه ها

اشاره

یکی از کارهای مهمی که شیعه همواره به آن توجه ویژه داشته، زیارت امامان علیهم السلام و فرزندان آن ها است. در این زیارت ها همواره تلاش کرده است از سخنان معصومان علیهم السلام و بزرگان دین بهره ببرد؛ از این رو برخی از زیارت نامه هایی که در دست است، از امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین نقل شده است.

بخشی از میراث گرانسنگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیارت نامه هایی است که به آن حضرت منسوب است. برخی از این زیارت ها از این قرار است.

۱. زیارت آل یس

زیارت «آل یس»، یکی از زیارت های مشهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راوی و ناقل این زیارت، ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که همه عالمان رجال و حدیث، از او به بزرگی و قداست یاد کرده اند. (۱)

این زیارت، با بیست و سه سلام آغاز شده است: سلام اول به آل یس (عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و سلام های بعدی، هر یک خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با القاب و عناوین خاص آن حضرت می باشد. سپس با اظهار و اقرار به اصول اعتقادی صحیح و گواه گرفتن امام بر آن ها و تجدید عهد وفاداری برای اولیای دین، زیارت به پایان می رسد.

این زیارت، به تصریح برخی از عالمان، جامع و کامل و بهترین زیارت های آن حضرت است و در همه اوقات می شود آن را خواند. سندهای این زیارت، صحیح و معتبر بوده و در مجامع مهم حدیثی و دعایی نقل شده است. (۲)

جمع فراوانی از شیعیان به خواندن این زیارت و دعای پس از آن مداومت دارند و برای خواندن آن به طور گروهی در شهرهای گوناگون شیعه نشین جلسات خاصی برگزار می گردد.

۱- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲- ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۲. زیارت ناحیه مقدسه

زیارت نامه ای است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. مضامین بلند و نیز تأیید برخی از عالمان شیعه، این نسبت را تقویت می کند، (۱) اگر چه برخی نیز به انتساب آن به حضرت ولی عصر علیه السلام تردید کرده، آن را از تألیفات سید مرتضی دانسته اند. (۲) ممکن است گفته شود اصل زیارت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده؛ اما سید مرتضی بخش هایی را به تناسب به آن افزوده است. (۳)

متن زیارت، خطاب به سیدالشهدا علیه السلام و شهیدان کربلا- است و نام یکایک آنان، اغلب با ذکر اوصاف و خصوصیاتشان و نیز اسامی قاتلان آن شهیدان در آن آمده است.

آغاز زیارت، این گونه است: «السلام علیک یا اَوَّلَ قَتیلٍ مِنْ نَسْلِ خَیرِ سَلیلٍ...».

این زیارت در کتاب مفاتیح الجنان ذکر نشده است؛ ولی این، چیزی از آن کم نکرده و همچنان مورد توجه بزرگان شیعه بوده است.

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده و در غیر عاشورا نیز خوانده می شود.

در این رابطه، شیخ مفید در جایگاه نخستین ناقل زیارت ناحیه و شیخ محمد بن مهدی فرموده اند: زیارت ناحیه مقدسه، مخصوص روز عاشورا است؛ ولی بزرگان دیگر نظیر سید مرتضی، سید بن طاووس و علامه مجلسی، این زیارت را مطلقه دانسته اند؛ (۴) یعنی، در هر زمان دیگر نیز می توان آن را قرائت کرد.

۳. زیارت رجبیه

این زیارت، توسط ابوالقاسم حسین بن روح از آن حضرت نقل شده است. (۵)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱، ح ۳۸ «در صدر روایت نوشته است: وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ مِنْ تَأْلِيفِ السَّيِّدِ الْمُرتَضَى...».

۳- ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱، ح ۳۸

۴- ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸، ح ۹.

۵- شیخ طوسی، مصباح المتعجل، ص ۸۲۱.

البته زیارت نامه های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است که علاقه مندان می توانند به کتاب های مفصل مراجعه کنند.

مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور

آن زمان، هنوز نیامده است تا روشن شود آن حضرت، چه سخنانی ایراد خواهد کرد؛ اما پاره ای از این فرمایش ها در سخنان برخی از معصومان علیهم السلام پیشگویی شده است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

به خدا سوگند! گویا می بینم قائم پشت خود به "حجرالاسود" تکیه داده، از خداوند می خواهد به حق خود برسد. آن گاه (قائم) می فرماید:

ای مردم! هر کس درباره حضرت آدم با من مجادله کند، بدانند من از او به آدم برترم و آن که در رابطه با شخصیت نوح با من محاجه کند، من بر او نسبت به نوح مقدم هستم. و هر کس بخواهد در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند، من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم... و اگر کسی بخواهد با شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من محاجه کند، به طور مسلم من نسبت به حضرت محمد از او اولی هستم و هر کس که بخواهد در قرآن با من مجادله نماید، من از همه اولی به قرآن خداوند هستم...» (۱).

آن گاه حضرت، ظهور خویش را برای عموم جهانیان آشکارا بیان می نماید.

آنچه یاد شد، فقط بخشی از مجموعه میراث حدیثی آخرین حجت الهی است. بدون شک با استفاده از منابع روایی معتبر و بررسی های بیشتر، آثار ارزنده افزون تری در دسترس قرار خواهد گرفت.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱؛ با اندک تفاوتی: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴.

خودآزمایی

۱. به دو سخن از سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران امام عسکری علیه السلام اشاره کرده آن ها را توضیح دهید.
۲. تویع به چه چیزی گفته می شود؟ درباره چگونگی صدور توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرح دهید.
۳. سه دعا از دعاهای منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.
۴. یکی از زیارت نامه های صادر شده از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کنید.
۵. در کلام برخی معصومان علیهم السلام خطبه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، مورد اشاره قرار گرفته است. آن را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله علیه السلام، قم، رسالت، ۱۳۷۷ش.
۲. محمد غروی، المختار من کلمات الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دارالمجتبی علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
۳. سید مجتبی مجتهدی سیستانی، صحیفه مهدویّه، مترجم: محمد حسین رحیمیان، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹ش.
۴. سید حسن شیرازی، کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت، الوفاء، ۱۹۸۳م.
۵. عزیز الله حیدری، تجسم امید و نجات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ش.

درس هفتم: ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

دیدگاه های چهارگانه:

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق؛
۲. امکان ملاقات، بدون شناخت؛
۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا؛
۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا.

پیش درآمد

بی گمان یکی از آرزوهای پیروان راستین امامان معصوم علیهم السلام آن است که در دوران پنهان زیستی آخرین پیشوای معصوم خویش به دیدار جمال نورانی آن امام همام نایل شوند.

از آن جا که در روایات، پنهان زیستی آن امام بزرگوار، رازی از رازهای خداوند دانسته شده و درباره چگونگی آن غیبت، دیدگاه های متفاوتی ذکر شده، درباره ملاقات با آن حضرت در عصر غیبت، نگاه های مختلفی ارائه شده است.

بنابراین یکی از بحث هایی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم است به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد، بحث «ملاقات با آن حضرت در دوران غیبت» است.

دانشوران شیعه، زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از زوایای گوناگون به گونه های متفاوت تقسیم کرده اند.

در یکی از این تقسیم ها، عمر آن حضرت به چهار دوره متفاوت تقسیم شده است.

۱. دوران زندگی با پدر خود؛

۲. دوران غیبت صغرا؛

۳. دوران غیبت کبرا؛

۴. دوران ظهور.

بحث ارتباط با آن حضرت نیز به تناسب دوره های مختلف، متفاوت خواهد بود.

شکی نیست که در دوره نخست، افرادی به صلاح‌دید امام یازدهم علیه السلام به دیدار آخرین حجت الهی نایل شدند.

درباره دوره دوم و پس از شهادت آن حضرت نیز از روایات و حکایات استفاده می‌شود دیدار با حضرت حجت، مانند دوران حیات پدر بزرگوارشان نبوده است؛ ولی در عین حال گروهی با آن حضرت دیدار داشته‌اند که شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه و نیز دیگران، اسامی آنان را ذکر کرده‌اند.

دوره سوم که با مرگ آخرین نایب خاص آغاز شده است و همچنان ادامه دارد، به دلیل وجود روایات متعارض، همچنان محل بحث و گفت‌وگو بوده است.

سرانجام درباره دوره چهارم، شکی نیست که جهانیان از دیدار آن حضرت به کامل‌ترین صورت بهره‌مند خواهند شد.

از آن جا که دوره نخست و دوم و نیز دوره چهارم چندان محل مناقشه نیست، در این مجال، فقط به دوره سوم خواهیم پرداخت.

پیش از آن که به بحث در این باره پردازیم اشاره به این نکته لازم است که درباره تلاش برای ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو دیدگاه وجود دارد:

برخی دستورالعمل‌هایی را برای دیدار با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه می‌کنند، ایشان طلب دیدار را نوعی ابراز ارادت نسبت به آن حضرت می‌دانند و آن را برخاسته از شیدایی و عشق خود به ایشان می‌دانند. اگرچه چنین باوری قابل تقدیر و به عنوان امری شخصی بین افراد با آن حضرت قابل قبول است اما به عنوان یک دستورالعمل شرعی، نیازمند روایت و دلیل است که به نظر می‌رسد در میان روایات معتبر چنین توصیه‌ای صورت نگرفته است. در مقابل برخی بر این باورند از هیچ روایت موثقی به دست نمی‌آید که توصیه شده باشد کاری انجام دهیم تا به ملاقات با آن حضرت نایل شویم. اگر در برخی دعاها نیز از خداوند می‌خواهیم که چهره نورانی آن حضرت را ببینیم، به زمان ظهور آن حضرت انصراف دارد و به نوعی دعا برای ظهور آن حضرت است.

اینها معتقدند در برخی روایات سفارش شده است دنبال چنین کاری نباشیم.

از جمله خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید فرموده است شیعیان در دوران غیبت در جست و جو و دیدار با آن حضرت نباشند. آن حضرت در تویع شریف، در پاسخ کسی که از خانه و دیار خود دل کنده بود و در پی دیدار آن حضرت تلاش فراوانی می کرد، وی را از این تلاش برحذر داشته، فرموده است:

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ وَ مَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ؛^(۱)

هر کس جست و جو کند، هر آینه می طلبد و هر کس بطلبد، به دیگران بنماید و هر کس به دیگران بنماید، به کشتن دهد و هر کس به کشتن دهد، مشرک شود.

آن شخص نیز در امتثال امر مولای خود چنین کرده، به دیار خود باز گشت.

نیز آن حضرت در تویعی دیگر، پس از آن که سیر امامت را تا امام عسکری علیه السلام بیان می فرماید، این گونه ادامه می دهد:

... وَصِيَّيْ بِهَا إِلَى وَصِيَّيْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةِ وَ أَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيَّتِهِ... فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ لِيُقِيمُوا عَلَى أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَ لَا يَبْحَثُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ فَيَأْتُوا وَ لَا يَكْشِفُوا سِتْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَنْدُمُوا...؛^(۲)

...وصایاتی که در دست داشت، به وصی خود سپرد که خدای عز و جل او را پنهان کرد، تا مدتی که دارد. و به مشیت خود جایش را نهان داشت... و باید پیروی هوای نفس را از سر بگذارند و بر اساسی که داشتند و بر آن بودند، بر سر پا بایستند. و از آنچه بر آن ها پوشیده شده است، کاوش نکنند که به گناه می افتند. و پرده ای که خدای عز و جل افکنده است، بالا نزنند، تا پشیمان شوند...».

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۹، ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰.

برخی مراجع تقلید نیز در پاسخ به این پرسش که «آیا از جمله تکالیف شیعه در عصر غیبت، درخواست و تقاضای دیدار با امام است یا چنین تکلیفی نیست؟» گفته است:

نه؛ ما مأ مور نیستیم که اصرار به دیدن حضرت داشته باشیم. کسی ممکن است خدمت حضرت مشرف بشود؛ اما آنانی که مشرف شدند، خبری نمی دهند. آنان، تظاهر به این مسایل نمی کنند. بر اساس رواج همین تفکر غلط، خیلی ها می آیند پیش ما و می گویند: «آقا! دعا کنید تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینیم».^(۱)

یکی دیگر از مراجع، این مطلب را این گونه بیان کرده است:

نباید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابان ها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم. خود آن حضرت نیز فرموده اند: «هر کسی ادعای مشاهده نموده، بایستی او را تکذیب کنید.» اصلاً ما نیازی به این حرف ها نداریم. آنچه وظیفه ما و همه شیعیان و دوستان آن حضرت است، اشاعه فرهنگ صحیح «مهدوئیت»، «مهدی زیستی» و «ترویج افکار ائمه علیهم السلام» است.^(۲)

صرف نظر از این که به دنبال دیدار حضرت بودن، امری لازم و یا غیر لازم است، می پردازیم به دیدگاه های متفاوت درباره ملاقات با آن حضرت.

همان گونه که پیش از این یاد شد، به دلیل وجود روایات و حکایات متعارض، در این بحث، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد:^(۳)

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق

این دیدگاه، به طور اساسی از روایاتی قابل استفاده است که از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت سخن به میان آورده است. برخی از این روایات، با مضامین ذیل^(۴) این دیدگاه را شکل می دهند:

۱- آیت الله مکارم شیرازی در دیدار با دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدوئیت، فصلنامه انتظار، ش ۱۱، ص ۲۹۳۰.

۲- آیت الله فاضل لنکرانی در دیدار با دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدوئیت، فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۲۷.

۳- این نکته در خور دقت است که نه آنان که ادعای ملاقات در غیبت کبرا را نمی پذیرند از اسلام و تشیع دورند و نه کسانی که به آن عقیده دارند، از ایمان بیشتری برخوردارند؛ چرا که هر یک، ادله ای بر ادعای خود ارائه می کنند و به روایاتی تمسک می جویند.

۴- از آن جا که در درس مربوط به چگونگی غیبت، به صورت مفصل روایات مورد نظر را نقل کردیم، این جا فقط به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. «تَرَىٰ وَلَا تُرَىٰ؛ می بیند و دیده نمی شود». (۱)

۲. «لَا يَرَوْنَهُ؛ او را نمی بینند». (۲)

۳. «يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند». (۳)

۴. «يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ؛ شخص او از شما غایب می شود». (۴)

۵. «لَا يُرَى جِسْمُهُ؛ جسم او دیده نمی شود». (۵)

۶. «لَا يُرَى شَخْصُهُ؛ شخص او دیده نمی شود». (۶)

۷. «لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ؛ شخص او را نمی بینید». (۷)

۸. «أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى؛ مردمان را می بینم و تو دیده نمی شوی». (۸)

روشن است که همه روایات پیشین و احادیثی مانند آن، دلالت می کنند آن حضرت با وجود این که زنده است و بین مردم زندگی می کند و مردم را می بیند، مردم آن او را نمی بینند.

روایات پیشین و مانند آن، باعث شده است ابن ابی زینب نعمانی در جایگاه نخستین کسی که به طور شایسته روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآوری و بررسی کرده است در فصلی از کتاب خود، به روشنی مشاهده حضرت را در عصر غیبت جایز ندانسته و تحقیق در این زمینه را ممنوع و شیعیان را در ندیدن حضرت، معذور بداند. وی به این نکته مهم، این گونه اشاره کرده است:

... و هم معذورون فی أن لا یروا حجتهم و إمام زمانهم فی أيام الغیبه و یضیق علیهم فی کل عصر و زمان قبله أن لا یعرفوه بعینه و اسمه و نسبه

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۹؛ همان.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹.

٧- شيخ كليني، كافي، ج ١، ص ٣٢٨؛ شيخ طوسي، كتاب الغيبه، ص ٢٠٢؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٨١.

٨- سيد بن طاووس، الاقبال، ص ٢٩٨.

و محظور عليهم الفحص و الكشف عن صاحب الغيبه و المطالبه باسمه أو موضعه أو غيابه أو الإشاده بذكره فضلا عن المطالبه بمعاینته(۱)؛

... برای شیعیان، جست وجوی امام و کشف صاحب غیبت و در پی نام و محل سکونت و محل غیبت او بودن یا اشاره به ذکر او کردن، ممنوع است، چه رسد بر آن که بخواهند آشکارا او را ببینند.

با وجود آن که این دیدگاه، از روایات پیشین قابل استفاده است، و نیز به روایاتی که امام را بسان خورشید پس ابر معرفی کرده، نزدیک تر است، کسی به روشنی قائل به آن نشده و امکان ملاقات را ممتنع ندانسته است؛ به دلیل آن که:

۱. در دسته دوم روایات، برخی روایات، امکان ملاقات را منتفی ندانسته، دیدن بدون شناخت را ممکن دانسته اند.

۲. شکی نیست در دوران غیبت صغرا که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی شیعیان به ویژه نایبان خاص آن حضرت را ملاقات کرده اند؛ بنابراین شکی نیست که روایت های یاد شده، تخصیص خورده و ملاقات با آن حضرت امکان دارد.

درباره امکان ملاقات، برخی اندیشوران شیعه نیز چنین نوشته اند:

۱. سید مرتضی می نویسد:

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد.(۲)

۲. شیخ طوسی نیز می نویسد:

نخست ما با جزم و یقین نمی دانیم که آن محبوب دل ها از دیده همه دوستدارانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود(۳).

۳. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود در این باره فرموده است:

امام، اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند(۴).

۱- ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۰.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.

۲. امکان ملاقات بدون شناخت

در این دیدگاه، بر خلاف دیدگاه نخست، امکان ملاقات مورد پذیرش است؛ ولی وقوع ملاقات همراه شناخت آن حضرت را در این دوران، غیر قابل پذیرش و آن را با فلسفه غیبت در تعارض می‌داند.

در این دیدگاه، به طور عمده به روایاتی استناد می‌شود که در آن، سخن از دیده شدن حضرت به میان آمده است؛ اما تصریح شده که در آن دیدار، هرگز شناختی از حضرت صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین امکان دیدار هست؛ اما چون فرد، آن حضرت را نخواهد شناخت.

شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه و نیز در علل الشرایع با ذکر سند از سدید نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ فِي الْقَائِمِ سُنَّةَ مَنْ يُوسُفُ... فَمَا تَنَكَّرَ هَذِهِ الْأَمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَّأُ بَسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدَانَ لِيُوسُفَ...؛

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن راه رود و بر بساط آن‌ها پا نهد و آن‌ها او را نشناسند، تا آن‌گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن‌ها معرفی سازد؛ همان‌گونه که به یوسف اذن داد.... (۱)

برخی، این روایت را دلیلی بر امکان ملاقات و وقوع آن و نیز پذیرش ادعای ملاقات انگاشته‌اند؛ در حالی که با کمی تأمل در می‌یابیم که نه فقط چنین استفاده‌ای از روایت نادرست است، بلکه برای دیدگاه عدم شناخت، بهتر به کار می‌آید. چرا که از حکایات تاریخی و روایات، هرگز به دست نمی‌آید تا زمانی که حضرت یوسف خود را معرفی نکرد، کسی او را با عنوان یوسف شناخته باشد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

این پاسخ، زمانی قاطعیت بیشتری می یابد که بدانیم صریح آیه قرآن، از این حکایت دارد که حتی برادران یوسف که مدت ها با وی زندگی کردند، در دیدار نخست او را نشناختند.

بنابراین دست کم، با استناد به این روایت و مانند آن، شباهت آن حضرت با یوسف اقتضا دارد که هرگز با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته نشود.

سخن دیگری نیز در تأیید این دیدگاه از نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محمد بن عثمان نقل شده است که می گوید:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ؛

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم، او را می بینند؛ ولی نمی شناسند. (۱)

از این روایات، استفاده می شود نه فقط هنگام ملاقات که پس از آن هم، حضرت شناخته نمی شود. منطقی است گفته شود کسی که هنگام دیدار، آن حضرت را نشناخته است، دلیلی وجود ندارد پس از آن بگوید آن کسی را که دیده، به طور حتم حضرت بوده است. چه بسا از ملازمان آن حضرت یا یکی از اولیای الهی بوده که به دستور آن حضرت، برای رفع مشکل او اقدام کرده است. این نکته، قابل تأمل است.

حجم روایات این دیدگاه، بسیار کمتر از دسته نخست است؛ اما به هر حال می توان دیدگاه یاد شده را از آن به دست آورد.

جمع بین دو دیدگاه یاد شده به این صورت است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند، او را نخواهد شناخت.

۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا

در این دیدگاه، نه فقط امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است، بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است؛ اما آنچه مورد انکار است این که ملاقات

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

کننده، حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید. به بیان دیگر ادعای ملاقات نماید.

این دیدگاه، به طور عمده از توقیعی با این مضمون استفاده شده است. در این توقیع که شش روز پیش از مرگ علی بن محمد سمري، واپسین سفیر خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ناحیه آن حضرت صادر شده، (۱) چنین آمده است:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ نماید. تو در فاصله شش روز می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد که غیبت دوم و کامل واقع شد و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند. این اذن پس از مدتی طولانی است که دل ها قسی و سخت شود و زمین، از ستم پر گردد.

به زودی از شیعیان من، کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده بکنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند او دروغگوی افترا زننده است. و توان و نیرویی نیست مگر از سوی خداوند بزرگ. (۲)

این توقیع شریف، حد اقل به سه نکته اساسی تصریح کرده است:

۱. نیابت خاصی که با عثمان بن سعید آغاز شده بود، با رحلت سمري به پایان رسید (وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ)؛

۲. غیبتی که در دوران پیش به دلایلی ناقص بود، اینک با رفع آن عوامل، تمام و کامل شده است (فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ)؛

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵؛ راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۱۱۲۸؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸؛ نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۳۰، و... این کثرت نقل، خود شاهدهی بر اعتماد نقل کنندگان بر مضمون روایت است.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

۳. مدعی مشاهده، دروغگوی افترا زننده است (أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ الشُّفِيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ).

در این جا مدعی، اعم از این است که به ادعای خویش اطمینان داشته باشد یا به دروغ، ادعایی را مطرح کند یا بپندارد حق است.

البته برخی بزرگان، اشکالاتی به توفیق وارد ساخته، نوشته اند:

این خبر، ضعیف و غیر آن خبر؛ واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می شود. هر چند از هر یک آن ها پیدا نشود؛ بلکه از جمله ای از آن ها دارا بود کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آن ها از غیر آن جناب؛ پس چگونه روا است اعراض از آن ها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن که شیخ طوسی است عمل نکرده به آن، در همان کتاب (۱).

در مجموع، این مؤلف بزرگوار بر توفیق چهار اشکال وارد کرده است:

۱. توفیق، خبر واحد و غیر قابل اعتماد است؛

۲. خبر، مرسل و ضعیف است؛

۳. شیخ طوسی که توفیق را نقل کرده به آن عمل نکرده است؛

۴. توفیق، معرض عنه است؛ چرا که اصحاب، حکایات زیادی نقل کرده اند که اشخاص با امام زمان علیه السلام دیدار داشته اند.

در پاسخ به اشکال های پیشین، گفته شده است:

۱. توفیق مرسل نیست؛ چرا که شیخ صدوق در کمال الدین آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می کند و می گوید: «اخبرنا جماعه»؛ پس توفیق از یک طریق نیست؛ بلکه از طرقی گوناگون آن را نقل می کند. سرانجام آن که، اگر در کتاب احتجاج طبرسی به صورت مرسل ذکر شده

است، وی در ابتدای کتاب خود می گوید: «سند روایات را نیاورده ام یا به سبب شهرت یا مطابقت با عقول یا این که مجمع علیه است».

۲. توقیع ضعیف نیز نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقه هستند و خبر واحد ثقه است که حجیت آن در اصول ثابت شده است و می توان به آن اعتماد کرد.

از نقل های متعدد استفاده می شود که به این حدیث، توجه و اعتنا شده است؛ گر چه منظور ما، شهرت اصطلاحی نیست. این تعدد نقل در کتاب های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران، بدون اشاره به ضعف و رد آن را می توان یکی از شواهد نه دلایل اعتبار قرار داد. (۱)

۳. این که گفته شده است: «راوی آن، شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ چرا که آنچه شیخ طوسی نقل کرده است، به دوران غیبت صغرا مربوط می شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبرا را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این زمان را باید تکذیب کرد.

۴. این که گفته اند: «از توقیع اعراض شده است» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار ما که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته اند، به آن، باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده اند.

افزون بر آن، این که هنگامی اعراض اصحاب از توقیع اثبات می شود که همه ناقلان حدیث یاد شده، ادعای ملاقات را باور داشته باشند و چون چنین چیزی نه به دلالت مطابقی و نه التزامی از کلام آن ها قابل برداشت نیست و بلکه در مواردی بر خلاف آن است، نمی توان گفت به طور کلی اصحاب از آن اعراض کرده اند. علاوه بر آن، اعراض برخی باعث ضعف حدیث نمی شود.

ممکن است گفته شود منظور توقیع، مشاهده همراه با ادعای سفارت یا وکالت از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رساندن پیام به آن حضرت و گرفتن پاسخ از ایشان است.

این احتمال، خلاف ظاهر عبارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع شریف است؛ زیرا در آن صورت، امام باید می فرمود: أَلَا فَمَنْ ادْعَى الْمَشَاهِدَةَ مَعَ السَّفَارَةِ أَوْ الْوَكَالَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ؛ در حالی که به صورت مطلق می گوید: «هر کس ادعای مشاهده کند، دروغگو است».

این جا لازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات کننده پرده از راز دیدار خود بر نخواهد داشت و این، همان تکذیب ادعای ملاقات است.

۱. سید مرتضی، بدون آن که قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیر قطعی دانسته، می نویسد:

انا غیر قاطعین علی ان امام لایصل الیه احد و لایلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم ولا سبیل الی القطع علیه...؛^(۱)

ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند. این، امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست.

وی آن گاه با فاصله چند صفحه، در پاسخ به این پرسش که اگر غیبت حضرت به سبب ترس از دشمنان است، چرا از دوستان پنهان است؟ می نویسد:

...انه غیر ممتنع ان یکون الامام علیه السلام یظهر لبعض اولیائه ممن لایخشی من جهة شیئاً من اسباب الخوف، فان هذا مما لایمکن القطع علی ارتفاعه و امتناعه، و انما یعلم کل واحد من شیئته حال نفسه ولا سبیل له الی العلم بحال غیره؛^(۲)

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد. پس به درستی که این، از اموری است که قطع بر امتناع و ارتفاع آن ممکن نیست. و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران.

۱- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۵.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

درباره فرمایش سید مرتضی نکاتی قابل تأمل است:

الف. در بخش نخست گفتار خود فقط استبعاد عدم امکان ملاقات را رد کرده و این، به معنای پذیرش ادعای ملاقات نیست؛ چرا که اگر او دست کم ادعای ملاقات را قبول داشت، به طور حتم بر آن تأکید می کرد.

ب. او در واپسین جمله کلام خویش (راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران) به اشاره، ادعای ملاقات را نیز رد کرده است.

۲. شیخ طوسی نیز منظور از استاد کیست؟ آن مضمون را این گونه بیان کرده است:

إنا أولاً لانقطع على استتاره عن جميع أوليائه؛ بل يجوز أن يظهر لأكثرهم ولا يعلم كل إنسان إلا حال نفسه؛^(۱)

اولاً- ما با جزم و یقین نمی دانیم آن حضرت از دیده همه دوستانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد.

این بیان، دیدن آن حضرت را ممکن می داند؛ اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می رسد، آن را منتفی می داند.

۳. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود، در این باره فرموده است:

و اذا كان غير ظاهر الآن لجميع شيعته فلا يمتنع أن يكون جماعه منهم يلقونه و ينتفعون بمقاله و فعاله و يكتفونه...؛^(۲)

اگر امام اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند و از دیگران پوشانند....

فرمایش سید بن طاووس مؤید دیدگاه تکذیب ادعای مشاهد است؛ چه این که پوشاندن تشرّف هنگامی که در مقیاس کلی باشد، به معنای ردّ تمام ادعاهایی است که در دست است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.

۲- سید بن طاووس، الطرائف، ص ۱۸۵.

۴. محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی رسد، اظهار شگفتی کرده نوشته است:

مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد؛ چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او تویع نفی ملاقات را (فمن ادعی المشاهده...) را ذکر کرده بود.

محقق اربلی آن گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این گونه بیان کرده است:

حتماً او نظر به این نکته داشته است که افرادی که احیاناً به دیدار نایل می شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می زنند، دروغگویند. (۱)

۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا

گروهی از دانشمندان شیعه بر این باورند که در غیبت کبرا، ملاقات های فراوانی با آن حضرت صورت گرفته است. این دیدگاه، بین متأخران شهرت بیشتری پیدا کرده است. این گروه بر قبول امکان، وقوع و ادعای ملاقات با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبرا به حکایت هایی که در این باره در دست است، استناد کرده اند

ایشان بر این باورند که در کتاب های بسیاری، داستان های گوناگونی نقل شده که سخن از ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آورده است و هرگز انبوه این ادعاها را نمی توان انکار نمود.

مهم ترین دلیل ایشان، این است که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات دروغ باشد؟

برخی در پاسخ به این استدلال گفته اند: چگونه از مجموع حکایت ها می توان به یقین رسید؟ در حالی که ملاقات ها تک تک یقین آور نیست. مجموع تشکیل شده از این تک تک ها چگونه یقین آور است؟

۱- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸.

و نیز گفته اند: کسی نگوید این مجموع، مانند متواتر، یقین خواهد آورد؛ زیرا گفته می شود: درباره تواتر، مفاد همه خبرها یکی است؛ امّا این جا چنین نیست. و موارد حکایات، گوناگون است؛ بنابراین قطعی نیز از این حکایات به دست نمی آید؛ مگر برای کسی که شگفت زده فراوانی شمار این حکایت ها شود و چنین قطعی به قطع قطع بیشتر شبیه است.

افزون بر آنچه ذکر شد، برخی ملاقات ها را به دسته هایی تقسیم کرده، آن گاه نتیجه گرفته اند بخش اندکی از آن ها با توقیع، در تعارض است.

دسته های ملاقات های موجود در کتاب ها بدین قرار است:

۱. بسیاری از ملاقات ها مربوط به زمان غیبت صغرا است.

۲. برخی ملاقات ها به بزرگان نسبت داده شده است؛ امّا سند معتبر و محکمی ندارد.

۳. در بخشی از آن ها، شخص، در عالم رؤیا به محضر آن حضرت مشرف شده است.

۴. بسیاری از آنچه در باب ملاقات و تشرف آمده، شنیدن صدای امام بوده است، نه مشاهده آن حضرت.

۵. بسیاری از آنچه ادعا شده، فقط حدس است.

۶. بسیاری از آنچه ذیل عنوان ملاقات و تشرف ذکر می شود، کرامت هایی است که از سوی آن حضرت برای فرد صادر شده و هیچ ملاقاتی در آن ذکر نشده است.

۷. بسیاری از آنچه با عنوان مشاهده در کتاب ها گفته شده، از نظر محتوا و متن دارای اشکال و ایرادهای فراوانی است. بارزترین نمونه آن، داستان جزیره خضرا است.

۸. برخی از آنچه گفته شده، مشاهده است، مکاشفه بوده و آن هم از محل بحث خارج است.

آنچه باقی می ماند، شمار اندکی از مشاهده است که مورد توجه بزرگان قرار گرفته است.

باید توجه داشت ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است؛ امّا آنچه مهم تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام با آن بزرگواران دیدار می کردند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

خودآزمایی

۱. دوره های چهارگانه زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رابطه با ملاقات آن حضرت به اختصار توضیح دهید.
۲. به سه روایت از روایاتی که امکان دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتفی می داند اشاره کرده، آن ها را شرح دهید.
۳. روایتی را که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به حضرت یوسف تشبیه کرده است، توضیح دهید.
۴. دیدگاهی که در آن، هرگونه ادعای ملاقات مردود دانسته شده است را بیان کرده، نظر خود را درباره حکایت های ملاقات ها بیان نمایید.
۵. به نظر شما، غفلت از مباحث اساسی و پرداختن به برخی خواب ها و ملاقات ها، چه نتایجی را در پی داشته است؟

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ ق.
۲. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۳. سید محمّد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، مترجم: حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۴. نجم الدین طبسی، مقاله: سفارت و نیابت خاصه، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۱۸، ۱۳۸۵ ش.
۵. علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.

درس هشتم: زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

دو دیدگاه در بحث:

۱. اثبات همسر و فرزند؛

۲. انکار همسر و فرزند.

پیش در آمد

یکی از موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همواره مورد توجه واقع شده، زندگی شخصی و خانوادگی آن حضرت است.

این که آن حضرت ازدواج کرده است یا نه؟ اگر ازدواج کرده است، آیا فرزند یا فرزندان دارد یا نه؟ اگر چنانچه دارای فرزند است، در کجای این کره خاکی و چگونه زندگی می کنند؟ فقط بخشی از پرسش هایی است که در موضوع یاد شده مطرح شده است. البته معمولاً با پاسخ های نه چندان یکنواخت و همسو مواجه بوده است.

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، سرّ بودن پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیاری از چگونگی های زندگی آن حضرت را در هاله ای از ابهام و اختلاف دیدگاه، قرار داده است.

از آن جا که روایت صریح و روشنی در این باره در دست نیست و روایت های موجود نیز دیدگاه های مختلفی را ارائه می کنند، دو دیدگاه متفاوت بین دانشمندان شیعه پدید آمده است.

گمانه های دو گانه ای که مطرح شده، بدین قرار است:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده و دارای فرزندان نیز هست. (۱)

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج نکرده است. (۲)

۱- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

۲- البته برخی از بزرگان، دیدگاه سومی را مطرح کرده اند که در آن، احتمال داده شده آن حضرت ازدواج کرده است؛ ولی دارای فرزند نیست. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، مقدمه ص ۲۳.

احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند

اشاره

کسانی که بر این باورند، اعتقاد دارند آن حضرت به طور قطع ازدواج کرده، و دارای فرزندان نیز هست. ایشان به طور عمد، دو دسته دلیل برای این ادعا ذکر کرده اند:

۱. ازدواج، امری مستحب است و ساحت حضرت ولی عصر علیه السلام از ترک این مستحب مبرا می باشد.

۲. در کتاب های روایی، برخی روایت ها و ادعیه، بر همسر و فرزند داشتن حضرت دلالت دارد.

دلیل نخست: استحباب ازدواج

برخی افرادی که این احتمال را ترجیح داده اند، در پاسخ منکران وجود همسر و فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین نوشته اند:

چگونه ترک خواهند کرد چنین سنت عظیمه جد اکرم خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در فعل آن و تهدید و تخویف در ترک آن شده، و سزاوارترین امت در اخذ به سنت پیغمبر، امام هر عصر است، و تا کنون کسی ترک آن سنت را از خصایص آن حضرت نشمرده است. (۱)

نیز یکی از دانشوران معاصر در این باره نوشته است:

بنابراین آن حضرت، فرزندان و نوادگان زیادی خواهد داشت که شمارش آن ها به سادگی ممکن نیست. اگر در این زمینه (داشتن همسر و فرزند) هیچ نقل روایی وجود نداشت، و فقط همین مطلبی که آن حضرت با وجود سن زیاد از نظر جسمی جوانی قوی البینه است... و نیز می دانیم که آن حضرت به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند، در قبول این مطلب که آن جناب همسر و فرزندان دارد کافی بود. (۲)

بررسی این دیدگاه

الف: استحباب ازدواج

استدلال پیشین، دارای دو مقدمه است:

۱- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

۲- سعادت پرور، علی، ظهور نوره، ص ۱۲۳.

۱. ازدواج، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و کاری شایسته و مستحب است.

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناگزیر این سنت را انجام می دهد.

اما مقدمه نخست

شکی نیست که استحباب ازدواج از آیات و روایات فراوانی استفاده می شود. برخی آیاتی که بر استحباب ازدواج دلالت دارند، عبارتند از: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛ (۱) «از زنان، هر چه شما را پسند افتند، به نکاح در آورید». و آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»؛ (۲) «و عزب هایتان و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند، همسر دهید».

امریا از روایاتی که در این باره در دست است، می توان به فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرد که فرمود:

النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ (۳)

نیز در اهمیت و تشویق به ازدواج، چنین آمده است:

هر کس ازدواج کند، نصف دینش را بدست آورده است (۴).

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

دو رکعت نماز کسی که ازدواج کرده با فضیلت تر است از هفتاد رکعت نماز کسی که بدون همسر است (۵).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ؛ (۶)

ازدواج کنید که همانا رسول گرامی اسلام فرمود: «هر کس دوست دارد از روش من پیروی کند، پس به درستی که از سنت من ازدواج است».

۱- نساء (۴): آیه ۳.

۲- نور (۲۴): آیه ۳۲.

۳- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

٥- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٢١١.

٦- شیخ کلینی، کافی، ج ٥، ص ٣٢٩.

با توجه به آیات و روایات پیشین و وجود کلمات امر، مانند «انکحوا» در آیات، و تشویق به ازدواج در روایات، و سفارش در عمل به سنت پیامبر خدا، استحباب شرعی ازدواج قابل استنباط است.

اما مقدمه دوم

لزوم عمل امام علیه السلام به امر شرعی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسش هایی را پدید می آورد؛ از جمله این که:

با توجه به مستحبات بسیار زیاد، آیا امام علیه السلام به همه آن ها عمل می کند؟ یا از آن امور انتخاب کرده و گزینشی عمل می کند؟

بدون تردید پیشوایان معصوم علیهم السلام مانند پیامبران، چون هدایت مردم را به عهده دارند همیشه در عمل به احکام الهی پیشگام بوده اند. به صورت اساسی، رسالت آنان ایجاب می کرد نخست خود عامل به دستورهای الهی باشند و در صحنه عمل برای دیگران الگو و نمونه باشند؛ بنابراین، در لزوم عمل کردن امام به مستحبات دو نکته وجود دارد:

۱. هدایت و رهبری و الگوی کامل بودن برای مردم که ایجاب می کند امام در زندگی و معاشرت و در برخورد با دیگران به گونه ای شایسته عمل کند و در عمل به دستورهای دینی (واجب و مستحب) پیشگام باشد.

۲. اقتضای جایگاه و منزلت انسان کامل، ایجاب می کند به مستحبات عمل کند.

بدون تردید، نکته اول در زمان غیبت امام علیه السلام موضوعیت ندارد؛ زیرا امام علیه السلام در دید مردم نیست، و امامت وی در باطن است، نه در ظاهر؛ ولی نکته دوم در رسیدن به مطلوب (امام به مستحبات شرعی پایبند و سزاوارتر از دیگران است) کافی است.

با توجه به دو مقدمه ای که گذشت، عده ای معتقدند امام زمان علیه السلام در عصر غیبت ازدواج کرده و صاحب همسر و فرزند است.

در پاسخ این دلیل گفته شده است:

اگر انجام ازدواج را بر استحباب نیز حمل کنیم، نکته قابل توجه این است که این استحباب، با مسأله بسیار مهم غیبت و فلسفه آن، در تعارض است.

این پرسش پیش می آید که اهمیت ازدواج، در جایگاه یک مستحب بیشتر است یا امر بسیار مهم «امر به معروف ونهی از منکر»؟ حتماً پاسخ داده خواهد شد: امر به معروف مهم تر است. حال آیا امام عصر علیه السلام از این همه منکری که رخ می دهد خبر دارد یا خیر؟ حتماً گفته می شود: خبر دارد؛ پس چرا نهی از منکر نمی کند؟ خواهد گفت: با مقام غیبت حضرت در تعارض است. حال این پرسش پیش می آید که آیا واجبی به این اهمیت در تعارض با غیبت ترک می شود؛ اما امر مستحب نه؟

نه فقط امر به معروف که بسیاری از شؤونات امام است که به دلیل غیبت او به صورت موقت ترک می شود.

افزون بر این که روایت نبوی می گوید: «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (۱) و آن، بدین معناست که با آن، به مخالفت برخیزد. بر ما روشن است که هر کس اگر به دلیل هایی نتوانست ازدواج کند، به این معنا نیست که با آن مخالف است.

دلیل دوم: برخی روایات و ادعیه

افزون بر دلیل پیشین که مهم ترین دلیل در این باره یاد شده است، ادله ای دیگر بر فرزند دار بودن آن حضرت نیز بیان شده که همراه نقد بیان می شود:

۱. شیخ طوسی از مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ يَقُولَ بَعْضُهُمْ قُتِلَ وَ يَقُولَ بَعْضُهُمْ ذَهَبَ حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِهِ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ؛ (۲)

برای صاحب این امر، دو غیبت است که یکی از آن ها، به اندازه ای طولانی می شود که برخی از مردم گویند: از دنیا رفته است، برخی گویند: کشته شده و برخی گویند: آمده و رفته است؛ جز اندکی از شیعیان، بر باور خود استوار

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱.

نماند. کسی از فرزندان و غیر آنان؛ از اقامتگاه او آگاه نمی شود، جز کسی که متصدی امور او است.

برخی، از این روایت استفاده کرده اند که آن حضرت، در دوران غیبت، دارای فرزند است؛ چرا که اگر فرزند نداشت، این روایت بی معنا می شد.

نقد و بررسی کوتاه

استدلال به این روایت، از چند جهت درست نمی باشد؛ زیرا:

الف. نعمانی همین روایت را نقل کرده است؛ در حالی که به جای «من ولده»، «من ولی» (۱) آورده است.

با توجه به این که کتاب الغیبه نعمانی به مراتب بر کتاب الغیبه شیخ طوسی مقدم بوده و بخشی از سند هر دو کتاب مشترک است و نیز بین کلمه «ولی» و «ولد» از نظر نوشتار، نزدیکی وجود دارد، احتمال تصحیف، بسیار قوی می نماید؛ بنابراین، استدلال به این روایت، بی اعتبار خواهد شد.

یکی از دانشمندان معاصر پس از ذکر هر دو روایت می نویسد:

با وجود این اختلاف، استناد به نقل «غیبت شیخ» اطمینان بخش نیست؛ بلکه نقل «غیبت نعمانی» از برخی جهات، مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبرتر به نظر می رسد. (۲)

یکی دیگر از اندیشه وران معاصر پس از اشاره به اختلاف نقل شیخ طوسی و نعمانی، درباره این روایت نوشته است:

کمترین احتمالی که در این باره وجود دارد، این است که مقصود از عبارت «هیچ یک از فرزندان و نه دیگران، از جای آن حضرت آگاه نیستند» مبالغه در شدت پنهانی باشد؛ بدین معنا که اگر هم بر فرض آن حضرت را فرزندی باشد، حتی او هم از شخصیت حقیقی حضرت آگاه نخواهد بود، تا چه رسد به دیگران و لذا چنان که واضح است این عبارت دلیلی بر وجود فرزند بالفعل

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲.

۲- صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ ده پرسش، ص ۵۴.

نمی باشد. و همین اندازه که چنین معنایی برای روایت محتمل باشد، برای ساقط کردن استدلال بدان کفایت می کند؛ زیرا آن گاه که احتمال به میان آید، استدلال باطل است. (۱)

ب. درباره روایت شیخ طوسی گفته می شود که مورد تحریف واقع شده است. زیرا در این روایت، ضمیر مفرد به جای جمع استفاده شده است:

[در روایات] می گوید: «از فرزندان او و دیگری»؛ در حالی که صحیح این بود که بگوید «از فرزندان او و دیگران». مگر این که کسی بگوید ضمیر «هاء» در کلمه «ولده» از سوی نسخه نویسان اضافه شده است یا این که بگویند مقصود روایت اشاره به این مطلب است که امام علیه السلام فقط یک فرزند دارد. یا این که بگوید مراد از لفظ «ولد» اسم جنس است و برای مراعات این نکته ضمیر مفرد به کار رفته است. (۲)

۲. حکایت جزیره خضراء که سخن از فرزندان حضرت در جزیره ای دور دست دارد.

در آن داستان، ادعا شده است برخی فرزندان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جزایری دور دست و ناشناخته، بر شهرهایی حکومت می کنند.

این داستان، ابتدا به وسیله علامه مجلسی در بحار الانوار (۳) و پس از نزدیک دو قرن، به وسیله محدث نوری در کتاب نجم الثاقب (۴) شهرت یافت.

در درس های آینده به صورت مفصل درباره این داستان سخن خواهیم گفت. این نتیجه خواهیم رسید که این داستان از اساس ساختگی است.

بنابراین استدلال به این داستان و مانند آن، بر این مسأله غیر قابل پذیرش است.

۱- صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ترجمه سید حسن افتخار زاده، ص ۸۵.

۲- سید جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۱۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۴- محدث نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، ولی تفاوت های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

۳. علامه مجلسی می گوید: مؤلف کتاب مزار کبیر به اسناد خود از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ؛ (۱)

گویا می بینم فرود آمدن قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش.

این روایت برای آن حضرت همسر و فرزند اثبات کرده است، ولی هیچ دلالتی ندارد در دوران غیبت نیز دارای زن و فرزند است؛ چرا که احتمال دارد این زن و فرزند پس از ظهور برای او حاصل آید.

۴. در روایتی که ابن طاووس از امام رضا علیه السلام در صلوات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است، عبارت زیر به چشم می خورد:

...اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يُغْلَبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ...؛ (۲)

خدایا! به او و خاندان و فرزندان و نسل و تمام پیروانش، چیزی ببخش که مایه روشنی چشم و خوشحالی دل او شده و حکومت تمام حکومت های دور و نزدیک، عزیز و ذلیل را در اختیار او قرار دهد، به گونه ای که حکومت او بر تمام حکومت ها غالب و حق، بر تمام باطل ها چیره شود.

برخی بزرگان درباره روایت پیشین نوشته اند:

اولاً: سند روایت قابل اعتماد نیست.

ثانیاً: حداکثر چیزی که از این دعای منقول از امام رضا علیه السلام که حدود پنجاه سال پیش از ولادت امام زمان علیه السلام فرموده اند، می توان استنباط کرد، این است که امت اسلام، دارای مهدی است و او دارای فرزندان خواهد شد؛ اما در روایت اشاره ای به زمان ولادت فرزندان حضرت نشده است.

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، باب ۲۷.

۲- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۰۶.

سیاق کلام، بیشتر حاکی از آن است که این موضوع به عصر ظهور امام و قیام و حکومت ایشان مربوط می شود. (۱)

۵. روایت دیگری که سید بن طاووس نقل کرده است که امام رضا علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِي وَالأئمةِ مِنْ وُلْدِهِ...؛ (۲)

اما این روایت نیز به دلایلی بر مدعا غیر قابل پذیرش است.

الف. روایت از نظر سند ضعیف است.

ب. این روایت بنابر تصریح خود ابن طاووس، دارای متن دیگری نیز می باشد که به این شکل است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِي وَالأئمةِ مِنْ بَعْدِهِ...» که در آن، کلمه «من ولده» نیست.

جالب این که شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهدجد (۳) و کفعمی در مصباح (۴) به همین صورت دوم نقل کرده اند.

ج. بر فرض هم که درستی روایت را بپذیریم، باز هم در روایت، نکته ای که حاکی از زمان ولادت فرزندان امام باشد، وجود ندارد و ممکن است به فرزندان آن حضرت پس از ظهور اشاره کرده باشد.

۶. میرزا حسین طبرسی نوری در کتاب نجم الثاقب با عنوان «دفع شبهه نبودن اولاد برای آن حضرت» آورده است:

سید بن طاووس در اواخر کتاب جمال الاسبوع (۵) گفته که: «من یافتم روایتی به سند متصل به این که از برای مهدی گروهی از اولاد است که والیاند در اطراف شهرها که در دریا است و ایشان داریند غایت بزرگی و صفات نیکان را». (۶)

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۲۰.

۲- جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتهدجد، ص ۴۰۹.

۴- کفعمی، المصباح، ص ۵۴۸.

۵- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۶- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

در مراجعه به جمال الاسبوع در خواهیم یافت که نه فقط سندی بر این ادعا نیاورده، بلکه مشخص نکرده این سخن از چه کسی ذکر شده است.

البته به روایات دیگری نیز استدلال شد که به نظر می رسد آنچه ذکر شد، اهمیت بیشتری دارد و آن هم که ملاحظه شد، قابلیت استدلال بر این موضوع را ندارند.

افزون بر روایات، به برخی از ادعیه و زیارتنامه ها نیز استدلال شده که در آن ها نیز استدلال ناتمام است؛ زیرا استناد قطعی آن ها به معصوم علیه السلام مورد تردید است.

یکی از بزرگان، درباره برخی از آنچه به عنوان دلیل قائلان به زن و فرزند دار بودن حضرت آمده است، می نویسد:

بعضی از روایات، مثل خبر «کمال الدین انباری» و خبر «زین الدین مازندرانی» از جهت غرابت و ضعف ظاهری که در متن آن ها است، قابل استناد نمی باشد و بعضی دیگر، همچون فقرات برخی از «ادعیه و زیارات» نیز صراحت ندارد و قابل حمل بر عصر ظهور می باشد. (۱)

پس دلیل دوّم قائلان به ازدواج آن حضرت که روایات است، مخدوش می شود و جایی برای استفاده و استدلال به آن باقی نمی ماند؛ لذا نمی توانیم به آن روایات تمسک کنیم.

احتمال دوم: انکار همسر و فرزند

اشاره

در این احتمال نیز به دو دلیل تمسک شده است:

الف. ازدواج با فلسفه غیبت منافات دارد؛

ب. روایاتی که به ازدواج نکردن تصریح دارد.

دلیل نخست

در این احتمال گفته شده است اصلاً اختیار همسر برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با فلسفه غیبت در تعارض است؛ چرا که فلسفه غیبت، دور و پنهان بودن از مردم است، تا این که صدمه و گزندى به او نرسد، و از شرّ دشمنان در امان باشد؛ از این رو هر چیزی که خلاف آن باشد، بر آن حضرت روا نیست و ازدواج با این امر و فلسفه منافات دارد.

بنابراین ازدواج کاری مستحب، پسندیده و مهم است و حفظ اسرار و پنهان زیستی و حفظ جان از گزند دشمنان امری مهم تر است؛ پس هر گاه امری دایر شود بین مهم و مهم تر، عقل، مهم تر را برمی‌گزیند. به عبارت دیگر، مصلحت فلسفه غیبت از مصلحت ازدواج بیشتر است؛ از این رو فلسفه غیبت، مانعی است برای ازدواج و می‌تواند از تحقق ازدواج جلوگیری کند. حال که ازدواج مانع دارد، ازدواج نکردن آن حضرت نمی‌تواند اعراض از سنت تلقی شود؛ چون آن حضرت وی اعراض نکرده، بلکه امر مهم تر را برگزیده است.

دلیل دوم

این گروه، افزون بر آنچه یاد شد، به روایاتی نیز استدلال کرده اند:

۱. مسعودی در اثبات الوصیه نقل کرده است: علی بن حمزه و ابن سراج و ابن ابی سعید مکاوی به محضر امام رضا علیه السلام وارد شدند.

علی بن ابی حمزه سخن را آغاز کرده، گفت: «برای ما از پدرانمان نقل شده است که تمام وظائف امام، پس از رحلت به امامی مانند او منتقل می‌شود».

امام رضا علیه السلام به او فرمود: «خبر بده مرا از حسین بن علی علیهما السلام امام بود یا نه؟» گفت: «امام بود». حضرت فرمود: «پس چه کسی جانشین او شد؟» عرض کرد: «علی بن حسین علیهما السلام».

این پرسش و پاسخ ادامه یافت تا این که ابن ابی حمزه گفت: «برای ما روایت شده است که امام در نخواهد گذشت، تا این که جانشین و نسل خود را ببیند».

امام رضا علیه السلام فرمود: «أما رویتم فی هذا الحدیث غیر هذا؟ آیا در این روایت، بیش از این چیزی برای شما گفته نشده است؟» گفت: «نه». حضرت فرمود:

بلی و الله لقد رویتم فیہ إلا القائم...؛

بله؛ به خدا سوگند! برایتان روایت شده است، مگر قائم....

ابی حمزه (با حالتی شبیه اعتراض) گفت: «این قسمت در حدیث است؟»

امام رضا علیه السلام فرمود: «ویلک کیف اجترأت علی بشیء تدع بعضه؛ «وای بر تو! چگونه جرأت کردی به چیزی که بخشی از آن را رها کرده ای، بر من احتجاج کنی؟» (۱).

افزون بر مسعودی، کشی نیز در رجال خود (۲) این روایت را با اندک تفاوتی آورده است.

روشن است که این روایت نه فقط در دوران غیبت، بلکه در تمام عمر آن حضرت داشتن فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتفی می داند.

۲. شیخ طوسی در کتاب الغیبه نزدیک به همین مضمون را در روایتی دیگر آورده است.

حسن بن علی خزاز گفت: علی بن ابی حمزه وارد بر امام رضا علیه السلام شد و پرسید: «آیا تو امام هستی؟» حضرت فرمود: «آری». علی بن ابی حمزه گفت: «از پدر بزرگ شما جعفر بن محمد شنیدم که امامی نیست، مگر این که فرزندی دارد». امام فرمود:

«آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟ این چنین که گفتمی نفرمود. بلکه ایشان فرمود:

لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقِبٌ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا عَقِبَ لَهُ؛ (۳)

امامی نیست، مگر این که فرزندی داشته باشد مگر امامی که حسین بن علی برای او خارج می شود (رجعت می کند)؛ پس همانا او فرزندی نخواهد داشت.

علی بن ابی حمزه گفت: «راست فرمودی. این چنین فرمود جدّ بزرگوارت».

دو روایت پیشین در اثبات ادعا کافی است؛ لکن به برخی امور دیگری را می توان شاهد آورد:

۳. روایاتی حضرت خضر را کسی معرفی کرده است که وحشت تنهایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت برطرف می سازد، در حالی که اگر آن حضرت زن و فرزند داشت، به ملازم و همراه نیازی نبود.

۱- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۰۸.

۲- کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، ص ۴۶۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۴.

امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ... وَ سَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَحَشَهُ قَائِمًا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَحَدَّثَهُ؛(۱)

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است... خداوند به واسطه او تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهایی اش را با وصلت او مرتفع سازد.

۴. در روایات فراوانی از آن حضرت با القاب فرید (تک) و وحید (یگانه) یاد شده است و این، با زن و فرزند داشتن منافات دارد.(۲)

۵. دسته ای از روایات، ملازمان حضرتش را در دوران غیبت، فقط سی تن از یاران خاص آن حضرت ذکر کرده است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَ نِعَمِ الْمَنْزِلِ طَيْبِهِ وَ مَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشِهِ؛(۳)

صاحب این امر، از غیبتی ناگزیر است و در غیبت خود، ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است. طیبه [=مدینه] خوش منزلی است و با وجود سی تن [یا به همراهی سی نفر] در آن جا وحشت و ترسی نیست.

علامه محمد تقی شوشتری درباره فرزند دار بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است:

باید گفت: در هیچ خبری وارد نشده است که آن حضرت پیش از ظهور فرزند داشته باشد، و در خصوص فرزند دار شدن آن امام پس از ظهور هم اختلاف است.(۴)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۵، باب ۲۶، ح ۱۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.

۴- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۲۲۶، به نقل از: الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۷۲.

در پایان، توجه به این نکته خالی از لطف نیست که با عنایت به این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک به هفتاد سال از عمر خود را در دوران غیبت صغرا سپری کرده و مخدورات این دوران در ازدواج کردن، به مراتب کمتر از دوران غیبت کبرا بوده است، و نیز این که در هیچ یک از منابع معتبر یا سخنان نواب خاص به این نکته اشاره ای نشده است، می توان دیدگاه زن و فرزند نداشتن را ترجیح داد. و خداوند آگاه تر است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که برخی معتقدند نباید به این گونه مباحث پرداخت و در نهایت باید توقّف کرد. ایشان بر این باورند که هرگز ازدواج یا عدم آن، دخالتی در پذیرش امام نخواهد داشت. این نوع موضوعات از مسایل شخصی است که به طور معمول در روایات نیامده و کسی هم به آن نپرداخته است. حتی امام عسکری علیه السلام نیز در رابطه با ازدواج فرزندش چیزی نفرموده است.

در پاسخ می گوئیم: اگر چه این گونه مسایل جنبه شخصی دارند و دانستن یا ندانستن آن، تأثیری در زندگی ما ندارد، ولی امامان ما بسان انسان های معمولی نیستند، تا از کنارشان به سادگی عبور کنیم.

بنابراین، اساس بحث از زندگانی شخص آن امام مانعی ندارد؛ گرچه به علت موقعیت استثنایی آن حضرت که همان پنهان زیستی است، آگاهی چندانی نداریم و ناچاریم به همان مقدار از دلیل ها و سخنان بزرگان دین بسنده کنیم.

خودآزمایی

۱. درباره زن و فرزند داشتن یا نداشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه دیدگاه کلی موجود است. آن ها را نام ببرید.
۲. دلیل دیدگاهی که برای آن حضرت زن و فرزند اثبات می کند چیست؟ آن را توضیح دهید.
۳. انگیزه اساسی افرادی که می گویند حضرت ازدواج کرده است؛ ولی دارای فرزند نیست، کدام است؟ شرح دهید.
۴. دلیل افرادی که زن و فرزند داشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مردود دانسته اند را توضیح دهید.
۵. با توجه به دیدگاه های یاد شده، برداشت خود را از آن ها بیان کنید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.
۲. میرزا حسین طبرسی، نجم الثاقب، قم، جمکران، ۱۳۷۷ ش.
۳. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۷ ش.
۴. محمد تقی شوشتری، و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۵. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.

درس نهم: محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در:

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق)

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰۳۲۹ق)

۳. دوران غیبت کبرا

۴. دوران ظهور

بررسی داستان جزیره خضرا

پیش درآمد

پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه فقط چگونگی زندگی آن حضرت را در هاله ای از اسرار فرو برده که بسیاری از موضوعات مربوط به حیات آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است.

یکی از مهم ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت است. بسیاری علاقه مندند بدانند آن خورشید پنهان در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می پردازد. به بیان دیگر، کدامین قسمت از زمین، افتخار این منزلت را دارد؟

میلیون ها انسان واله و شیفته، صدها سال است که در هر پگاه آدینه سخن به ندبه می گشایند و این گونه می سرایند: «ای کاش می دانستم چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمینی و مکانی تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوایی یا جای دیگری یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که مردمان را بینم و تو دیده نشوی».^(۱)

در این درس، برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومان علیهم السلام می گشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان، از آن انفاس قدسی برای حل این راز، استمداد می طلبیم.

۱- «...لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَى أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرَى أَمْ بَرْضَوَى أَمْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَ لَا تُرَى...»؛ سید بن طاوس، اقبال، ص ۲۹۸.

با یک نگاه کلی در این بوستان پرطراوت، به چهار دسته روایت در این موضوع بر خواهیم خورد که هر یک محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوره ای از حیات پر برکت او به تصویر کشیده است؛ اگر چه برای برخی دوره ها صراحت و روشنی بیشتری وجود دارد و برخی دوره ها به دلایلی به اجمال و ابهام پاسخ داده شده است.

این دوره ها عبارتند از:

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵-۲۶۰ق)

شکی نیست که آن امام همام، در شهر سامرا و در خانه پدر ارجمند خود امام حسن عسکری علیه السلام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می زیست.

این دوره بنا بر دیدگاه مشهور از هنگام ولادت حضرت (نیمه شعبان سال ۲۵۵ق) آغاز و تا رحلت امام عسکری علیه السلام (هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق) پایان یافت.

افزون بر نقل موثق تاریخی، افرادی نیز از این حادثه بزرگ پرده برداشته اند:

شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمه که یکی از مهم ترین کتاب های نگاشته، شده در موضوع مهدویت است، داستان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورت مفصل ذکر کرده است. (۱) این روایت، از مهم ترین روایات درباره ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و به روشنی دلالت دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه امام عسکری علیه السلام در سامرا دیده به جهان گشود.

از سوی دیگر، روایاتی نیز حکایت از که در این دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با صلاح‌الدین امام عسکری علیه السلام برای افرادی ویژه نمایان می شد و این اتفاق در سامرا و در جوار پدر بزرگوارش صورت می گرفت.

«ضوء ابن علی» از مردی از اهل فارس که نامش را برده است نقل می کند:

به سامرا آمدم و بر در خانه امام حسن عسکری علیه السلام ملازم شدم. حضرت مرا طلبید. وارد شدم و سلام عرض کردم. فرمود: «برای چه آمده ای؟» عرض

کردم: «برای اشتیاقی که به شما داشتم». فرمود: «پس دربان ما باش». من همراه خادمان، در خانه حضرت بودم، گاهی می رفتم. هر چه احتیاج داشتند از بازار می خریدم و زمانی که مردها در خانه بودند، بدون اجازه وارد می شدم.

روزی [بدون اجازه] بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود. ناگاه در اتاق حرکت کرد و صدایی شنیدم؛ پس فریاد زد: «بایست، حرکت مکن». من جرأت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم؛ پس کنیزی که چیز سرپوشیده ای همراه داشت. از نزد گذشت. آن گاه مرا صدا زد که در آی. وارد شدم. کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت باز گشت. حضرت به او فرمود: «از آنچه همراه داری روپوش بردار». کنیز از روی کودک سفید و نیکو روی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد. دیدم مویی سبز که به سیاهی آمیخته بود از زیر گلو تا نافش روییده است. پس فرمود: «این است صاحب شما» و به کنیز امر فرمود که او را ببرد. پس من آن کودک را ندیدم، تا امام عسکری علیه السلام وفات کرد. (۱)

نه فقط بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت، آن حضرت را در سامرا و در خانه امام عسکری علیه السلام دیده اند که بسیاری از یاران و برگزیدگان اصحاب امام به شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نایل شده اند که همگی از زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار پدر در سامرا حکایت دارد.

«یعقوب بن منقوش» گوید:

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و او بر سکویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتاقی بود که پرده های آن آویخته بود. گفتم: «ای آقای من! صاحب الامر کیست؟» فرمود: «پرده را بردار». پرده را بالا زدم؛ پسر بچه ای به قامت پنج و جب بیرون آمد، با پیشانی درخشان و روی سپید و چشمانی درافشان و دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. خالی بر گونه راستش و گیسوانی بر سرش بود. آمد و بر زانوی پدرش ابو محمد نشست. آن گاه به من فرمود: «این،

صاحب شما است». سپس امام بدو فرمود: «پسرم! تا هنگام معلوم داخل شو». داخل اتاق شد و من بدو می نگریستم. پس به من فرمود: «یعقوب! به داخل اتاق برو و بین آن جا کیست». من داخل شدم اما کسی را ندیدم. (۱)

همچنین «احمد بن اسحاق» نقل کرده حضرت را در سامرا دیده است. (۲)

بنابراین روایات و ده ها روایت دیگر، تردیدی نخواهد ماند بر این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول حیات امام عسکری علیه السلام همراه آن حضرت و در شهر سامرا مسکن و مأوا داشته است. اگرچه در این دوران نیز پنهانی زندگی می کرده است، عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان آن حضرت را دیده اند.

یادآوری این نکته است که برخی محققان، احتمال فراوانی داده اند آن حضرت بخش عمده دوران کودکی خود را در مدینه گذرانده باشد. ایشان با استناد به روایت مسعودی، مبنی بر این که امام عسکری علیه السلام در سال ۲۵۹ق از حدیث مادر خود درخواست کرد به حج مشرف شود و برای حفظ جان فرزندش وی را به همراه ببرد، دیدگاه یادشده را بیان نموده، اضافه کرده اند:

به نظر می رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج به مدینه عزیمت کرده باشند و آن را محل اختفای امام دوازدهم قرار داده اند.

این نویسنده وی افزون بر نقل یادشده، دلیل های دیدگاه خود را چنین بیان کرده است:

۱. ترس امام عسکری علیه السلام بر جان فرزند خود؛

۲. روایاتی که محل آن حضرت را پس از رحلت پدر، مدینه دانسته است؛

۳. روایاتی که ظهور حضرت را در مکه دانسته است؛

۴. روایاتی که حکایت دارد هر سال حضرت مهدی در موسم حج به مکه می رود. (۳)

به نظر می رسد هیچ یک از دلیل های یاد شده قابل پذیرش نیست.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۰.

۳- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۴؛ و نیز: پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۵.

اما دلیل نخست؛ با توجه به این که این رخداد طبق نقل یاد شده در چهار سالگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و آن حضرت چهار سال در حمایت پدر بزرگوار بدون هیچ اتفاق تغییری در شرایط زندگی کرده است، لزومی نداشته است آن حضرت این حمایت جدی را از دست بدهد. افزون بر آن، این که امام عسکری علیه السلام به مناسبت های مختلف، فرزند خود را به افراد مورد اطمینان نشان می داد، تا پس از وی مشکل چندانی پیش نیاید و این، با دور کردن حضرت از خود سازگاری ندارد.

دیگر این که از برخی روایات استفاده می شود آن حضرت، حتی در دوران پدر به صورت معجزه آسا پنهان می شد (۱) و این، با نگرانی امام عسکری علیه السلام منافات دارد. سرانجام، این که روایاتی حکایت از نماز خواندن آن حضرت بر پیکر پدر دارد. البته بازگشت آن حضرت از مدینه پیش از رحلت پدر گزارش نشده است.

اما دلیل دوم؛ این دلیل نیز قابل پذیرش نیست؛ چرا که در روایت به روشنی بیان شده است آن حضرت پس از رحلت پدر در مدینه خواهد بود، بنابراین رفتن آن حضرت به مدینه پس از رحلت امام عسکری علیه السلام اتفاق افتاده است.

دلیل سوم نیز این که روایاتی محل ظهور را مکه دانسته است؛ پس حضرت در دوران پدر در مدینه زندگی می کرده است که کاملاً غیر قابل پذیرش است؛ چرا که روایات فراوانی سخن از دو غیبت به میان آورده و به ویژه یکی از غیبت ها را بسیار طولانی دانسته است. همان گونه که گفته خواهد شد، در روایاتی به محل زندگی آن حضرت در این دوره اشاره شده است. علاوه بر آن که محل ظهور مکه دانسته شده است و به حضور آن حضرت در چهارسالگی در مدینه به این مناسبت ربطی نخواهد داشت.

اما این که چون در روایات آمده است، حضرت هر سال هنگام مناسک حج به مکه می رود، پس در چهارسالگی به طور حتم در مدینه حضور داشته است، سخنی شگفت آور است.

۱- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

همه آنچه یاد شد، می تواند حضور مستمر حضرت را در دوران پدر اثبات کند؛ اگر چه دور از ذهن نیست که در این مدت، آن حضرت با نظارت پدر به مسافرتی رفته و سپس نزد او بازگشته باشد.

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق)

غیبت صغرا عبارت است از دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که طبق نظر مشهور، با شهادت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ق) آغاز شده و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (۳۲۹ق) به پایان رسیده است که مجموعاً قریب هفتاد سال می شود.

محل زندگی آن حضرت در این دوران، به روشنی مشخص نیست؛ ولی از برخی روایات و قرائن به دست می آید حضرت که این مدت را به طور عمده در دو منطقه سپری کرده است: یکی منطقه عراق و دیگری مدینه منوره که البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که فرمود:

برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای او خبر ندارند و در غیبت دیگر جز، دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند. (۱)

در دوران غیبت صغرا، از سفیران چهارگانه (نواب خاص) کسی نزدیک تر به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم تماماً در عراق بوده و همواره با حضرت در ارتباط بوده اند. توقیعات فراوانی نیز از طرف حضرت به دست آن ها شرف صدور یافته است؛ بنابراین می توان گفت دست کم بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته ای دیگر از روایات به صورت مطلق (بدون در نظر گرفتن صغرا و کبرا بودن غیبت) زندگی حضرت را در دوران غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده اند که با توجه به

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۴۱.

روایات دسته نخست، می توان گفت ممکن است بخشی از دوران غیبت صغرا نیز در مدینه سپری شده باشد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

لابد لصاحب هذا الامر من عزله... و نعم المنزل طيبه(۱)؛

به ناگزیر برای صاحب این امر عزلت و گوشه گیری خواهد بود... و طیبیه [=مدینه] چه منزلگاه خوبی است!

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته است؛ ولی به دلیل ارتباط با نواب خاص داشته اند، بخشی از عمر خود را در عراق سپری کرده است.

۳. دوران غیبت کبرا

اشاره

غیبت کبرا، به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود که با وفات واپسین نایب خاص در سال ۳۲۹ ق آغاز و همچنان ادامه دارد و فقط خداوند متعال است که پایان آن را می داند. این دوران، ویژگی های خاصی دارد که آن را به طور کامل از دوران غیبت صغرا متمایز می سازد. از این ویژگی ها، کامل شدن غیبت آن حضرت است.

همان گونه که پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران به کمال می رسد و نیابت و سفارت، همانند دوران غیبت صغرا وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص تر می شود. در این دوران است که هرگز نمی توان به طور قطع مشخص کرد آن حضرت کجا زندگی می کند. البته روایات در این باره به محل های گوناگونی اشاره کرده اند که برخی از آن ها از این قرارند:

الف. مدینه منوره

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، برخی روایات به صورت عام و بدون قید زمان غیبت صغرا مدینه را جایگاه آن حضرت در دوران غیبت می داند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

ب. ناحیه ذی طوی

ناحیه ذی طوی در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آن جا خانه های مکه دیده می شود. برخی از روایات، آن محل را مکانی معرفی می کند که حضرت بخشی از زمان غیبت را در آن سپری می کند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

صاحب این امر را در برخی از این درّه ها غیبتی است (و با دست خود به ناحیه ذی طوی اشاره کرد).^(۱)

ج. دشت ها و بیابان ها

از برخی روایات نیز استفاده می شود که آن حضرت در طول غیبت، محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می برد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است درباره شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبران الهی، چنین فرمود:

... و اما شبهه من عیسی فالسیاحه^(۲)؛

و اما شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام پس جهانگردی [نداشتن مکان خاص] است.

همچنین، در توقیعی که به نام شیخ مفید صادر شده است اگر صدور آن را بپذیریم نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. در آن نوشته چنین بیان شده است:

با این که ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمن خود تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه ای دور و پنهان از دیده ها به سر می بریم.^(۳)

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

۲- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۹۱.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

یادآوری این مطلب لازم است که این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبرا، سبب شده است عده ای به گمانه زنی هایی در مواردی سست و واهی پردازند و به طرح محل هایی که اثبات آن ها کاری بس مشکل است، روی آوردند.

افسانه جزیره خضرا و مثلث برمودا و مانند آن، حکایت هایی است که در تاریخ پر فراز و فرود این اعتقاد سترگ رخ نموده است؛ ولی همواره روشنگران این عرصه، مردم را از فرو غلطیدن در کجراهه ها و بیراهه ها حفظ کرده اند.

البته پیش از آن نیز برخی مخالفان شیعه نسبت داده اند که شیعیان بر این باورند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت در سرداب سامرا زندگی می کند. در این جا مناسب است اشاره ای کوتاه بدان نماییم.

از گذشته بیشتر خانه ها در مناطق گرمسیر عراق سرداب (زیرزمین) داشت، تا ساکنان خانه، از شدت گرمای تابستان در امان باشند^(۱). خانه حضرت عسکری علیه السلام در سامرا نیز دارای سرداب بود. این سرداب، محل زندگی و عبادت امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت بقیه الله علیه السلام بود و اغلب دیدارها با حضرت ولی عصر در عهد پدر در همین منزل و در همین سرداب انجام می گرفت؛ به همین سبب شیعیانی که پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، برای زیارت قبر آن امام و پدر بزرگوارش وارد سامرا می شدند، پس از زیارت قبر آن بزرگوار، در محل عبادت سه امام بزرگوار نماز می خواندند و آن جا را زیارت می کردند.

اما همان گونه که اشاره شد، متأسفانه برخی دشمنان متعصب، با نسبت دادن تهمت های ناروا، خواسته اند از این موضوع بهره برداری های نادرست کنند. آنان به شیعه تاخته و معتقدان به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به استهزا گرفته اند؛ با این که می دانند حتی یک نفر شیعه راستین را نخواهند یافت که معتقد باشد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرداب پنهان شده یا در سرداب سکونت و اقامت گزیده است.

۱- فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۷.

بنابراین زائران، فقط از آن جهت به این مکان مقدس احترام می گذارند که محل سکونت، زندگی، عبادت، نیایش و تلاوت قرآن انسان های کامل بوده است. با این بیان، آن جا مکان مقدس و خانه پر برکتی است که خداوند اجازه داده است چنین مکانی، رفعت مقام یابد و در آن جا نام خدا به عظمت برده شود؛ به همین سبب مسلمانان پیرو مذهب خاندان وحی و رسالت، آن جا نماز می خوانند و بر پیامبر و خاندانش علیهم السلام درود می فرستند؛ آن جا را زیارت می کنند و کسی بر این عقیده نیست که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن سرداب سکونت دارد یا این که از آن جا ظهور خواهد کرد.

۴. دوران ظهور

دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که درخشان ترین فراز تاریخ و روشن ترین دوران زندگی انسانی است، ویژگی های فراوانی دارد از جمله مهم ترین آن ها حاکمیت واپسین معصوم و حجت الهی است. درباره محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. در این روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده اند. (۱)

۱. روزی در محضر مقدس رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام از مسجد سهله گفت و شنود شد، آن حضرت فرمود:

أَمَّا إِنَّهُ مَنزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛ (۲)

آن جا اقامتگاه صاحب ما است؛ هنگامی که با خانواده اش قیام کند.

در برخی از منابع، به جای «قام»، «قدم» تعبیر شده است؛ یعنی هنگامی که تشریف بیاورد (۳).

۱- شیخ صدوق، تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ شیخ صدوق، تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۱.

۲. امیرمؤمنان علی علیه السلام هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور، می فرماید:

گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقاً حقاً... (۱).

۲. امام صادق علیه السلام خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود:

ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.

ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟»

حضرت فرمود: «آری».

سپس فرمود:

مسجد سهله، اقامتگاه حضرت ادریس علیه السلام بود. مسجد سهله اقامتگاه حضرت ابراهیم علیه السلام بود. خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که در مسجد سهله نماز گزارده است. مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است. کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقامت کند. مرد و زن با ایمانی یافت نمی شود، جز این که دلش به سوی مسجد سهله پر می زند... (۲).

البته چگونگی زندگی در عصر ظهور مشخص نشده است؛ ولی به نظر می رسد تفاوت بسیاری با نحوه زندگی امروزی داشته باشد. تکامل علوم بشری، کمال عقلانی بشر، گسترش خارق العاده امکانات و رفاه عمومی، امنیت فراگیر بر کل کره زمین و... به طور قطع ویژگی هایی را برای زندگی در آن زمان ایجاد خواهد کرد که به راستی در تصوّر ما نمی گنجد.

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۳.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.

اشاره

تاریخ پر فراز و فرود اسلام، همواره باورها و افکاری را در امت اسلام دیده است که گاهی جای خرسندی و دیگر زمان، جای بسی نگرانی بوده است. اندیشوران سترگ مدرسه اهل بیت علیهم السلام همواره تلاش کرده اند با روشنگری های خود غبار نگرانی از چهره پیروان امامان معصوم علیهم السلام برگیرند؛ اما همواره دست هایی از روی غفلت یا عمد بر این نگرانی افزوده اند.

از آن جا که اغلب آموزه های دینی برگرفته از سخنان نورانی پیشوایان معصوم است، کسانی در پی آن بوده اند که این زلال ارجمند را به پیرایه هایی آلوده سازند. در برابر، کم نبودند بزرگانی که سعی بر نگهداری از این میراث گرانسنگ کرده اند.

دروغ آفرینی، وارونه سازی، و تحریف، به انگیزه های گوناگون، حرکتی تأسف بار در فرهنگ اسلامی است که پیشینه ای بسیار کهن دارد؛ از این رو پالایش منابع روایی کاری بس ارزشمند از مهم ترین دغدغه های بزرگان دین بوده و هست. بخشی از این پالایش به حکایت هایی مربوط است که به انگیزه هایی گوناگون به این منابع ارزشمند راه یافته اند.

موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل هایی، همواره مورد این هجوم بوده است. محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت که یکی از بحث های مهم و قابل توجه است، از جمله عرصه هایی بوده که از این گونه خیال پردازی ها مصون نبوده است.

داستان «جزیره خضراء» از داستان هایی است که در زمینه محل زندگی آن حضرت در پاره ای متون اسلامی وجود دارد و لازم است درباره آن بحث شود. (۱)

۱- البته درباره نقد این داستان، در سال های اخیر آثار ارزشمندی از طرف دانشوران شیعه در دسترس قرار گرفته که هر یک در نوع خود قابل استفاده و ستایش است. از جمله این تلاش ها می توان به مقالات استاد کلباسی اشاره کرد که مبنای تدوین این بخش از درس نیز بوده است. ر.ک: فصلنامه انتظار، ش ۱، ۲، ۳، ۴، مجتبی کلباسی، مقاله: بررسی افسانه جزیره خضراء.

به نظر می‌رسد بین منابع موجود، نخستین اثری که به نقل داستان جزیره خضراء پرداخته بحار الانوار^(۱) است. پس از آن، مرحوم محدث نوری در کتاب‌های خود^(۲) در کنار نقل حکایاتی از این دست، به نقل این داستان و مانند آن مبادرت کرده است.

نخست لازم است به چکیده این داستان که به دو داستان بر می‌گردد اشاره کنیم.

علامه مجلسی در بحار الانوار در بابی با عنوان «نادر فی ذکر من رآه علیه السلام فی الغیبه الکبری قریباً من زماننا» فقط به دلیل این که مشتمل بر دیدار با آن حضرت و نیز رخدادهای عجیب و غریب است به نقل آن پرداخته، می‌نویسد: «رساله ای یافتیم مشهور به داستان جزیره خضراء... و چون آن را در کتاب‌های روایی معتبری ندیدم، آن را در فصل جداگانه ای آوردم».

چکیده رساله ای که این عالم بزرگوار یافته چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم... نوشته ای یافتیم به خط شیخ فاضل عالم عامل «فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی» که متن آن چنین است:

... من در سال ۶۹۹ق در کربلا از دو نفر، داستانی شنیدم. آن‌ها داستان را، از «زین الدین علی بن فاضل مازندرانی»، نقل می‌کردند. داستان مربوط به جزیره خضراء در دریای سفید بود. مشتاق شدم داستان را از خود علی بن فاضل بشنوم؛ به همین دلیل به شهر حله رفتم و در خانه سید فخرالدین، با علی بن فاضل ملاقات کردم و اصل داستان را پرسیدم.

او، داستان را در حضور عده ای از دانشمندان حله و نواحی آن چنین بازگو کرد:

سال‌ها در دمشق نزد شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین علی مغربی اندلسی دانش آموختم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۲- محدث نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با این وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، تفاوت‌های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

تدریس پرداخت، تا این که نامه ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر استاد می داد. استاد عزم اندلس کرد. من و برخی از شاگردان با او همراه شدیم. به نخستین روستای اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. به ناچار، استاد مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم، پس از آن، روزی در اطراف ده قدم می زدم که کاروانی از طرف کوه های ساحل دریای غربی وارد شدند. پرسیدم: «از کجا می آیند؟» گفتند: «از دهی از سرزمین بربرها می آیند که نزدیک جزایر رافضیان است».

هنگامی که نام جزیره رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، بیست و پنج روز راه بود که دو روز بی آب و آبادی و بقیه آباد بودند. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره، شیعه بودند و اذان و نماز آن ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: «غذای شما از کجا تأمین می شود؟» گفتند: «از جزیره خضرا در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سالی دو مرتبه، برای ما غذا می آورند».

چهل روز منتظر ماندم تا کاروان کشتی ها از جزیره خضرا رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می شناخت و اسم من و پدرم را نیز می دانست. او مرا با خود به جزیره خضرا برد.

شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: «این دریای سفید است و آن جزیره خضرا. این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد». وارد جزیره شدیم. شهر دارای قلعه ها و برج های زیاد و هفت حصار بود. خانه های آن از سنگ مرمر شفاف بود....

در مسجد جزیره، سید شمس الدین محمد را که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جای داد. آنان نماز جمعه می خواندند. از سید شمس الدین پرسیدم: «آیا امام حاضر است؟» گفت: «نه؛ ولی من نایب خاص او

هستم». به او گفتم: «امام را دیده ای؟» گفت: «نه؛ ولی پدرم، صدای او را شنیده و جدم، او را دیده است».

سید مرا به اطراف برد. آن جا کوهی مرتفع بود که قُبه ای در آن وجود داشت و دو خادم آن جا بودند. سید گفت: «من هر صبح جمعه آن جا می روم و امام زمان را زیارت می کنم و آن جا ورقه ای می یابم که مسایل مورد نیاز در آن نوشته شده است».

من نیز به آن کوه رفتم و خادمان قبه از من پذیرایی کردند... درباره دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنان پرسیدم، گفتند: «غیر ممکن است».

درباره سید شمس الدین از شیخ محمد (که با او به خضرا آمدم) پرسیدم. گفت: «او از فرزندانِ فرزندانِ امام است و بین او و امام، پنج واسطه است».

با سید شمس الدین، گفت و گوی بسیار کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره ارتباط آیات و این که برخی آیات، با پیش بی ارتباط هستند، پرسیدم.

پاسخ داد: «...مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع آوری کردند؛ از همین رو، آیاتی که در قدح و مذمت خلفا بود، از آن ساقط کردند؛ لذا آیات را نامربوط می بینی؛ ولی قرآن علی علیه السلام که نزد صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است».

در جمعه دومی که آن جا بودم، پس از نماز، سر و صدای فراوانی از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: «این صداها چیست؟» سید پاسخ داد: «فرماندهان ارتش ما هر دو جمعه میانی ماه سوار می شوند و منتظر فرج هستند». پس از این که آنان را در بیرون مسجد دیدم، سید گفت: «آیا آنان را شمارش کردی؟» گفتم: نه. گفت: «آنان، سیصد نفرند و سیزده نفر باقی مانده اند».

از سید پرسیدم: «عالمان ما احادیثی نقل می کنند که هر کس پس از غیبت ادعا کند مرا دیده است، دروغ می گوید. حال چگونه است که برخی از شما او را می بینید؟»

سید گفت: «درست می گویی؛ ولی این حدیث به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون های بنی العباس فراوان بودند؛ اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است، دیدار آن حضرت ممکن است.

سید شمس الدین ادعا کرد: تو نیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو مرتبه دیده ای، ولی نشناخته ای. همچنین گفت: آن حضرت، خمس را بر شیعیان خود مباح کرده است.

سپس جناب سید شمس الدین به من دستور داد در بازگشت درنگ نکنم و در سرزمین های مغرب توقف نکنم. پس از آن با همان کشتی که آمده بودم بازگشتم.

واپسین مطلبی که که از علی بن فاضل شنیدم این بود که: «در جزیره خضرا فقط نام پنج تن از دانشمندان شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی».

بررسی داستان

الف. از نظر سند

۱. همان گونه که در اول متن آمده بود، ناقل داستان، نامعلوم است.

بنابراین داستان از نگاه سند نه فقط ضعیف، بلکه فاقد استناد است و جز اشتهار در کتب متأخران به ویژه پس از علامه مجلسی هیچ مستند دیگری ندارد.

آشکار است چنین نقل هایی باعث ارزش و اعتبار خبر نمی شود.

۲. این مرد «ناشناخته» چگونه فهمید آنچه پیدا کرده است همان خط طیبی است؟ آیا خط طیبی که صد سال پیش از او وفات کرده بود، تا این حد برای مردم متداول و شناخته شده بود که این مرد ناشناخته نیز آن را می شناخته است؟

۳. معاصران او از قبیل علامه حلی و ابن داود که کتابش را در سال ۷۰۷ق به پایان رسانده هیچ اشاره ای به وی نکرده اند.

۴. علی بن فاضل در روایت مذکور تصریح می کند از اوّل تا آخر روایت خویش را در حضور طیبی و گروهی از عالمان حله و اطراف آن که برای دیدار این شیخ آمده بودند، نقل کرده است.

اما با این وجود ما هیچ یک از عالمان را نمی شناسیم که به طور مسقیم یا با واسطه روایت یاد شده را نقل کرده باشند. (۱)

ب. از نظر محتوا

اما آنچه مهم تر است بررسی داستان از نگاه متن و محتوا است.

برخی از مهم ترین ایرادهای متنی داستان از این قرار است:

۱. دلالت قصه بر تحریف قرآن

از مطالبی که در ضمن گفت و گوی علی بن فاضل (مجهول) با شمس الدین (مجهول) آمده است، تصریح به تحریف قرآن است (۲). حال آن که نص قرآن به حفظ آن از هر گونه تحریف، تصریح دارد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (۳).

شاید اعتماد به این حکایت و روایاتی مانند آن بوده که برخی به تحریف قرآن قائل شده اند.

البته در پاسخ به این پندار، بزرگان شیعه مطالب ارزنده ای بیان کرده اند. حضرت امام خمینی قدس سرّه در مبحث اصولی «حجیت ظواهر کتاب» و هنگام بحث «عدم تحریف قرآن» می فرماید:

... غالب کتاب های روایی صاحب فصل الخطاب مانند مستدرک الوسایل نه فایده علمی دارد و نه فایده عملی و مملو از احادیث ضعیفی است که عالمان شیعه از آن ها رویگرداندند و صاحب نظران از بزرگان شیعه، مانند کلینی و صدوق و طوسی به آن ها وقعی نمی نهند. و از کتاب های غیر روایی او پرس که پر است از داستان ها و حکایات عجیب که اکثر آن ها به شوخی شبیه تر

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۱۸۶.

۲- ر.ک: سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۰۹.

۳- حجر (۱۵): آیه ۹.

است. البته او که خدا رحمتش کند فرد صالح و محقق بود، لکن علاقه اش به جمع آوری منقولات ضعیف و عجیب و غریب و چیزهایی که عقل سلیم و نظر صائب آن ها را نمی پذیرد بیشتر بود، تا گردآوری مطالب نافع... (۱).

آیت الله حسن زاده آملی، اندیشور معاصر، در کتاب نفیس هشت رساله عربی بحث مفصلی را درباره عدم تحریف قرآن در رساله ای مستقل با عنوان «فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب» آورده است. وی در خاتمه رساله می نویسد:

محدث نوری به داستان ها و حکایت های سست و روایت های بی اساس تمسک جسته است، تا با ربط بعضی از آن ها به بعضی دیگر، استدلال کند قرآنی که فرود آوردنده اش فرموده: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (۲) تحریف شده است...

کتاب های دیگر محدث نوری هم بهترین گواه است که ایشان گرچه چند محدث بوده؛ ولی محقق و پژوهشگر نبوده است؛ پس بهتر آن بود که پای از گلیم خویش، بیرون نهد و به قدر خویش سخن بگوید...

استاد حسن زاده آملی سپس مطالبی را از یک نسخه خطی متعلق به استاد خود، مرحوم آیت الله شعرانی می آورد که در آن، کتاب فصل الخطاب محدث نوری نقد شده است. در یک فراز از آن نسخه، مرحوم آیت الله شعرانی به مناسبت این که محدث نوری برای اثبات مدعای خود به داستان جزیره خضراء استناد می کند، به این داستان اشاره کرده و می فرماید:

حکایت جزیره خضراء، جعلی است و در جعلی بودن آن، هیچ شکی نیست. (۳)

۱- «...صاحب فصل الخطاب الذی کان کتبه لایفید علماً و لاعمالاً و انما هو ایراد روایات ضعاف اعرض عنها الاصحاب و تنزه عنها اولوالالباب من قدما اصحابنا کالمحمدین الثلاثه المتقدمین رحمهم الله هذا حال کتب روایته غالباً کالمستدرک ولاتسال عن سائر کتبه المشحونه بالقصص و الحکایات الغریبه التي غالبها بالهزل اشبه منه بالجد و هو شخص صالح متبع الا ان اشتیاقه لجمع الضعاف و الغرائب و العجائب و مالا یقبلها العقل السلیم و الراى المستقیم اکثر من الکلام النافع...»؛ موسوی خمینی، روح الله، انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه، ج ۱، صص ۲۴۴، ۲۴۵.

۲- حجر (۱۵): آیه ۹.

۳- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۷، به نقل از: آیت الله حسن زاده آملی، هشت رساله عربی، ص ۲۸۸.

شیخ جعفر کاشف الغطا از فقیهان نامدار شیعه و از شاگردان سید بهبهانی و سید بحر العلوم و به زهد و تقوا مشهور بود.

وی درباره جزیره خضرا می گوید:

و از اخبار شگفت انگیز اخباریان، اعتماد آنان بر هر روایتی است. حتی برخی از فضلاء آنان از کتاب های مهجور و ساختگی، حکایتی را می آورند که افسانه سرایان نقل کرده اند: جزیره ای است در دریا به نام جزیره خضرا و در آن، خانه های صاحب الزمان و خانواده و اولادش قرار دارد. او نیز به آن جا می رود و می بیند که در آن جزیره، گروهی از نصارا وجود دارند.

گویا او اخباری که بر عدم وقوع رؤیت در غیبت کبرا، دلالت دارد ندیده و نه کلمات عالمان را که بر این مطلب دلالت می کند، تتبع کرده است. (۱)

۲. در متن داستان آمده است:

«این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد».

ولی علی بن فاضل هنگام گزارش از جزیره، آن را دارای هفت حصار می داند و از برج های محکم دفاعی آن یاد می کند. حال اگر این جزیره به وسیله آب های سفید و نیروی غیبی، محافظت می شده، به حصارهای محکم چه نیازی داشته است؟

۳. در ضمن داستان، به نقل از خادمان قُبه می نویسد: «رؤیت امام غیرممکن است»؛ ولی در گفت و گوی با سید شمس الدین، او سخن دیگری بر زبان می راند و می گوید: «ای برادرم! هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نمی شناسد». حال چگونه بین غیرممکن بودن رؤیت و دیدن مشروط می توان جمع کرد؟

۴. در یکی از روزهای جمعه، وقتی علی بن فاضل، سر و صدای زیادی از بیرون مسجد می شنود و علت را از سید شمس الدین جويا می شود، وی اظهار می دارد سیصد نفر از فرماندهان، منتظر ظهور حضرت هستند و منتظر سیزده نفر دیگرند.

۱- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۷، به نقل از: حق المبین فی تصویب المجتهدین، ص ۸۷.

بر این اساس، این سیصد نفر که از خواص حضرت هستند، نیز باید دارای عمرهای طولانی باشند و پس از آن نیز به زندگی ادامه دهند، تا زمان ظهور فرا رسد.

آیا ما بر چنین سخن گزافی دلیلی داریم؟ دلیل ها فقط درباره امام زمان و برخی دیگر از انبیای الهی است؛ ولی درباره سیصد نفر که آنان نیز چنین عمرهایی داشته باشند، دلیلی در دست نداریم.

افزون بر آن، چگونه ممکن است تا زمان داستان پیشین که حدود چهار قرن از غیبت امام گذشته بود، سیصد نفر آماده شده باشد و پس از آن تا زمان ما که نزدیک به دو برابر آن مقدار گذشته است، سیزده نفر آماده نشده باشد؟

۵. به مقتضای این خبر، خمس بر شیعیان حضرت، حلال است و ادای آن واجب نیست. این مطلب، خلاف نظر بیشتر فقهای اسلام از آغاز غیبت تا کنون است.

۶. علی بن فاضل از سید شمس الدین می پرسد: «آیا تو امام علیه السلام را دیده ای؟» گفت: «نه؛ ولی پدرم به من گفت که سخن امام را شنیده، ولی شخص او را ندیده و جدم سخنانش را شنیده و شخص او را دیده است؛ ولی سید شمس الدین در جای دیگر همین داستان می گوید: «هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نشناسد». گفتم: «من از جمله مخلصان هستم؛ ولی او را ندیده ام». گفت: «دو بار او را دیده ای؛ یک بار در راه سامرا و یک بار در سفر مصر...».

حال پرسش این است: چگونه کسی که ادعای نیابت خاص دارد و از ملاقات های امام علیه السلام آگاه است، خود، آن حضرت را ندیده است و اظهار می دارد که پدرش، سخن آن حضرت را شنیده است؟

۷. در پایان داستان گفته شده است در جزیره خضرا فقط نام پنج تن از علمای شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی.

حال این پرسش پیش می آید: چرا فقط پنج نفر؟ چرا آن جا نامی از شیخ مفید با آن همه عظمت و بزرگی او نبوده است. آیا این توهم پیش نمی آید که آن بزرگوار و امثال ایشان، در ذهن سازنده داستان نبوده است.

با توجه به اشکالات یاد شده و دو چندان اشکال دیگر، این داستان غیر قابل پذیرش است.

علامه شیخ محمد تقی شوشتری در الاخبار الدخیله پس از نقد عالمانه این داستان و داستان بعدی می نویسد:

شاید ناقل این دو داستان، از دشمنان شیعه بوده که چنین داستانی را جعل کرده است تا حقایق را وارونه جلوه دهد.

و نیز می نویسد:

در داستان جزیره خضرا آمده است که: «تعداد فرمانده های لشکر امام زمان علیه السلام سیصد نفر بودند» و در داستان ابن انباری آمده است که «مسافت سرزمین فرزندان امام زمان علیه السلام به اندازه یک سال راه و جمعیت آن ها بسیار زیاد است».

اگر یاران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تا این اندازه زیاد است، چرا ظهور نمی کند تا مخالفان را سرکوب نماید؟ چرا چنین چیزی در خبر یا اثری از امامان علیهم السلام با توصیف خصوصیات آن ها نیامده است؟^(۱)

اما متأسفانه با وجود تأکید فراوان دانشمندان شیعه بر افسانه بودن داستان یاد شده، باز عده ای به دلایلی به ترویج آن اقدام کرده و از آن، پا را فراتر نهاده، بین داستان جزیره خضرا و مثلث برمودا ارتباط برقرار کرده اند^(۲). غافل از این که گذشته از اشکالات متعدد، تطبیق آن بر «مثلث برمودا» که ترسیمی نادرست و غیرمعتبر است، چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز مخدوش می سازد^(۳).

درباره «جزیره خضرا» و تطبیق نادرست آن بر «برمودا» باید گفت:

یکم. اصل داستان، غیر قابل پذیرش است؛

دوم. «جزیره خضرا» در دریای مدیترانه است، نه اقیانوس اطلس؛

سوم. وقایع «مثلث برمودا» ساخته رسانه های غربی و افسانه سازان است؛

۱- جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۲، به نقل از: محمد تقی شوشتری، الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۷۲.

۲- ر.ک: ناجی نجار، جزیره خضرا و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه: علی اکبر مهدی پور.

۳- ر.ک: نظری، غلامرضا، جزیره خضرا تحریفی در تاریخ شیعه، بخش ۱۴ و ۱۵.

چهارم. بر فرض که افسانه های «برمودا» درست باشد، هیچ ربطی به امام زمان و مقام آن حضرت ندارد.

اگر چه افرادی که به بررسی داستان پرداخته اند، هر دو داستان را بررسی کرده اند، به نظر می رسد نیازی به بررسی داستان دوم نیست و علاقه مندان به منابع یاد شده مراجعه می نمایند.

نتیجه مباحث گذشته

۱. داستان، از نگاه سند، ضعیف و غیر قابل اعتنا است.

۲. داستان، از نگاه محتوا، دارای اشکالات و تناقضات فراوانی است.

۳. داستان، بازتاب حوادث زمان نقل آن است و با آنچه در عرصه تاریخ و جغرافیای آن زمان می گذشته، مرتبط است.

۴. حکومت های متعددی در سرزمین های مغرب و جزایر دریای مدیترانه و سواحل آن، در آن زمان وجود داشته اند که خود را از اعقاب امامان علیهم السلام می شمردند. برخی از آنان، خود را فرزندان صاحب الامر می دانستند. بعید نیست دست های این گروه در ساختن این داستان ها و مانند آن، نقش داشته باشند.

۵. افکار و آرمان های سرکوب شدن شیعیان در دوران عباسی، زمینه بروز آن ها را به صورت داستان ها، فراهم آورد.

۶. فشارهای متعدد اجتماعی و سیاسی و عقیدتی که بر شیعه وارد می شد، آنان را وا می داشت به آواهایی که از حکومت های شیعی، از نوع اسماعیلی و موحدان و... دل ببندند و آرمان های سرکوب شده خود را آن جا بیابند.

۷. در موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که از عقاید حتمی و بین المللی همه مسلمانان است، سزاوار نیست با اتکا به خبرهای غیر موثق و حدسیات ساخته اذهان، سخن گفته و قلم زده، زیرا از موارد افترای بر امامان علیهم السلام است که از خطاهای بزرگ و گناهان کبیره به شمار می رود.

۸. در آرا و عقاید، مواردی یافت می شوند که علم آن را بایستی به خدا و رسول واگذار کرد و بدون علم و اطلاع و طی مقدمات لازم، در آن موارد سخن نگفت. موضوع

فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و این که به طور اساسی آن حضرت ازدواج کرده است؟ آیا دارای فرزندانی هست یا نه؟ آنان چگونه زندگی می کنند؟ از همین موارد است. بهتر است علم آن را به خدا واگذار کنیم و بدون سبب، افکار و عقاید دیگران را با مطالب نامستند و نامعقول، آشفته نکنیم. افزون بر آن که ادله فراوانی بر زن و فرزند نداشتن آن حضرت در کتاب های معتبر وجود دارد.

۹. این افسانه، ممکن است در زمان خود خریدار داشته است؛ اما امروزه که تمام نقاط کره زمین از دید دوربین های ماهواره ها در امان نیستند و کوچک ترین شیء و حرکتی، قابل نمایش و ردیابی است، نقل ۱۲۰۰ روستا با جمعیتی بی شمار، سخنی بس گزاف و غیر قابل پذیرش است.

خودآزمایی

۱. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا دارای مکانی خاص بوده است؟ در این باره توضیح دهید.
۲. درباره محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت کبرا چند دیدگاه قابل مطرح کردن است؟ بیان کنید.
۳. یکی از تهمت‌هایی که به شیعه زده‌اند، این است که آن‌ها عقیده دارند حضرت مهدی در دوران غیبت در سردابی در سامرا زندگی می‌کند. این نسبت را تحلیل کنید.
۴. مهم‌ترین محل‌های زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور و حکومت جهانی کدامند؟ توضیح دهید.
۵. به سه ایراد متنی که به حکایت جزیره خضرا وارد کرده‌اند، اشاره کرده، آن‌ها را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۲. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده؛ تاریخ الغیبه الکبری؛ تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ ق.
۳. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴. محمد تقی شوشتری و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۵. مجتبی کلباسی، فصلنامه انتظار، ش ۱، ۲، ۳، ۴، مقاله: بررسی افسانه جزیره خضراء، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۱ ش.

درس دهم: انحراف از مهدویت (۱)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ

برخی مدعیان دروغین

۱. ابو محمد حسن شریعی

۲. محمد بن نصیر نمیری

۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال

۴. حسین بن منصور حلاج

۵. ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی

۶. احمد بن هلال کرخی

...

پیش درآمد

نقش اثرگذار «مهدوئیت» و آموزه‌های آن، بر فرد و جامعه، بر کسی پوشیده نیست. این که مسلمانان به ویژه شیعیان به این امر بنیادین، باوری استوار دارند و آن را یکی از اعتقادهای ریشه‌ای خویش بر می‌شمرند، روشن و غیر قابل انکار است.

بی‌گمان، هر چه باوری، ژرفای بیشتری داشته، به حقیقت نزدیک‌تر باشد و در دل‌ها جای گیرد، افراد سوداگر و سودنگر، بیشتر در پی بهره‌های ناپاک از آن بر خواهند آمد.

آموزه‌های مهدوئیت، به سبب ویژگی‌های ممتاز و پرجاذبه خود، و این که همواره در عمق قلب‌های توده انسان‌ها نفوذ کرده است، بیشتر مورد بهره‌جویی و استفاده نادرست افراد کژرو قرار گرفته است. پیشینه پُردامنه انحراف‌های پدید آمده در این عرصه، به ویژه فرقه‌های منحرف در مهدوئیت که به قرن‌های نخست اسلام باز می‌گردد، گواهی روشن بر این مدعا است.

بررسی این انحراف‌ها و زمینه‌های پیدایی آن، می‌تواند در پیشگیری از فروافتادن دوباره در این لغزش‌ها، نقش مهمی داشته باشد.

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف‌های بزرگ

اشاره

از آن جا که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، ارتباط رودرروی مردم با پیشوای معصوم قطع شد، «سفیران خاص» به گونه‌ای ویژه، برای راهنمایی مردم،

تلاش های پدافند امنیتی را آغاز کردند. ایشان از پراکنندگی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام جلوگیری کرده و رهبری شیعیان را به دست گرفتند.

پیروان اهل بیت علیهم السلام رفته رفته، با این روش خود گرفته و کارهای خود را از راه «سفیران چهارگانه» انجام دادند. و این خود جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد.

در این میان، افرادی سست ایمان و کژ اندیش برای رسیدن به اهدافی چند، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند.

در یک بررسی کوتاه می توان برخی سرچشمه های این ادعاهای دروغین را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. سستی ایمان

یکی از عوامل مهم در چنین ادعاهای نادرستی، سستی باورهای دینی است؛ چرا که کسانی که دارای قوت مناسب ایمان هستند، هرگز برابر خواست پیشوای معصوم در پیروی از سفیران خود به بیراهه نمی روند. بیشترین افرادی که به دروغ چنین ادعایی کردند، از این کاستی برخوردار بودند.

یکی از افرادی که به دلیل سستی ایمان، دست به ادعاهای نادرست پرداخت، شلمغانی بود.

پس از این، اشاره خواهد شد که شلمغانی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از دانشمندان، دبیران و محدثان زمان خود در بغداد بود. کتاب های بسیاری داشت که در آن ها، انبوه سخنان اهل بیت علیهم السلام به چشم می خورد. (۱)

هنگامی که راه انحراف و ارتجاع را پیش گرفت و از نظر اندیشه، عقیده و رفتار تغییر کرد، در روایات تغییراتی پدید می آورد؛ هر چه می خواست بر آن ها می افزود و هر چه می خواست کم می کرد. نجاشی در رجال خود به این انحراف اشاره کرده است. (۲)

۱- رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۰۵؛ رجال نجاشی، ح ۲، ص ۲۹۴.

۲. طمع در اموال امام

در زمان غیبت صغرا، برخی برای آن که اموال امام زمان علیه السلام را به وکیل و نماینده واقعی اش تحویل ندهند، ادعای نیابت و باییت کردند.

ابوطاهر محمد بن علی بن بلال از کسانی است که برای ثروت اندوزی، ادعای باییت کرد. وی در آغاز کار، نزد امام عسکری علیه السلام فردی مورد وثوق بود و روایاتی از آن حضرت نقل کرده است؛ ولی رفته رفته به دلیل پیروی از هوای نفس، راه انحراف در پیش گرفت و مورد مذمت خاندان وحی واقع شد. وی ادعا کرد که وکیل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او نیابت نایب دوم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شد و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند، خیانت کرد.^(۱)

نایب دوم، راه دیدار وی را با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسان نمود و امام علیه السلام به وی دستور داد: اموال را به نایبشان برگرداند؛ اما او در دشمنی و کثرت خود باقی ماند. پایان کارش آن شد که توقیعی از ناحیه مقدسه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر لعن و نفرین و بیزاری از وی در ضمن افرادی دیگر از جمله حلاج و شلمغانی صادر شد.^(۲)

۳. رسیدن به شهرت

شهرت طلبی نیز از عوامل بسیار مهم در پیدایی باورهای خرافی و مذهب های ساختگی است. اشتیاق به بزرگ شدن و خودنمایی از صفات نکوهیده اخلاقی است که انسان را به سوی کارهای خطرناک می کشاند.^(۳)

۴. انگیزه های سیاسی

یکی دیگر از عوامل پدید آمدن مدعیان باییت، انگیزه های سیاسی است. دشمنان، گاهی به طور مستقیم و زمانی غیرمستقیم برای آن که باور شیعیان را سست کرده و آنان را در پراکندگی فرو برند برخی را تحریک می کنند تا ادعای باییت کنند.

۱- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۴۰۰.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ح ۲، ص ۴۷۴.

۳- ر.ک: تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۹۰.

در این راه، برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرده، به آنان دستور دادند ادعای نبیت کنند و آنان را با همه امکانات در این راه یاری کردند که برای نمونه می توان به «علی محمد باب» اشاره کرد.

آغاز شکل گیری مدعیان دروغین

اشاره

آغاز این جریان، بیشتر به دوران نایب دوم محمد بن عثمان بر می گردد؛ چرا که در زمان نایب نخست (عثمان بن سعید) به دلایل مختلفی، منحرفان نتوانستند فعالیت چشمگیری از خود نشان دهند.

علل وجود نداشتن این دروغگویان در دوره نایب اول عبارتند از:

۱. جایگاه ویژه نایب نخست

عثمان بن سعید از افراد مشهور و مورد اطمینان میان شیعیان بود. وی پیش از نبیت صغرا، از طرف امام هادی و امام عسکری علیهم السلام و به نظر برخی حتی از طرف امام جواد علیه السلام نیز وکالت داشته است. گذشته طولانی او با امامان علیهم السلام، باعث شده بود شهرت و جایگاه ویژه ای میان شیعیان داشته باشد؛ از این رو منحرفان در دوره نبیت وی، نتوانستند ابراز وجود کنند.

۲. شرایط سیاسی و اجتماعی

از آن جا که در اوایل نبیت صغرا، دولتمردان عباسی به شدت مراقب اوضاع بودند و با تمام قوا تلاش می کردند ردپایی از مهدی و یاران او بیابند و آن ها را نابود سازند؛ بدین سبب کسی غیر از عثمان بن سعید، جرأت نمی کرد خود را در چنگال مرگ گرفتار کند؛ لذا فعالیت و نبیت او در آن دوره، یک جهاد بزرگ به شمار می رفت.

۳. عدم عادت مردم

در آن دوره، هنوز برای مردم ارتباط با امام از طریق «نواب» به روشنی تجربه نشده بود؛ از این رو عادت کردن مردم به زمان احتیاج داشت. این کار، در دوره اول صورت گرفت. وقتی منحرفان دیدند مردم به چنین کارهایی عادت کرده اند، خواستند با ادعای دروغین، خود را نایب خاص امام زمان معرفی کنند. (۱)

برای اثبات دروغ بودن ادعاهای باییت در غیبت کبرا و بخشی از غیبت صغرا، دلیل های فراوانی ذکر شده است؛ اما بهترین دلیل، زندگی این افراد است. زندگی خصوصی این افراد نشان می دهد، افزون بر آن که از ایمانی سست برخوردار بودند، انسان هایی حسود و آزمند بودند که برای رسیدن به اهدافشان به کارهای ناشایستی دست می زدند.

البته بیشتر شیعیان با توجه به دلیل هایی چند، هرگز در دام چنین دروغگویانی گرفتار نشدند. برخی از این دلیل ها عبارت بود از:

۱. وقتی علی بن محمد سمري، نایب چهارم، در بستر وفات افتاد، مردم از او خواستند نایب پس از خود را معرفی کند؛ او فرمود:

لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْعُغْهِ؛

خدا را امری است که باید به اتمام رساند.

این سخن علی بن محمد نشان می دهد، هنگام غیبت کبرا فرا رسیده است و دیگر نایبی معرفی نمی شود. چنان که در محل خود ثابت شد، هر نایب باید به وسیله نایب قبل از خود، مشخص شود؛ بنابراین، معرفی نکردن نایب به وسیله علی بن محمد سمري، نشان دهنده نبود نایب و نادرستی همه ادعاهای نیابت است.

۲. امام زمان در توقیعی به علی بن محمد سمري چنین نگاشت:

... وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ؛^(۱)

... و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو، جانشینت باشد که غیبت دوم و کامل واقع شد.

۳. در هیچ روایتی به صراحت یا اشاره از وجود نایب و باب امام زمان پس از نواب اربعه سخن به میان نیامده است.

۴. وجود نص خاص و کرامت، از شرط های اثبات نیابت امام زمان است. نواب اربعه از این شرط ها برخوردار بودند؛ اما مدعیان باییت توان ارائه نص و کرامت را نداشتند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳.

۵. در روایات، غیبت امام زمان علیه السلام به صغرا و کبرا یا تام و غیر تام تقسیم شده است. بی تردید غیبت صغرا را بدان سبب، غیر تام می نامند که در آن دسترسی به امام به صورت غیرمستقیم و از طریق نایب ممکن است. اگر در زمان غیبت کبرا نیز امام زمان نایب یا باب داشته باشد، اصل این تقسیم درست نیست و حتی در زمان غیبت کبرا، غیبت تام محقق نمی شود.

۶. یکی از بهترین راه های اثبات دروغگویی مدعیان نیابت، آن است که این گروه، مردم را به طرف دین خدا و امام زمان دعوت نمی کردند. آنان مردم را به خویش فرا می خواندند؛ بر خلاف نواب اربعه که کسی را به خود دعوت نمی کردند. به عبارت دیگر، آن که هوای نفس دارد، نمی تواند نایب امام زمان باشد. هواپرستی بسیاری از مدعیان دروغین، چنان بود که به ادعای نیابت بسنده نمی کردند و به تدریج به سمت ادعای «مهدوئیت» و «نبوت» پیش می رفتند.

در پایان، گفتنی است که اجماع شیعه بر آن است که پس از علی بن محمد سمري، هیچ کس نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواهد بود. افزون بر اجماع، ضرورت مذهب شیعه نیز بر این است که با وفات علی بن محمد سمري، رشته و کالت و نیابت خاص منقطع شد. (۱)

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین

اشاره

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین از این قرارند:

۱. ابومحمد حسن شریعی

یکی از مدعیان دروغین نیابت، حسن شریعی است. البته به یقین مشخص نیست که اسم او «حسن» باشد؛ بلکه او با لقب معروف شده است. در روایتی که نقل خواهد شد، راوی حدیث به صورت حدس و گمان اسم او را حسن ذکر کرده است. (۲)

مؤلف قاموس الرجال می نویسد:

از حدیثی که شیخ طوسی نقل کرده است. روشن می شود اسم او به صورت

۱- ر.ک: مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۷.

یقین روشن نیست و او به وسیله لقب معروف بوده است و این که «تلعکبری» راوی حدیث، به صورت گمان حکم کرده که اسم او حسن است؛ به سبب این است که او «ابومحمد» بوده و اغلب اسم کسانی که کنیه آن‌ها «ابومحمد» است، حسن می باشد. (۱)

شریعی نخستین کسی است که به دروغ و افتراء ادعای نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را کرد. او پیش تر از یاران امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود؛ ولی پس از آن منحرف شد.

تاریخ ادعای نیابت دروغین او به صورت دقیق بیان نشده است؛ لیکن چون این ادعاهای دروغین، از دوران نایب دوم آغاز شده است، به نظر می رسد وی در دوران سفارت و نیابت محمد بن عثمان، به چنین عملی دست زده است.

دانشوران علم رجال درباره شرح حال او چندان بحث نکرده اند؛ لذا جامع ترین سخن درباره ایشان، کلام شیخ طوسی در کتاب الغیبه است.

شیخ طوسی^۱ درباره «شریعی» می نویسد:

نخستین کسی که به دروغ و افتراء، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام کرد، شخصی معروف به «شریعی» بود. جماعتی از عالمان از ابومحمد تلعکبری از ابوعلی محمد بن همام نقل کرده اند: کنیه شریعی «ابومحمد» بود.

تلعکبری می گفت: «گمان دارم نام وی حسن باشد». او از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آمد. او نخستین کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود. در این خصوص، بر خدا و حجت های پروردگار دروغ بست و چیزهایی به آنان نسبت داد که شایسته مقام والای آنان نبود و آن‌ها از آن به دور بودند؛ از این رو، شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقیعی از جانب ولی عصر علیه السلام درباره لعن و دوری از وی صادر شد. (۲)

۱- قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۸.

۲. محمد بن نصیر نمیری

یکی از رقبای محمد بن عثمان بود که نیابت وی را قبول نداشت و خود مدعی نیابت بود. شیخ طوسی در رجال خود، در اصحاب امام جواد علیه السلام دو بار از او نام برده و هیچ شرحی درباره او انجام نداده است. (۱)

علامه حلی در رجال خود، دو جا از ایشان نام برده، می نویسد:

محمد بن نصیر نمیری کسی است که امام هادی علیه السلام او را لعن کرده است.

در جایی دیگر می گوید:

ابن غضائری درباره او گفته است: «محمد بن نصیر از نظر علمی، از فضلالی بصره بود [و از نظر عقیدتی] ضعیف بود. فرقه «نصیری» را او تأسیس کرده و به او نسبت داده می شود». (۲)

در رجال کشی نیز شرح حال او مطرح است. به نظر مرحوم کشی امام هادی علیه السلام سه نفر را لعن کرده که یکی از آن ها محمد بن نصیر نمیری است. (۳) در جای دیگر از «عبیدی» نقل می کند که:

امام حسن عسکری علیه السلام بدون این که من سؤالی از او پرسم نامه ای به سوی من فرستاد و در آن نامه از محمد بن نصیر نمیری و حسن بن محمد بن باباقمی، اعلان انزجار کرده، فرمود: تو و همه دوستانان ما، از آنان دوری جوید و من آن ها را لعن می کنم و لعنت خدا نیز بر آن ها باد! آنان از نام ما سوء استفاده کرده و اموال مردم را می خورند و فتنه انگیزی می کنند! آنان ما و شیعیان ما را اذیت کردند. خداوند آن ها را اذیت کند و آنان را در فتنه ای که ایجاد کرده اند، مغلوب و نابود سازد! (۴)

۱- شیخ طوسی، رجال، ص ۴۰۵، رقم ۷ و ص ۴۰۷ رقم ۲۳.

۲- علامه حلی، رجال، ص ۲۵۴ و ۲۵۷.

۳- کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵.

۴- کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵.

۳. ابوظاهر محمد بن علی بن هلال

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، ابوظاهر محمد بن علی بن بلال در ابتدای کار، نزد امام حسن عسکری علیه السلام فردی مورد اعتماد بود و روایاتی چند از آن حضرت نقل کرده است؛ ولی رفته رفته به سبب پیروی از هوای نفس، راه انحراف در پیش گرفت و مورد مذمت خاندان وحی واقع شد. وی، ادعا کرد وکیل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او نیابت نایب دوم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شد و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند، خیانت کرد. (۱)

نایب دوم، زمینه دیدار وی را با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کرد. امام به وی فرمان داد: اموال را به نایبشان رد کند؛ اما او در دشمنی و انحراف خود باقی ماند. پایان کارش آن شد که توقیعی از ناحیه مقدسه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مبنی بر لعن و نفرین و بیزاری از وی در ضمن افرادی دیگر از جمله حلاج و شلمغانی صادر شد.

۴. حسین بن منصور حلاج

حسین بن منصور حلاج، حدود سال ۲۴۴ق در قریه «طور» از قرای بیضای فارس (هفت فرسنگی شیراز) زاده شد. وی با پدرش منصور از بیضا، به واسط رفت و در آن جا علوم اسلامی را آموخت و در بیست سالگی به بصره رفت. مرید صوفی آن سامان شد و به دست او خرقه تصوف پوشید. در سال ۲۷۰ق به مکه سفر کرد و از آن جا به اهواز رفت و به دعوت پرداخت. حلاج برای دعوت به مذهب صوفیانه خود که جنبه «حلولی» داشت به مسافرت می پرداخت. وی در آغاز خود را رسول امام غایب و باب آن حضرت معرفی می کرد؛ به همین سبب علمای علم رجال شیعه، او را از مدعیان «باییت» شمرده اند.

نام او ابوالمغیث حسین بن منصور حلاج بود که در سال ۳۰۹ق کشته شد. حلاج پس از ادعای باییت، بر این شد که ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (متکلم امامی) را در سلک یاران خود در آورد و به تبع او، هزاران شیعه امامی را که در قول و فعل تابع او

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۰.

بودند، به عقاید حلولی خویش معتقد سازد؛ به ویژه آن که جماعتی از درباریان خلیفه به حلاج، حسن نظر نشان داده و جانب او را گرفته بودند.

ولی ابوسهل که پیری مجرب بود، نمی توانست ببیند او با مقالاتی تازه، خود را معارض حسین بن روح نوبختی وکیل امام غایب معرفی می کند.

اسماعیل در پاسخ گفت: «وکیل امام زمان علیه السلام باید معجزه داشته باشد. اگر راست می گویی، موهای مرا سیاه کن. اگر چنین کاری انجام دهی، همه ادعاهایت را می پذیرم». ابن حلاج که می دانست ناتوان است، با استهزای مردم روبه رو شد و از شهر بیرون رفت. آن گاه به قم شتافت و به مغازه علی بن بابویه، (پدر بزرگوار شیخ صدوق) رفت و خود را نماینده امام زمان علیه السلام خواند. مردم بروی شوریدند و او را با خشونت از شهر بیرون افکندند. ابن حلاج، پس از آن که جمعی از خراسانیان ادعایش را پذیرفتند، دیگر بار به عراق شتافت. (۱)

در این زمان، چون فقه امامیه از سوی خلفا به رسمیت شناخته نشده بود، شیعیان در میان مذاهب اهل سنت «مذهب ظاهری» را که مؤسس آن، ابوبکر محمد بن داوود اصفهانی است، پذیرفته بودند.

رؤسای امامیه و خاندان نوبختی، برای برانداختن حلاج ناچار به محمد بن داوود ظاهری متوسل شدند و او را به صدور فتوایی وا داشتند که در سال ۲۹۷ق و اندکی پیش از مرگ خود در وجوب قتل حلاج انتشار داده بود. ابوالحسن علی بن فرات، وزیر شیعی مذهب مقتدر (خلیفه عباسی) نیز در تکفیر حلاج به آل نوبخت کمک کرد.

حلاج در سال ۲۹۶ق به بغداد رفت و مردم را به طریقه خاصی مبتنی بر نوعی تصوف آمیخته با گونه ای «حلول» دعوت کرد. ابوالحسن بن فرات، وی را تعقیب کرد و ابن داوود فتوای معروف خود را در حلیت خون او صادر نمود. وی در سال ۳۰۱ق به دست کارگزاران خلیفه گرفتار شد و به زندان افتاد.

۱- ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۸؛ صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۳۲.

پس از هفت ماه محاکمه، علمای شرع او را مرتد و خارج از دین اسلام شمردند (۲۴ ذیقعده ۳۰۹ق) و به فرمان مقتدر و وزیر او حامد بن عباس به دار آویخته شد. (۱) سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر بالای جسر بغداد زدند.

۵. ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی

پیش از این گفته شد شلمغانی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از دانشمندان، دبیران و محدثان زمان خود در بغداد بود. کتاب های بسیاری داشت و در آن ها، انبوه روایاتی را که از امامان اهل بیت علیهم السلام شنیده بود، گردآوری و دسته بندی کرده بود. (۲)

هنگامی که راه انحراف و ارتجاع را در پیش گرفت و از نظر اندیشه، عقیده و عملکرد تغییر یافت؛ در روایات تغییراتی ایجاد می کرد؛ هر چه می خواست بر آن ها می افزود و هر چه دلخواه او بود، کم می کرد.

همان گونه که پیش از نیز یاد شد، نجاشی در رجال خود می نویسد:

ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی از پیروان مذهب امامیه بود؛ اما رشک و حسد بر مقام ابوالقاسم حسین بن روح، وی را بر آن داشت که ترک مذهب امامیه گوید و داخل کیش های مردود شود؛ تا بدان جا که از طرف امام غایب توقیعاتی بر ضد او صادر شد. سرانجام به امر سلطان (دولت) به دار آویخته شد. (۳)

حسین بن روح، از سال انتصاب خود به مقام نیابت سوم (جمادی الآخر ۳۰۶ق) در بغداد با عزت و احترام می زیست و خاندان آل فرات که وزارت بنی عباس به دست ایشان بود، از طرفداران شیعه بوده و از او حمایت می کردند.

در ربیع الاول سال ۳۱۲ق وزارت به حامد بن عباس انتقال یافت و آل فرات و کسان ایشان از کار بر کنار شده و به زندان افتادند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۱، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۶۲.

۲- نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳- نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۹۴.

پس از آن، حسین بن روح نیز به زندان افتاد و تا سال ۳۱۷ق (مدت پنج سال) در حبس ماند. وی، پیش از افتادن به زندان، مدتی پنهان می زیست و چون اعتمادی کامل به ابن ابی العزاقر داشت، او را به نیابت خود برگزید. شلمغانی واسطه بین او و شیعیان شد. توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از سوی حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و مردم برای رفع حوایج و حل مشکلات، به او رجوع می کردند. (۱)

پس از این زمان، شلمغانی به ادعا های باطل پرداخت و از مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه انحراف جست. حسین بن روح در زندان، از انحرافش مطلع شد و از همان جا در ذی حجه سال ۳۱۲ق توقیعی در لعن ابی العزاقر به شیخ ابوعلی محمد بن همام اسکافی بغدادی که از بزرگان شیعه بود، فرستاد و از وی تبری جست. (۲)

مردم پس از صدور لعن شلمغانی، نزد حسین بن روح شتافتند و گفتند: «خانه های ما از آثار شلمغانی انباشته است، چه کنیم؟» فرمود: «نظر من، درباره کتاب های او همان چیزی است که امام عسکری علیه السلام درباره کتاب های بنی فضال فرمود: "...خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَذَرُّوا مَا رَأَوْا؛ اعتقادات آنان را کنار گذارید و آنچه نقل کرده اند، بپذیرید". (۳)

به نظر شیخ طوسی علت کشته شدن شلمغانی چنین بود: زمانی که ابوالقاسم حسین بن روح او را آشکارا لعن کرد و همه جا شهرت یافت و مردم از وی دوری جستند. تمام شیعیان از او بر حذر بودند؛ به طوری که نتوانست به حيله ها و نیرنگ های خود ادامه دهد. روزی در محفلی که رؤسای شیعه حاضر بودند و همه لعن شلمغانی و دوری از او را از ابوالقاسم حسین بن روح نقل می کردند، شلمغانی به حاضران گفت: من و او (حسین بن روح) را در جایی بخواهید تا من دست او و او هم دست مرا بگیرد و در حق یکدیگر نفرین کنیم. اگر آتش نیامد و او را نسوزاند، هرچه او درباره من گفته، درست است. این خبر در خانه ابن مقله اتفاق افتاد و از آن جا به گوش «الراضی بالله» خلیفه

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۳.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴؛ و نیز ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۳.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۷.

عباسی رسید. «راضی» هم دستور داد او را دستگیر کرده و به قتل رساندند؛ بدین گونه شیعیان از شرّ او راحت شدند. (۱) این اتفاق، سال ۳۲۳ق رخ داد. (۲)

۶. احمد بن هلال کرخی

احمد بن هلال، اهل روستای بزرگی از منطقه «نهروان» بود که میان واسط و بغداد قرار دارد. گفته شده است: وی از یاران حضرت هادی علیه السلام یا امام عسکری علیه السلام بود. به غلو مشهور به علو و مورد لعن و نفرین ابدی است.

نخست از افراد مورد اطمینان حضرت عسکری علیه السلام و از اصحاب خاص و روایت کننده از امامان معصوم علیهم السلام بود. ۵۴ مرتبه به زیارت خانه خدا رفت که بیست مرتبه آن با پای پیاده بود.

اما دچار کژی شد؛ به گونه ای که حضرت عسکری علیه السلام او را بسیار نکوهش کرد و در باره اش فرمود: «از این صوفی ریا کار و بازیگر پروا کنید». (۳)

برخی نیز این جمله را در نکوهش او، از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند که در هر حال نشانگر پلیدی و گمراهی این مرد است.

او تا زمان نیابت محمد بن عثمان زیست و با سماجت بسیار، سفارت آن جناب را انکار کرد. توقیع مبارکی از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره لعن و نفرین بر او و لزوم اظهار بیزاری از کارهایش صدور یافته است. (۴)

بیشتر کتاب های رجالی، او را به «عَبْرَتایی» ملقب می دانند. (۵) شیخ طوسی در کتاب الغیبه وی را «کرخی» نامگذاری کرده و به او «بغدادی» نیز گفته شده است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۲.

۳- رجال کشی، ص ۵۳۵.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

۵- ابی داود، رجال، ص ۴۲۵؛ رجال طوسی، ص ۳۸۴؛ رجال علامه، ص ۲۰۲.

از تاریخ، فهمیده می شود احمد بن هلال تا آخر سفارت و نیابت نایب نخست منحرف نشده بود؛ لکن به مجرد وفات عثمان بن سعید در نایب دوم شک کرد و نیابت او را نپذیرفت. (۱)

شیعیان هم پس از عزل، او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند. پس از مرگ وی توقیعی از سوی ولی عصر علیه السلام به دست حسین بن روح به شرح ذیل صادر شد:

خداوند از فرزند هلال نگذرد که بدون اجازه و رضایت ما، در کار ما مداخله و فقط به میل خود عمل می کرد! تا آن که پروردگار، با نفرین ما زندگی اش را به انجام رساند. ما در زمان حیاتش نیز انحرافش را به خواص شیعیان خود اعلام کردیم. این را به هر کس که درباره او می پرسد، برسانید. هیچ یک از شیعیان ما معذور نیست در آنچه افراد مورد اعتماد از ما نقل می کنند، تردید کند؛ زیرا می دانند ما اسرار خود را با آنان می گوئیم».

آن حضرت در توقیعی دیگر فرمود:

ابن هلال، ایمان خود را پایدار نداشت و با آن که مدت طولانی خدمت کرد، به دست خود ایمانش را به کفر دگرگون ساخت و خدا نیز او را کیفر داد. (۲)

آنچه یاد شد، فقط برخی از مدعیان دروغین در دوران غیبت بود. پرداختن به همه مدعیان، مجال بسیار گسترده ای می طلبد که در حوصله این نوشتار نیست. علاقه مندان می توانند به کتاب های مفصلی که در این باره تدوین شده است، مراجعه کنند.

البته این انحراف ها و ادعاها در هر دوره به گونه ای بوده است. در درس بعد، برای نمونه و گذرا به یکی از انحراف های بزرگ معاصر اشاره خواهیم کرد.

۱- صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۰۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

خودآزمایی

۱. درباره مدعیان دروغین نیابت توضیح داده، به برخی انگیزه های آن ها از این ادعا اشاره کنید.
۲. فعالیت مدعیان نیابت از چه زمانی آغاز شد و به چه دلایلی پیش از آن این ادعا به صورت جدی مطرح نشد؟
۳. شیعیان با توجه به چه دلیل هایی در دام مدعیان دروغین نیابت قرار نگرفتند؟ به سه مورد اشاره کنید.
۴. نخستین مدعی دروغین نیابت در دوران غیبت چه کسی بود؟ توضیح دهید.
۵. درباره ادعای دروغین حسین بن منصور حلاج توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ ق.
۲. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۳. علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۴. مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، حضور، ۱۳۸۳ ش.

درس یازدهم: انحراف از مهدویت (۲)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

از شیخیه تا بهائیه

شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ

باییت، یک انحراف بزرگ

زمینه های پیدایی باییت

بهائیت، استمرار انحراف

آیین ها و باورهای بهائیان

انجمن حجّیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت

پیش در آمد

شکی نیست شمار جریان های انحرافی از مهدویت به ویژه در دوران غیبت بسیار افزون بر آن است که در مجال یک درس و حتی یک کتاب بگنجد؛ از این رو ناگزیر در این درس فقط به برخی جریان هایی اشاره خواهیم کرد که امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است و علاقه مندان را به کتاب های مفصل ارجاع می دهیم.

یکی از انحراف های بزرگ و پر دامنه در دوران معاصر «باییت» و «بهائیت» است؛ امّا پیش از پرداختن به این دو انحراف، لازم است به ریشه های فکری ای که باعث پیدایش «باییت» و «بهائیت» شد، اشاره ای کوتاه شود.

شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ

شیخیه، فرقه ای منشعب از شیعیان دوازده امامی است که براساس تعالیم شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ ق)، در نیمه اول قرن سیزدهم پدید آمد.

اساس این مذهب، مبتنی بر ترکیب برخی از افکار عرفانی و عقاید غالیان با اخبار آل محمد علیهم السلام است. آموزه های ویژه بنیان گذار این فرقه، غیر از آن که مایه انشعاب داخلی فرقه شد، زمینه ساز پیدایش دو فرقه منحرف «باییت» و «بهائیت» نیز گردید.

شیخ احمد، مشهور به «احسائی»، فرزند زین الدین بن ابراهیم در رجب ۱۱۶۶ ق، در منطقه «احساء» در شرق عربستان چشم به جهان گشود و در ذی قعدة سال ۱۲۴۱ ق به دیار باقی شتافت.

احسائی، در سال ۱۱۸۶ ق برای تحصیل علم رهسپار عتبات شد. وی افزون بر فقه و اصول و حدیث، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات و فلسفه مطالعاتی داشته است.

شیخ احمد در سال ۱۲۲۱ ق عازم زیارت مشهد رضوی شد و در راه بازگشت، در یزد توقیفی کرد. اهل یزد، از او استقبال گرمی به عمل آوردند و وی به اصرار ایشان، در یزد مقیم شد و شهرت بسیاری کسب کرد. (۱)

در این زمان که آوازه احسائی در ایران پیچیده بود، فتحعلی شاه قاجار از وی برای اقامت در تهران، دعوت به عمل آورد. احسائی ابتدا دعوت شاه را نپذیرفت؛ اما سرانجام به تهران رفت؛ ولی اصرار شاه را مبنی بر مقیم شدن در تهران نپذیرفت و در سال ۱۲۲۳ ق به همراه خانواده اش به یزد بازگشت.

احسائی در سال ۱۲۲۹ ق در راه زیارت عتبات، به کرمانشاه وارد شد و با استقبال مردم و حاکم کرمانشاه روبه رو گشت. که وی را به اقامت راضی کرد. اقامت او در کرمانشاه ده سال طول کشید.

شیخ احمد در سال ۱۲۴۱ ق راهی مکه شد؛ اما در دو منزلی مدینه در گذشت و در قبرستان بقیع دفن گردید. (۲)

مقام علمی و اجازه روایت

شیخ احمد، تا بیست سالگی در «احساء» علوم دینی متداول را فرا گرفت؛ اما از زندگی تحصیلی وی چیزی در دسترس نیست. برخی از شیخی مذهببان بر این عقیده اند که وی در مراحل بعد، استاد خاصی نداشت و استفاده های او، از مجالس درس عالمان، تحصیل

۱- ر.ک: احسائی، عبدالله، شرح احوال شیخ احمد احسائی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۱۹ ۲۳.

۲- احسائی، عبدالله، شرح احوال شیخ احمد احسائی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۲۶ ۴۰.

به معنای متعارف نبود؛ به ویژه آن که او در جایی از آثارش، با کسی با عنوان استاد، استناد نکرده است. (۱)

احسایی در سال ۱۱۸۶ ق، مقارن با آشوب های ناشی از حملات عبدالعزیز حاکم سعودی به «احساء»، به کربلا و نجف مهاجرت کرد و در درس عالمانی چون سید مهدی بحر العلوم و آقا محمد باقر وحید بهبهانی، حضور یافت و در مدت اقامت در عتبات، اجازه های متعددی دریافت کرد. (۲)

مهم ترین مشایخ اجازه روایی شیخ احمد احسایی عبارتند از: سید مهدی بحر العلوم، میرزا محمد مهدی شهرستانی، آقا سید علی طباطبایی (معروف به صاحب ریاض)، شیخ جعفر کاشف الغطاء، و شیخ حسین آل عصفور. (۳)

احسایی، شاگردان بسیار داشت که از میان ایشان، سید کاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ ق)، پس از وفات احسایی در بسط و ترویج افکار او، کوشید و جانشین وی بود. (۴)

شیخ احمد احسایی، گرچه به وارستگی و علم ستوده شده است، آرا و نظریاتش، از خطا مصون نبود و برخی از عالمان معروف آن عصر، با انتقاد جدی از اندیشه ها و لغزش های وی، او را «غالی»، «منحرف» و حتی «کافر» خواندند.

در قزوین، ملا محمد تقی برغانی شیخ احمد را به دلیل دیدگاه وی درباره معاد جسمانی تکفیر کرد. شیخ احمد معتقد بود انسان با جسم این جهان وارد قیامت نشده بلکه با جسم هورقلیایی از قبر بیرون می آید.

حکم تکفیر شیخ، در ایران، عراق و عربستان، نشر یافت. شاخص اندیشه غلو آمیز او که باعث تکفیر وی از سوی علمای دیگر بلاد شد، این است که وی ائمه اطهار را علل اربعه کائنات (علت فاعلی، مادی، صوری و غایی) معرفی می کند. (۵)

۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۲.

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: اجازات الشیخ احمد الأحسائی، حسین علی محفوظ، ص ۳۷-۴۰.

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: انوار البدرین، علی بحرانی، به کوشش محمد علی طبسی، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ چند اجازه، احمد احسایی، ص ۱ و ۲ و ۷؛ دلیل المتحیرین، سید کاظم رشتی، ص ۵۱-۵۵.

۴- ۱۹. ر.ک: ابراهیمی، ابوالقاسم، فهرست کتب مشایخ عظام، ص ۱۱۵ و....

۵- ۳۴. ر.ک: شرح الزیارة الجامعه الکبیره، ج ۳، ص ۶۵، ۲۹۶-۲۹۸؛ ج ۴، ص ۴۷ و ۴۸، ۷۸.

چنین دیدگاه غلوآمیزی، علاوه بر آن که خود گناه بزرگی است، زمینه پیدایش افکار دیگری (مثل ادعای الوهیت، تجلی ذات حق، و حلول حق تعالی در افراد و...) شده است.

پیروان این فرقه مجموعاً از مردم بصره، حلّه، کربلا، قطیف، بحرین و بعضی از شهرهای ایران بودند.^(۱)

سید کاظم رشتی، جانشین احساسی

سید کاظم رشتی از سادات مهاجر حجاز به رشت در سال ۱۲۱۲ ق در رشت به دنیا آمد. او در جوانی در یزد به شیخ پیوست و همیشه ملازم او بود. شیخ احمد احساسی پیش از وفات خود، سید کاظم رشتی را جانشین خود ساخت. پیروان وی نیز بی هیچ اختلافی، سید را به پیشوایی خویش پذیرفتند.

طایفه شیخی که در احترام قبور ائمه اطهار، غلو داشتند، در بالای ضریح حسینی، نماز نمی گذاردند و آن مکان را فوق العاده تقدیس می کردند. مخالفان آنان، از روحانیان شیعه و پیروان آنان که در بالای سر ضریح امام حسین علیه السلام نماز می خواندند، در مقابل «شیخی»، «بالاسری» نامیده شدند.

دوره ریاست سید رشتی، شانزده سال طول کشید. طایفه شیخی، همه جا، طبق تعلیمات شیخ احمد و سید کاظم، معالم دین خود را به جای می آوردند و خود را از دیگر فرقه های شیعه ممتاز می دانستند.

سید رشتی، زمانی به جای استاد نشست که کمتر از سی سال سن داشت. وی، به سبب نطق و قلم و تصنیف و تألیف کتاب، عهده دار انتشار افکار استاد خود شد. او، در تمام مدت پیشوایی خود، به ایران سفر نکرد و مرکز خود را همان عتبات عالیات قرار داد و از آن جا، با هند و ممالک عثمانی و حجاز، رابطه داشت. و در سال ۱۲۵۹ ق در کربلا از دنیا رفت.

۱- ر.ک: شریف یحیی الأمين، معجم الفرق الاسلامیه، ص ۱۴۹.

یکی از شاگردان وی، حاج محمد کریم خان قاجار (۱۲۲۵-۱۲۸۸ ق) مؤسس فرقه شیخیه کرمانیه است. سید علی محمد شیرازی، معروف به «باب» نیز از شاگردان سید کاظم رشتی است.

برخی علمای آذربایجان نیز نزد شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شاگردی کرده و شیخیه آذربایجان را تأسیس کردند. خانواده های ثقه الاسلام، حجه الاسلام و احقاق، سه طایفه معروف شیخیه آذربایجان هستند. میرزا موسی احقاقی و فرزندانش ریاست شیخیه آذربایجان را عهده دار بودند و به نقد تفکرات شیخیه کرمانیه و بایه و بهائیت پرداختند. اکنون مرکز این گروه کویت است و فرق چندانی با امامیه ندارند.

بدعت رکن رابع

از موضوعات جنجال برانگیز در عقاید شیخیه، اعتقاد به «رکن رابع» است. (۱) اکثراً، آن را به سید کاظم رشتی نسبت می دهند. مقصود از رکن رابع، آن است که میان شیعیان، شیعه کاملی وجود دارد که واسطه فیض میان امام عصر علیه السلام و مردم است. آنان، اصول دین را چهار چیز می دانند: توحید، نبوت، امامت و رکن رابع. آنان، معاد و عدل را از اصول عقاید نمی شمارند؛ زیرا، اعتقاد به توحید و نبوت، خود، مستلزم اعتقاد به قرآن است و چون در قرآن عدالت خدا و معاد ذکر شده است، لزومی ندارد این دو اصل را در کنار توحید و نبوت قرار دهیم. همان گونه که ملاحظه شد، این عقیده، بر خلاف عقاید شیعه است و مسلمانان، به طور عموم، معاد را از اصول دین می دانند.

طرح «رکن رابع»، سبب اختلاف و انشعاب در شیخیه گردید و پس از اندکی، دستاویزی برای ادعای جدید به نام «باییت» شد. ادعای «باییت» از سوی یکی از شاگردان سید کاظم رشتی صورت گرفت که خود، سرآغاز فساد بزرگ میان مسلمانان به شمار می رود.

ادعای دروغین «باییت»، از زمان امامان علیهم السلام تا قرن حاضر، کم و بیش رواج داشته است، اما هیچ یک از مدعیان دروغین آن، به اندازه ی میرزا علی محمد باب، جامعه

اسلامی را به انحراف نکشانند. علاوه بر آن چنان که خواهد آمد میرزا علی محمد باب، غیر از ادعای دروغین بابت، ادعای دیگری مطرح کرد که زمینه ساز فرقه دیگری به نام «بهائیت» شد.

بابیه، یک انحراف بزرگ

اشاره

«باب» در لغت فارسی به معنای پدر، سزاوار، ملائیم، متعارف و حاجب است. در عربی نیز به معنای «در» و «محل ورود و خروج» به کار می رود. راغب اصفهانی می گوید: محل دخول و ورود به چیزی را باب می خوانند؛ مانند «باب المدینه» یا «باب البیت».

در روایات فراوانی، از پیشوایان معصوم علیهم السلام با عنوان «بابُ الله» یاد شده است. (۱) در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟» (۲)

بنابراین باب، یعنی چیزی که می توان به وسیله آن به چیز دیگر رسید. حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بَابُهَا» (۳) بدان معنا است که به وسیله حضرت علی علیه السلام می توان به شهر علم دست یافت. از دیگر موارد، می توان به «بَابُ الْحَوَائِجِ»، «بَابُ حِطَّةِ»، «بَابُ مَدِينَةِ عِلْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ» (۴)، «بَابُ الْحِكْمَةِ» و «بَابُ اللَّهِ» اشاره کرد.

اما «باب» امامان علیهم السلام در اصطلاح، به کسی گفته می شود که به معصومان علیهم السلام بسیار نزدیک است و در همه کارها یا کاری خاص، نماینده مخصوص آنان شمرده می شود (۵). بر این اساس، می توان وکیل یا نماینده امام را «باب» امام نامید.

- ۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۷؛ و ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹؛ تهذیب، ح ۶، ص ۲۷.
- ۲- سید بن طاوس، الاقبال، ص ۲۹۷.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴، ح ۳۳۱۴۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶.
- ۴- ر.ک: ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۲۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۶؛ شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ شیخ طوسی، أمالی، ص ۵۲۵؛ الاقبال، ص ۶۱۰.
- ۵- ر.ک: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

چنان که ابن شهر آشوب می نویسد: جمعی از اصحاب امامان علیهم السلام باب آن بزرگواران بوده اند؛ مانند «رشید هجری» باب سید الشهداء علیه السلام (۱)، «یحیی بن ام الطویل مطعمی» باب حضرت سجاد علیه السلام (۲)، «جابر بن یزید جعفی» باب امام باقر علیه السلام (۳).

متأسفانه رفته رفته این واژه با سوء استفاده مدعیان دروغین به ویژه «باییت» روبه رو شد. ادعاهای نادرست کسانی چون سید علی محمد باب، این واژه را از جایگاه واقعی اش دور و متروک ساخت؛ به گونه ای که امروزه کمتر درباره نمایندگان امام معصوم علیه السلام به کار می رود و بیشتر برای اشاره به کسانی است که به دروغ، خود را نماینده معصومان معرفی می کنند.

در عصر حاضر مشهورترین مدعی باییت، سید علی محمد شیرازی است. از آن جا که او در ابتدای دعوتش، مدعی باییت امام دوازدهم شیعه بود و خود را راه ارتباط با امام زمان علیه السلام می دانست، ملقب به «باب» گردید و پیروانش «بابیه» نامیده شدند.

سید علی محمد در سال ۱۲۳۵ ق در شیراز به دنیا آمد. او در کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی عموی خود حاج سید علی تربیت یافت. در نوزده سالگی همراه دایی خود رهسپار بوشهر شد و مدت پنج سال در آن شهر به کسب مشغول بود. وی جوانی عابد و ریاضت کش بود. زی سیادت و طلبگی و کسوت روحانیت و خوی خوش و سیمای جذاب و قیافه محبوب او توجه بوشهریان را جلب کرد و جمعی را مجذوب و مرید او ساخت. وی برای طلب علم رهسپار عراق شد و در کربلا در سلک شاگردان و مریدان سید کاظم رشتی (۱۲۰۳۱۲۵۹) در آمد. در آن ایام، بعضی شیعیان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک می دانستند. سید رشتی نیز در مقالات و دروس خود، آتش انتظار ایشان را دامن می زد. سید علی محمد، ضمن دو سه سالی که در حوزه سید محمد کاظم دانش می آموخت توجه استاد را به خود جلب کرد.

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۱.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۰.

پس از درگذشت سید کاظم رشتی، شاگردان و مریدانش برای یافتن «رکن رابع» به تکاپو افتادند. در این باره، میان چند تن از شاگردان سید کاظم از جمله سیدعلی محمد رقابت سختی در گرفت. سرانجام سید علی محمد پا را از جانشینی سید کاظم فراتر نهاده خود را «باب امام دوازدهم» معرفی کرد. و هجده تن از شاگردان سید کاظم که نزد بابیان، به حروف حی مشهورند، به باب ایمان آوردند. هر کدام از آنان، در شهرستانی به تبلیغ پرداخته، و جمعی را به آیین باب در آوردند.

در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای باییت امام زمان علیه السلام فراتر نرفته بود، به دستور والی فارس در سال ۱۲۶۱ ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد. پس از آن، وقتی در مناظره با علمای شیعه شکست خورد، اظهار پشیمانی کرد و در حضور مردم گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند! لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند!». پس از این واقعه، شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آن جا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد.

در همین قلعه، با مریدانش مکاتبه داشت و از این که می شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشند، به شوق افتاد و کتاب بیان را در همان قلعه نوشت. دولت محمد شاه قاجار برای آن که پیوند او را با مریدانش قطع کند، در سال ۱۲۶۴ ق وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد. پس از چندی، وی را به تبریز برده و در حضور چندتن از عالمان محاکمه کرد.

علی محمد، در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و «باییت امام زمان» را که پیش از آن ادعا کرده بود، به «باییت علم الله» تأویل کرد.

علی محمد در مجالس عالمان نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسایل دینی پرسیدند، از پاسخ فرو ماند و جمله های ساده عربی را غلط خواند. در نتیجه وی را چوب زده و تنبیه کردند. او از دعاوی خویش تبری جست و توبه نامه نوشت؛ اما این توبه نیز مانند توبه قبلی، واقعی نبود؛ از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد. پس از مرگ محمدشاه قاجار در سال ۱۲۶۴ ق مریدان علی محمد، آشوب هایی در کشور پدید آوردند و در مناطقی به قتل و غارت مردم پرداختند. در این

زمان، میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه تصمیم به قتل علی محمد و فرو نشانیدن فتنه بابیه گرفت و برای این کار، از عالمان فتوا خواست. برخی عالمان به دلیل دعاوی گوناگون و متضاد او و رفتار جنون آمیزش، شبهه دیوانه بودن را مطرح کرده و از صدور حکم اعدام او خودداری کردند؛ اما برخی دیگر وی را مردی دروغگو و ریاست طلب شمردند و به قتل او حکم دادند. علی محمد همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز اعدام شد.^(۱) وی پیش از مرگ خود، میرزا یحیی نوری، معروف به صبح ازل را جانشین خود معرفی کرد.

آرا و عقاید باب

عقاید باب را می توان عقایدی آمیخته از تعالیم صوفیان، باطنی ها، غالیان شیعه و شیخیه دانست که با برداشتی باطنی از برخی آیات و روایات و تغییر و تبدیل آن و احکام و قوانین به صورت یک مذهب و مسلک، بین بابیان ترویج شده است؛ از این رو می توان گفت سید علی محمد باب از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت.

آنچه از مهم ترین کتاب او نزد پیروانش، یعنی کتاب بیان، فهمیده می شود آن است که وی خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می پنداشته است^(۲) و عقیده داشته که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است.^(۳) به علاوه، سید علی محمد خود را «من یظهره الله» خوانده است و در ایمان پیروانش بر آن، تأکید فراوان دارد.^(۴) سید علی محمد در حقانیت این آرا پافشاری کرده و در برخورد با افرادی که بابی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده است. در بیان فارسی، فرمان می دهد همه کتاب ها را محو و نابود کنند؛ جز کتبی که درباره آیین وی پدید آمده یا می آید. همچنین تأکید کرده است پیروانش جز کتاب بیان و آنچه بدان

۱- ر.ک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب.

۲- بیان عربی، ص ۱.

۳- لوح هیکل الدین، ص ۱۸.

۴- بیان عربی، ص ۵۶.

وابسته می شود، نیاموزند(۱). افکار سیدعلی محمد باب، مجموعه ای است از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تأویل گرایان) و صوفیان و کسانی که به علم حروف و اعداد گرایش داشته اند و نیز پاره ای از دعاوی(۲).

از آنچه گفته شد می توان برخی باورهای بابیه را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اعتقاد به تجسد خداوند در «هیکل» میرزا حسین علی با تجلی و جلوه خدا در بهاء؛

۲. منسوخ بودن ادیان پیشین و رسالت جدید؛

۳. انکار قیامت؛

۴. اعتقاد به «من یظهره الله».

بهائیت، استمرار انحراف

بهائیت، (۳) استمرار انحراف

بهائیت، فرقه ای منشعب از آیین بابیه است. بنیان گذار آیین بهایی، میرزا حسین علی نوری، معروف به بهاء الله است. این آیین نیز نام خود را از همین لقب برگرفته است. وی در سال ۱۲۳۳ق در تهران به دنیا آمد و مانند برادرانش آموزش های مقدماتی ادب فارسی و عربی را زیر نظر پدر و معلمان و مربیان گذراند. در زمان ادعای باییت سید علی محمد شیرازی، در جمادی الاولی ۱۲۶۰، او جوانی ۲۸ ساله و ساکن تهران بود که در پی تبلیغ نخستین پیرو باب، ملاحسین بشرویه ای معروف به "باب الباب" در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد. از آن پس، همراه برادرش، میرزا یحیی صبح ازل یکی از فعال ترین افراد بابی شد و به ترویج بابی گری به ویژه در نور و مازندران پرداخت.

پیدایش فرقه «بهائیه»

اشاره

در دوران جانشینی صبح ازل، حسین علی مسؤول تمام امور بابی بود. رقابت دو برادر بر سر رهبری «بابیان» کم کم به اوج خود رسید تا جایی که طرفین یک دیگر را به مرگ تهدید کردند؛ بنابراین در سال ۱۲۸۵ ق به دستور دولت عثمانی، یحیی صبح ازل به

۱- بیان عربی، ص ۱۵.

۲- دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۹.

۳- صدری، محمود، مقاله بهائیت، دانشنامه جهان اسلام.

قبرس، و حسین علی بهاء به عکا در سرزمین فلسطین تبعید شدند. در راه فلسطین، میرزا حسین علی ادعای من یظهره اللّهی کرد. در همین ایام بود که برای تشخیص طرفداران آن دو، اطرافیان صبح ازل به فرقه «ازلیه» و پیروان میرزا حسین علی بهاء، فرقه «بهائی» نامیده شدند.

اما با مرگ یحیی صبح ازل، ازلیه و به تبع آن، بایبان برای ابد فراموش شدند.

سرانجام دعوت میرزا بهاء

وقتی میرزا حسین علی احساس کرد دعوت او مؤثر افتاد و عدّه ای گرد او حلقه زدند، نوع دعوتش را در مراحل گوناگون زمانی تغییر داد. وی پس از ادعای «من یظهره الله» ادعای رسالت و شاریت و سپس ادعای حلول روح خدا در او به نحو تجسد و تجسم کرد. او با عبارت «انا الهیکل الاعلی» از این مطلب یاد می کرد.

لازم ذکر است که بهاء در بغداد و اسلامبول و ادرنه و نیز در عکا همواره با تقیه و تظاهر به اسلام زندگی می کرد، تا خشم حکومت عثمانی را بر ضد خود بر نینگیزد. وی در نماز جمعه عکا شرکت می جست و در ماه رمضان، به روزه داری تظاهر می کرد؛ با این حال، رابطه سزّی خود را با «بایبان» ایران که بعدها «بهائی» نام گرفتند، قطع کرده و همواره مکتوبات و وحی های ادعایی، یا تجلیات «خدا منشآنه» خود را برای آنان می فرستاد یا باز می گفت.

وی سرانجام در سال ۱۸۹۲م (حدود ۱۳۰۹ق) پس از سال ها سکونت در عکا در گذشت و آن جا به خاک سپرده شد.

میرزا حسین علی، آثار متعددی نگاشت که مهم ترین آن ها عبارت است از: ایقان در اثبات قائمیت سید علی محمد باب که آن را در آخرین سال های اقامت بغداد، در پاسخ پرسش های دایی سید علی محمد باب و جذب او به مسلک بابی، نگاشت. اقدس که کتاب احکام بهائیان است و آن را در ۱۲۹۰ق یا اندکی پس از آن زمانی که در عکا تحت نظر بود تألیف کرد. (۱)

۱- مقاله: از بابی گری تا بهایی گری، عزالدین رضا نژاد، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۱۰.

پس از میرزا حسین علی، فرزندش عبدالبهاء رهبر بهائیان شد و نظام جدیدی را در تفکرات بهائیت پدید آورد. وی در سفرهای خود، تعالیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب، خصوصاً تحت عناوین روشنگری و مدرنیسم و اومانیزم متداول بود، آشتی داد. او تعالیم دوازدهگانه بهائیت را با الهام از همین آموزه ها تدوین و عرضه کرد که عبارتند از: ترک تقلید، تطابق دین با علم و عقل، وحدت اساس ادیان، بیت العدل، وحدت عالم انسانی، ترک تعصبات، الفت و محبت میان افراد بشر، تعدیل معیشت عمومی، تساوی حقوق زنان و مردان، تعلیم و تربیت اجباری، صلح عمومی و تحریم جنگ و وحدت خط و زبان.^(۱)

تعالیم دوازدهگانه یادشده، در ظاهر بسیار جذاب و زیبا است و از طرفی شعارهای تبلیغاتی مؤثری در جذب افراد بهائی به این آیین است؛ اما با عملکرد رهبران و پیروان آن در گذشته و حال به ویژه برنامه های اعمال شده از سوی «بیت العدل اعظم» بهائیان مغایرت بسیار دارد.

پس از مرگ عبد البهاء، نوه دختری او شوقی افندی رهبر بهائیان شد. پس از وی، هدایت بهائیان به شورایی با عنوان بیت العدل واگذار شد که تا کنون در فلسطین اشغالی به هدایت بهائیان می پردازد.

آیین ها و باورهای بهائیان

نوشته های سید علی محمد باب، میرزا حسین علی بهاء الله و عبد البهاء، تا حدی نیز شوقی افندی ربانی، از کتب مقدس بهائیان است و در مجالس ایشان قرائت می شود؛ اما کتب باب به طور عموم در دسترس بهائیان قرار نمی گیرد و دو کتاب اقدس و ایقان میرزا حسین علی نوری نزد آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برخی مناسک و احکام که بهاء الله و جانشینانش واجب کرده اند عبارتند از:

۱. قداست عدد نوزده: تقویم شمسی بهائی، از نوروز آغاز شده به نوزده ماه و هر ماه به نوزده روز، تقسیم می شود. چهار روز (در سال های کبیسه، پنج روز) باقیمانده که به

۱- افندی، عباس، رساله دیانت جهانی بهائی، ص ۲۰.

ایام «هاء» موسوم است، برای شکرگزاری و جشن تعیین شده است. بهائیان به نماز روزانه، روزه به مدت نوزده روز از طلوع تا غروب آفتاب آخرین ماه سال موظف می باشند.

۲. حد دزدی و زنا: بهاء الله مجازات دزد را در نخستین بار، تبعید و در بار دوم، حبس و در مرتبه سوم، گذاشتن علامت در پیشانی او قرار داده و برای تکرار دزدی پس از آن، حکمی قرار نداده است. وی همچنین مجازات زنا را پرداخت نه مثقال و در صورت تکرار، هجده مثقال طلا برای دیه به «بیت العدل» می داند. (۱)

۳. محارم: در آیین بهاء، تعداد محارم جنسی بسیار محدودند و فقط حرمت ازدواج با زن پدر اعلام شده است. در این آیین، ازدواج با بیش از دو زن جایز نیست و ازدواج موقت، در این آیین حرام است. (۲)

۴. نهی از دخالت در سیاست: در آیین بهائی، بهائیان به شدت از دخالت در سیاست نهی شده اند.

۵. قبله: در آیین بهائی، قبله، جایگاهی است که باب در آن دفن شده است. (۳)

افزون بر احکام یاد شده، بسیاری از احکام آن ها با بدیهی ترین احکام اسلام مخالف است.

آیین بهائی از ابتدای پیدایی، میان مسلمانان یک انحراف اعتقادی (فرقه ضاله) شناخته شد. ادعای قائمیت توسط سید علی محمد باب با توجه به احادیث قطعی پذیرفته نبود. ویژگی های «مهدی» در احادیث اسلامی به گونه ای تبیین شده که راه هرگونه ادعای بیجا را بسته است. مخالفت عالمان با سید علی محمد باب به سبب همین ادعا و ادعای بابیت او بود. مشکل بهائیت از این حیث مضاعف است. میرزا حسین علی علاوه بر پذیرش قبول قائمیت سیدعلی محمد باب و این که او دین جدیدی آورده است، خود را «من یظهره الله» نامید و ادعای شریعت مستقل را مطرح کرد. همه مسلمانان

۱- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

۲- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

۳- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مسلم می دانند و بالطبع، هر ادعایی که با این اعتقاد سازگار نباشد و هر فرقه ای که این اصل را نپذیرد، از نظر مسلمانان، از اسلام جدا شده است.

بررسی های تاریخی نشان می دهد عالمان و گروه های فراوانی برابر این انحراف ها ایستادگی کردند؛ یکی از این گروه ها، انجمن حجّیه (۱) است.

انجمن حجّیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت

سابقه شکل گیری این گروه، به جریان هایی بر می گردد که در دهه ۱۳۲۰ش تا اواسط دهه سی در جامعه ایران به وقوع پیوست. در این مقطع، دو خطر عمده در حوزه دین پدید آمد:

نخست: حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می داد و متدینان، ملی ها و رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.

دوم: خطر بهائیت بود که فقط، متدینان بر آن حساسیت داشته و پس از شهریور ۱۳۲۰ش متوجه نفوذ آن در دستگاه اداری پهلوی شده، به مبارزه با آن پرداختند. طبعاً از نگاه متدینان، خطر بهائیان نه فقط کمتر از حزب توده نبود، بلکه پس از سرکوبی حزب توده در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ش خطر بهائیت جدی تر هم شده است؛ (۲) از این رو، عالمان و مراجع تقلید به مبارزاتی جدی در مقابل این انحراف پرداختند.

انجمن حجّیه مهدویّه، در سال ۱۳۳۲ش با تلاش شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به شیخ محمود حلبی (۱۲۷۹ تا ۱۳۷۶ش) با همکاری جمع زیادی از متدینان که در جایگاه هیأت مدیره، امور انجمن را اداره می کردند، فعالیت خود را آغاز و تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به فعالیت فرهنگی بر ضد این فرقه اشتغال داشت. این گروه، از هر سو تلاش می کرد افزون بر جمع آوری اطلاعات، به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان پردازد.

۱- در این درس، فقط به رویارویی این گروه، با فرقه گمراه بهایی اشاره شده و بررسی دیدگاه های این انجمن، به کتاب های مفصل ارجاع می شود.

۲- جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

از آن جا که کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ش، کارهای تبلیغی در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورده بود، همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن ها و هیأت های مذهبی، به طور منظم با بهائیان درگیر شدند.^(۱)

مؤسس این انجمن همواره تأکید می کرد:

امروز، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کسی جز این خدمت را نمی پذیرد و چیزی جز این انتظار ندارد. به خدا قسم! امروز تکلیف شرعی و دینی همه ما آن است که با بهائیت مبارزه کنیم.^(۲)

به نظر می رسد انجمن، به جز کارهای تبلیغی، به نقد جدی عقاید بهایی هم می پرداخت؛ گر چه این مسأله ممکن بود در قالب کمک به دیگر نویسندگان باشد که نمونه آن، آقای محمد باقر نجفی در کتاب بهائیان است که از آقای حلبی به دلیل در اختیار نهادن برخی اسناد تشکر کرده است. همین طور خود آقای حلبی هم گویا به نقد کتاب ایقان مشغول بوده است. مرحوم محیط طباطبایی در مقاله ای گفته است:

آقای حاجی شیخ محمود حلبی... ۱۵۴ غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب پژوهش جامع درباره ایقان تألیف خود، به تفصیل یاد کرده است.^(۳)

یادآوری این نکته لازم است که طبعاً در این سال ها مبارزه با بهائیت، در انجمن حجتیه منحصر نبود و اطلاعیه هایی که گاه از سوی مراجع انتشار می یافت، خطر نفوذ اقتصادی بهائیان را متذکر می شد و با آن به مبارزه می پرداخت.

۱- جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

۲- نشریه چشم انداز ایران، سال اول، ش ۲.

۳- مجله گوهر، س ۶، س ۶۱ (فروردین ۱۳۵۷ش).

خودآزمایی

۱. فرقه شیخیه چگونه و به دست چه کسی پایه گذاری شد؟
۲. سه انگیزه از انگیزه های مدعیان بابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کنید.
۳. درباره بایبه به اختصار توضیح دهید.
۴. درباره باورهای و آیین ها بهائیان توضیح دهید.
۵. مهم ترین انگیزه شکل گیری انجمن حجتیه چه بود؟ در این باره توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲. محمد محمدی اشتهاردی، بابی گری و بهائی گری، قم، آشنا، ۱۳۷۸ ش.
۳. عزالدین رضائزاد، مقاله: از بابی گری تا بهایی گری، فصلنامه انتظار، ش ۱۰، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۲ ش.
۴. محمدرضا نصوری، مقاله: پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ ش.
۵. سید ضیاء الدین علیا نسب، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ ش.

درس دوازدهم: انتظار در فرهنگ شیعه

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج»

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

۱. انتظار فرج و گشایش به معنای عام و کلی؛

۲. انتظار فرج و گشایش به معنای خاص؛

انواع انتظار

۱. انتظار صحیح و سازنده؛

۲. انتظار غلط و ویرانگر؛

بنیان‌های پدیده انتظار

آثار فردی و اجتماعی انتظار

پیش درآمد

شادابی و پویایی بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است. اگر انسان، به آینده امیدی نداشته باشد، زندگی برایش مفهوم چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و آن را جاذبه دار می‌سازد و نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها را برای او آسان می‌نماید، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که در آن، به تمام نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. آدمی در پرتو همین انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان زای زندگی، به سیر خود ادامه می‌دهد.

شیعه، با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، این امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فراراه انسان‌های آزاداندیش و آزادی‌خواه قرار داده است.

معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج»

«انتظار»، در لغت به معنای چشمداشت و چشم به راه بودن^(۱) است؛ اما در اصطلاح، به معنای چشم به راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.

۱- ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، کلمه انتظار.

به بیان دیگر، «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هر چه شعله آن فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود».^(۱)

«فَرَج» به معنای «گشایش» است. انتظار فرج، برخاسته از فطرت کمال جوی بشری است؛ اگر چه عوامل دیگری نیز می‌تواند منشأ انتظار باشد.

یکی از اندیشوران معاصر، با بیان این که برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسأله روانی ناشی از حرمان در اقصای محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و حالت فرار از واقعیت گرانبار یا مشقت‌ها به سوی تصور آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را بازپس گیرند، نوشته است: «این گمانه، نوعی خیالبافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است».^(۲)

بر خلاف گمان برخی که اندیشه مهدویت را ساخته شیعه می‌دانند، باور داشت مهدویت نه فقط به پیروان اهل بیت علیهم السلام اختصاص ندارد، بلکه بخش مهمی از عقاید اسلامی و یکی از مسایل مهم و ریشه‌ای در اصول اسلامی به شمار می‌آید که بین تمام گروه‌ها و مذاهب اسلامی بر اساس بشارت‌های قرآن مجید و آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، شکل گرفته است. روایت‌های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که در منابع شیعه آمده است در بسیاری از کتاب‌های معروف اهل سنت نیز آمده است.^(۳)

بنابراین، باور به پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و بیداد، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه آرمانی و سرانجام، اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی عالی قدر که در روایات اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است، برخاسته از چشمه سار وحی است؛ از این رو انتظار آن دوران، علاوه بر آن که در

۱- ر.ک: موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- آصفی، محمد مهدی، مقاله انتظار پویا، فصلنامه انتظار، ش ۶.

۳- ر.ک: ناصری، محمد امیر، الامام المهدی فی الاحادیث المشترکه بین السنه و الشیعه.

مجموعه باورهای تمام پیروان ادیان آسمانی به چشم می خورد، بین مسلمانان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

اشاره

در یک بررسی کوتاه، روایاتی که سخن از انتظار گفته اند، به دو دسته کلی تقسیم می شود:

۱. انتظار فرج به معنای عام

اشاره

در این معنا، آموزه های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «گشایش عمومی» و امید به آینده، و سوق انسان ها به این عرصه، نومیادی را نیز مورد نکوهش قرار داده، از ورود جوامع بشری به آن جلوگیری کند.

اهتمام آموزه های اسلامی در بیان معنای عام انتظار و امید، تا بدان حد بوده که از آن با بلندترین عنوان ها یاد نموده، ارزش های شگفت آوری برای آن ذکر کرده است. برخی از این عنوان ها بدین قرار است.

۱۱. عبادت و بندگی

قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به ما می آموزند که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است. (۱)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یکی از نمودهای این بندگی را انتظار گشایش دانسته، می فرماید:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ عِبَادَةً؛ (۲)

انتظار فرج عبادت است.

از آن جا که بیشتر عبادت ها در شمار رفتار انسان است، می توان نتیجه گرفت این جا نیز مقصود از انتظار، مجموعه رفتاری خاص است.

۱۲. برترین عبادت

برخی عبادت ها بر برخی دیگر برتری دارد؛ از این رو انجام آن، افزون بر آن، که مورد تأکید آموزه های دینی است، از پاداش افزون تری نیز برخوردار است و نقش آن، در سازندگی انسان بیشتر است.

١- ذاريات (٥١): آيه ٥٦.

٢- اربلي، كشف الغمه في معرفه الاثمه، ج ٢، ص ١٠١؛ شيخ طوسي، أمالي، ص ٤٠٥.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن که انتظار فرج را در زمره عبادت های خداوند دانسته است، آن را یکی از برترین عبادت ها برشمرده، می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛(۱)

برترین عبادت انتظار فرج است.

۱۳. برترین کارها

گاهی آن را برترین کارهای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛(۲)

برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند است.

۱۴. فرج بودن خود فرج

امروزه، از نظر دانش روانشناسی ثابت شده است امید داشتن، نقش بسیار مهمی در رفتارهای اجتماعی دارد. به بیان دیگر انتظار آینده ای روشن و درخشان، باعث می شود زندگی کنونی انسان نیز از روشنایی و پویایی برخوردار شود.

در برخی روایات مربوط به انتظار فرج به این حقیقت ارزشمند، این گونه اشاره شده است که خود انتظار فرج، نوعی فرج و گشایش است.

در این باره امام سجاد علیه السلام فرمود:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛(۳)

انتظار گشایش، خود از بزرگ ترین گشایش ها است.

۱۵. برترین جهاد

در آموزه های دینی، جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است. آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام به حقیقت این رفتار ارزشمند اشاره کرده است.

- ١- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٢٨٧؛ ر.ك: ترمذى، سنن، ج ٥، ص ٥٦٥.
- ٢- شيخ صدوق، عيون اخبارالرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٣٦؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٦٤٤
- ٣- طبرسى، احمد بن على، احتجاج، ج ٢، ص ٣١٧؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٣١٩.

درباره اهمیت انتظار فرج افزون بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت به روایاتی بر می خوریم که بسی شگفتی آور است و آن، این که انتظار را فقط «جهاد» که «برترین جهاد» دانسته است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می شود انتظار، از نوع عمل است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برترین جهاد بودن انتظار فرج را این گونه بیان فرموده است:

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^(۱)

برترین جهاد امت من انتظار گشایش است.

در مقابل آموزه های بالا، یأس و ناامیدی از رحمت پروردگار، به شدت مذمت شده و در شمار گناهان بزرگ به حساب آمده است.^(۲)

۲. انتظار فرج به معنای خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم به راه بودن آینده ای با تمام ویژگی های یک جامعه، مورد رضایت خداوندی است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره الهی وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

برخی سخنان معصومان علیهم السلام در این باره این گونه است:

امام باقر علیه السلام آن گاه که دین مورد رضایت خداوند را تعریف می کند پس از شمردن اموری می فرماید:

...والتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَالْوَرَعُ وَالتَّوَضُّعُ وَانْتِظَارُ قَائِمِنَا...؛^(۳)

... و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما....

امام صادق علیه السلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَالرَّدِّ إِلَيْنَا وَانْتِظَارِ أَمْرِنَا وَآمْرِكُمْ وَفَرَجِنَا وَفَرَجِكُمْ؛^(۴)

بر شما باد به تسلیم و رد امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج خودتان.

۱- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۷.

۲- ر.ک: سوره یوسف (۱۲): آیه ۸۷.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۳، ح ۱۳.

از روایات انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می آید انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه فقط راه رسیدن به جامعه موعود است؛ بلکه خود نیز موضوعیت دارد؛ بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سر برد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خویش دست یابد یا دست نیابد.

در این باره شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چه می فرمایید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟»

حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود:

هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. ثُمَّ سَكَتَ هَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: «هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ؛ (۱)

او همانند کسی است که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه او باشد». سپس کمی سکوت کرد و فرمود: «مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مبارزاتش همراه بوده است».

انواع انتظار

اشاره

به رغم روشنی و قطعیت معنای راستین انتظار، تفاسیر و برداشت های مختلفی از آن ارائه شده است. بخش عمده این برداشت ها، مربوط به فهم اندیشوران و دانشمندان و بخش دیگر، مربوط به برداشت برخی شیعیان از مسأله انتظار است.

دو برداشت اصلی و عمده، در این زمینه، عبارت است از:

۱. انتظار صحیح و سازنده

انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهد آور، همان انتظار راستینی است که در روایات، آن را «با فضیلت ترین عبادت» و «برترین جهاد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» دانسته اند.

مرحوم مظفر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این گونه تفسیر کرده است که:

معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی و نجات بخش الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و در آنچه بر آن ها واجب

است، مانند یاری حق، زنده کردن قوانین و دستوره‌های دینی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر فروگذاری کنند و به این امید که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و کارها را درست کند، از آن‌ها دست بردارند. هر مسلمان، موظف است خود را به انجام دستوره‌های اسلام مکلف بداند؛ برای شناسایی دین از راه صحیح، از هیچ کوششی فروگذاری نکند و به توانایی خود از امر به معروف و نهی از منکر دست نکشد؛ همچنان که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛^(۱) «همه شما رهبر یک دیگر و در راه اصلاح هم مسؤول هستید».

بر این اساس، یک مسلمان نمی‌تواند به دلیل انتظار به ظهور مهدی مصلح، از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می‌کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می‌دهد. سستی در وظایف دین و بی‌تفاوتی به آن به هیچ وجه جایز نیست.^(۲)

کوتاه سخن این که: فرهنگ راستین انتظار با سه رکن اساسی استوار است:

الف. نارضایتی و یا قانع نبودن از وضع موجود؛

ب. امید داشتن به آینده بهتر؛

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب.

۲. انتظار غلط و ویرانگر

انتظار ویرانگر، فلج کننده و باز دارنده که در واقع نوعی «اباحی گری» است، همواره مورد مذمت و سرزنش بزرگان دین قرار گرفته است و این بزرگان پیروان مکتب اهل بیت را از آن پرهیز داده‌اند.

علامه مطهری قدس سرّه در این باره می‌نویسد:

[این نوع انتظار حاصل برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از

۱- قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح، ج ۳، ص ۲۰؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ج ۲، ص ۱۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲- مظفر، محمد رضا، عقاید الامامیه، ترجمه: علی رضا مسجدجامعی، ص ۱۱۸.

گسترش و اشاعه و رواج ستم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود.

نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که حق و حقیقت طرفداری نداشته باشد، باطل، یگانه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست‌غیب برای نجات حقیقت‌نه‌اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت، طرفداری ندارد از آستین بیرون می‌آید؛ بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست دست‌غیب ظاهر نمی‌شود.

برعکس، هر گناه، فساد، ستم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند روا است؛ زیرا [هدف وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند]؛ پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است...

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و این نوع انتظار فرج که به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی منجر می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد. (۱)

بنیانگذار نظام اسلامی ایران، در بیاناتی ارزشمند پس از بیان برداشت‌های نادرست از انتظار، به شدت کسانی را که چنین تصوراتی دارند، مذمت کرده است. (۲)

بنابراین منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند نقش تماشاگر را داشته باشد؛ بلکه باید از هم‌اکنون به طور حتم در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی‌دهد در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک‌تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

۱- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۵۴ (با تصرّف).

۲- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱ (۱۴ فروردین ۱۳۶۷ ش).

بنیان های اساسی پدیده انتظار

اشاره

پیش تر گفته شد، دست کم سه مؤلفه در شکل گیری انتظار، نقش اساسی دارد:

الف. قانع نبودن از وضع موجود

بدون تردید وضع موجود در عصر غیبت، دارای کاستی هایی است که هر انسان کمال طلب را ناراضی خواهد کرد. این کاستی ها به طور عمده از عدم حضور ظاهری امام ناشی شده است.

در باور شیعه است که آخرین پیشوای معصوم به دلایلی که برخی از آن ها بر ما پوشیده است، غایب شده است. (۱) این پنهان بودن باعث شده است جامعه بشری از فواید ظاهری آن امام معصوم بی بهره باشد. یک منتظر راستین، کسی است که نه فقط به سبب محروم بودن خود از حضور ظاهری امام وضع موجود را بر نمی تابد که محروم بودن جامعه بشری از نعمت حضور ظاهری امام نیز او را آزار می دهد. او بر خود لازم می داند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است، به اندازه توان خود برطرف کند.

ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب

یکی از نعمت های بزرگ خداوند در نهاد انسان، کمال طلبی او است، به گونه ای که تمام فعالیت های خود را در سمت آن، سوق می دهد.

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب

اشاره

انسان، به دلیل دارا بودن ظرفیت های فراوان، همواره در جهت رشد معنوی و فکری خود در تلاش است. او در انتظار، در پی روزگاری است که زمینه ها و شرایط دست به هم داده، تمام قوه های او در جهت رشد و تعالی به فعلیت رسد.

از سوی دیگر، شکی نیست که غیبت آخرین پیشوای معصوم، باعث می شود برخی از راه های کمال بر انسان و جامعه بسته شود. در انتظار، امید به دستیابی وضع بهتر، مؤلفه ای اساسی است که انسان را از رکود و خمودگی برحذر می دارد و او را به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب وا می دارد. در این صورت، اگر به دلایلی به وضع

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح ۶.

مطلوب هم نرسید، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند پاداش کسانی را آن مرحله را درک می کنند به او خواهد داد.

این امیدواری، ناگزیر مراحل را در بر خواهد داشت که برخی بدین قرارند:

۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام

بسیاری از مواقع، انسان در زندگی کمبودی دارد؛ اما به سبب آن که به آن کمبود آگاهی ندارد، هرگز در پی رفع آن کمبود هم نمی رود و هرگز برای جبران آن کاستی از خود تلاشی نشان نمی دهد؛ پس در نخستین مرحله انتظار، می بایست آگاه شد که حجت الهی در پرده غیبت است.

۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر

ممکن است در عصر پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی به غیبت آن حضرت آگاهی هم داشته باشد؛ اما هرگز به این دیدگاه نرسیده که جامعه بشری نیازمند چنین رهبری الهی است. به بیان دیگر، مؤلفه پیشین وجود دارد؛ امّا فرد هرگز به آن حجت الهی احساس نیاز پیدا نکرده است. او بر این باور است که مردم، چه نیازی به امام معصوم دارند، در حالی که زندگی خود را سپری می کنند.

به طور دقیق، این گونه است که چنین کسی هرگز نمی تواند انتظار ظهور حضرتش را درون خود ایجاد کند. و در مقابل، هر کس احساس نیاز بیشتری به حضور و ظهور امام را در درون خود شاهد باشد، به همان نسبت، روحیه انتظار در او بیشتر است.

۳. یقین به ظهور امام غایب

شکی نیست کسانی که به ظهور امام غایب یقین ندارند، در انتظار نیز نخواهند بود؛ بلکه انتظار برای آن ها بی معنا خواهد بود. همان گونه که میلیاردها انسان امروزه در حالی زندگی خود را سپری می کنند که هرگز در انتظار راستین آمدن چنین انسانی نیستند؛ چون به آمدن چنین شخصی باور قطعی ندارند.

در مقابل، هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد، انتظارش به آن، بیشتر است. اگر شك و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد یا

اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفر برسد.

پیشوایان معصوم علیهم السلام با در نظر گرفتن این نکته اساسی، همواره در سخنان نورانی خود، باور قطعی به ظهور آخرین حجّت الهی را تقویت کرده، از هر گونه ناامیدی، ایشان را پرهیز می دادند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قیامت بر پا نمی شود، تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد (۱).

۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند، هر قدر ظهور موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای آن بیشتر خواهد بود و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می شود. این دوست داشتن فقط زمانی به وجود می آید که مؤمنان، تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشند، تا این که نه فقط از آن نهراسند، بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند.

متأسفانه تصویرسازی دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره از افراط ها و تفریط هایی برخوردار بوده است. گاهی دوران حکومت آن حضرت را سخت ترین و تلخ ترین دوران یاد می کنند و گاهی آن دوران را دوران رفاه و آسایش و تن پروری معرفی می نمایند که بدون تردید، هر دو تصویر، زیان های خود را در باورهای جامعه گذاشته است.

۵. نزدیک دانستن ظهور

اگر چه انتظار با مؤلفه های یاد شده تحقق می یابد، نزدیک دانستن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند بر شدت انتظار افزوده، آمادگی فرد را افزایش دهد.

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹؛ ر.ک: اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۵۹.

نزدیک دانستن ظهور باعث می شود توجه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از پیش افزایش پیدا کند، مشکلات دیگر، تحت الشعاع قرار گرفته، تمام رفتار در راستای رضایت آن حضرت انجام شود.

آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار

اشاره

اگر کسی به راستی به تمام شرایط انتظار، پایبند بود و بایسته های مورد نظر را انجام داد، آثاری تربیتی برای وی در پی خواهد داشت که برخی چنین است:

۱. گسترش امیدهای واقعی

همان گونه که پیش از این یاد شد، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری های آن، نیازمند انگیزه ای نیرومند است که در پدیده ای با نام «امید به آینده» تجلی می یابد؛ آینده ای که به مراتب، عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد؛ این مسأله به ویژه برای جوانان دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا آنان می توانند در پرتو «امید به فردایی بهتر» به نیروی فراوان خود، جهت و معنا بخشند.

از روایات نورانی معصومان علیهم السلام استفاده می شود که انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبب گسترش امید راستین می شود. این مهم، نه فقط بر پیروان این مکتب سترگ روشن است که بر بیگانگان نیز محرز است. یکی از نویسندگان معاصر درباره امیدبخشی این اعتقاد زندگی بخش حکایتی نقل کرده که خالی از لطف نیست. وی می گوید:

در یک جلسه هفتگی که با یک استاد فرانسوی محقق در تشیع (هانری کربن) تشکیل می شد، از پروفیسور سؤال شد: «آیا راست است که پس از جنگ، بازگشت محسوس در اروپا به معنویات و دینداری پیدا شده است؟» پاسخ داد: «کاتولیک ها خیلی فعالیت می کنند؛ ولی فایده ندارد. مسیحیت دین پیشین و مرده است و پاسخ سؤال روز و انتظارات آینده را نمی تواند بدهد. اسلام با آن که دین تازه تری است، برای اهل تسنن که پا از زمان پیغمبر جلو نگذاشته اند، با «خاتمیت» باب معنویت و تربیت، بسته می شود و ناظر به آینده نیست. فقط اقلیت «شیعه» هستند که با اعتقاد و انتظار «امام غایب»، امیدوارانه به آینده دنیا و دارای روح و دل، زنده اند و مسایل فلسفی و

مشکلات زندگی را با نظر و اعتقاد و امید دیگری طرح می کنند. شیعه نه فقط برای آینده، مهره معجزه آسایی در چپته دارد، بلکه به گذشته نیز مایه های افتخار و اتکای فراوان دارد؛ پیش رویش علی علیه السلام است که مادر دهر، مانند او نزاییده و نخواهد زاید». (۱)

۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف

زندگی انسان آن زمان قابل توجیه است که آثار حرکت، پویایی و شادابی در تمام زوایای آن به چشم خورد. آن گاه که انسان، به وضعیت موجود راضی نیست و در صدد ایجاد شرایطی بهتر است، همانا در انتظار به سر می برد. این اثر ارزنده در جوامع شیعی به روشنی تمام دیده می شود؛ به گونه ای که آن را از دیگر جوامع به روشنی تمام، متمایز و برجسته ساخته است.

۳. ایجاد وحدت و همگرایی

انتظار افزون بر آثار فردی دارای آثار اجتماعی فراوانی نیز است که از مهم ترین آن ها می توان به وحدت، انسجام و همدلی بین منتظران اشاره کرد. این همدلی، به سبب توجه به هدف مشترکی است که در مسأله انتظار به روشنی تمام در چشم انداز آن، قابل رؤیت است.

امروزه ثابت شده است افرادی که در پی هدفی مشترک هستند، از عملکردی مشابه برخوردارند؛ به گونه ای که هم گرایی در آن ها در مقایسه با جوامع دیگر، بیشتر به چشم می خورد. در جامعه شیعی، انتظار ظهور مردی از سلاله پاک رسول گرامی اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است تمام پیروان این آرمان مقدس، از همدلی بسیار خوبی برخوردار باشند.

۴. احساس حضور

یکی دیگر از آثار غیر قابل تردید در انتظار راستین، احساس حضور در محضر آن امام غایب و احساس حضور آن امام غایب در زندگی است. یک منتظر راستین، همواره بر این باور است که تمام رفتار و اعمال او در نگر گاه آن امام پنهان است و این خود در

۱- لامعی، شعبان علی، قدیس، ص ۲۵۹، به نقل از: مرجعیت و روحانیت، ص ۱۶۰.

اصلاح رفتار وی بسیار مؤثر است. این مهم، نه فقط به اصلاح فرد منجر می شود که رفته رفته به اصلاح و سلامت اخلاقی جامعه می انجامد که خود در زمینه سازی ظهور، نقشی بس مهم و انکار ناپذیر خواهد داشت.

بنابراین انتظار یک «مصلح جهانی» به طور قطع به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه ظلم ها و نابسامانی ها، شوخی نیست و نمی تواند کار ساده ای باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی، باید به گستردگی و عمق آن باشد. افزون بر آن، این که منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یک دیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگین که منتظر آند، یک برنامه فردی نیست.

خودآزمایی

۱. انتظار فرج را از دیدگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.

۲. «انتظار فرج به معنای عام» به چه معنا است؟ آن را بیان کنید.

۳. انواع انتظار را نام برده، هر یک را شرح دهید.

۴. سه اثر از آثار فردی انتظار را توضیح دهید.

۵. فرج بودن انتظار فرج یعنی چه؟ آن را بیان نمایید

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.

۲. اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.

۳. ابراهیم شفیعی سروستانی، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ ش.

۴. سید رضی سید نژاد، وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.

۵. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ ش.

درس سیزدهم: منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فضیلت منتظران

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران؛
۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور؛
۳. ثواب ایشان، مانند پاداش نماز گزار و روزه دار؛
۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

...

چرا این همه فضیلت و پاداش؟

بایسته های عصر انتظار

الف) بایسته های عام؛

ب) بایسته های خاص.

پیش درآمد

در آموزه های ارزنده معصومان علیهم السلام آن چنان جایگاه و منزلتی برای منتظران راستین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشمرده شده است که به راستی جای شگفتی و تعجب است و این پرسش را پیش رو قرار می دهد که چگونه ممکن است چنین حالتی از چنین ارزشی والا برخوردار باشد. البته توجه به جایگاه ارجمند انتظار که پیش از این اشاره شد و نیز وظایف منتظران، تا حدودی می تواند پاسخی به این پرسش باشد.

اکنون به برخی فضایل و برتری های منتظران با استفاده از روایات معصومان علیهم السلام اشاره می کنیم.

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران

شخصیت انسان ها از رفتاری متأثر است که در زندگی انجام می دهند. این رفتارها بر اساس آموزه های دینی، دارای اعتبار و ارزش متفاوتی خواهند بود. از نگاه آیات و روایات معصومان علیهم السلام برترین انسان ها کسانی هستند که با رفتار خود اسباب رضایت و خوشنودی پروردگار جهانیان را فراهم می آورند.

از پاره ای روایات استفاده می شود به سبب شرایط ویژه ای که بر مردمان عصر انتظار حاکم است، اگر آن ها منتظر راستین باشند، جایگاه بسیار ارزشمندی خواهند داشت.

امام سجّاد علیه السلام در این باره فرمود:

...إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...؛ (۱)

مردم زمان غیبت آن امام که به امامت و منتظر ظهور او معتقد هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند، عقل و فهم و معرفتی به آن ها داده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است...

۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور

از مهم ترین آرزوهای تمام نیکان عالم، حضور در دورانی است که در آن اثری از فساد، بیداد و تباهی نباشد. این فضیلت، آن گاه به کمال خود می رسد که در زمان ظهور در نزدیک ترین موضع به رهبر قیام، یعنی در جایگاه فرماندهی که همانا خیمه آن حضرت است، حاضر باشد.

امام صادق علیه السلام در وصف منتظران راستینی که زمان ظهور را درک نمی کنند، فرمود:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ؛ (۲)

هر کس از شما از دنیا برود، در حالی که بر منتظر این امر است، مانند کسی است که در خیمه گاه آن حضرت است.

۳. ثواب ایشان مانند پاداش نمازگزار و روزه دار

از برترین عبادت ها، نماز و روزه است. از روایات استفاده می شود آن گاه که شخصی به انتظار روزگار سپری می کند، بسان کسی است که در حال نماز و روزه است.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...؛ (۳)

و آگاه باشید همانا پاداش منتظر این امر، مانند پاداش روزه دار شب زنده دار است....

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

۲- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۵.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.

۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از توفیق های بی مانند آن است که کسی در جایگاهی نزدیک برترین انسان ها قرار گیرد. در میان انسان ها چه کسی شریف تر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف پیامبران الهی و محبوب ترین موجودات نزد خداوند است. حال، کسی که در عصر انتظار، آن گونه که بایسته و شایسته است زندگی کند، گرامی ترین از امت پیامبر و در جوار آن بزرگوار خواهد بود. که خود آن حضرت علیه السلام فرمود:

...أَوْلَيْكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ (۱)

ایشان رفقای من و گرامی ترین امت من هستند.

۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

از شریف ترین انسان ها می توان به مجاهدان در راه خداوند اشاره کرد. این فضیلت، آن گاه به کمال می رسد که این مجاهدت در جوار انسان کامل و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

از فضیلت هایی که برای منتظران شمرده شده، این است که ایشان را مانند کسانی دانسته که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در راه خدا به جهاد برخاسته اند. (۲)

۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام

اشاره

و سرانجام آنچه شگفتی را به اوج می رساند، آن است که در برتری منتظران راستین و ثابت قدمان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام سخن از پاداشی افزون بر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام به میان آمده است.

امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَوَأَحَدٍ؛ (۳)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶.

هر کس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد به او ارزانی می‌دارد.

برخی از این فضایل در حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام نیز به بیانی زیبا یاد شده است. (۱)

اما در پاسخ به این پرسش که «چرا این همه فضیلت و پاداش قرار داده شده است؟» چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد.

۱. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام

چنان که می‌دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا در هر عصر و زمان، از مهم‌ترین نقاط تمایز این مکتب از دیگر مکتب‌ها است. از دیدگاه شیعه، پذیرش ولایت معصومان علیهم السلام و به طور کلی تسلیم برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است.

با توجه به این نکات در می‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت واپسین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار سبب می‌شود ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن‌ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها

امیدها و آرزوها واقعی انسان‌ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن‌ها است؛ تا آن‌جا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همّت آن‌ها حکایت می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش که از بی‌همتی و رشد نیافتگی افراد نشان دارد.

بنابراین چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین امیدها و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، باب ۲۸، ح ۱.

۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه

چنان که از مطالب بعدی (بایسته های انتظار) روشن خواهد شد، انتظار، نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد. اگر انسان منتظر، به وظایفی که برای او شمرده شده است عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دیندار دست یافته و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود.

به عبارت دیگر، انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال می رسد. (۱)

بایسته های عصر انتظار

اشاره

درباره وظایف و مسؤولیت های منتظران، سخن های بسیاری گفته شده است؛ اما در حدّ اختصار می توان گفت وظایف انسان ها در این دوران به دو دسته تقسیم می شود:

الف. وظایف عام

اشاره

این وظایف، در سخنان معصومان علیهم السلام در شمار تکالیف عصر غیبت یاد شده است؛ اما ویژه این دوران نیست و لازم است در همه زمان ها انجام شود. شاید ذکر آن ها در شمار وظایف دوران غیبت برای تأکید بوده است.

برخی از این وظایف، بدین قرار است:

۱. شناخت امام هر زمان

از وظایفی که در هر زمان به ویژه در عصر غیبت برای پیروان آموزه های اسلامی مورد تأکید و سفارش واقع شده، تحصیل شناخت و معرفت امام آن زمان است.

امام صادق علیه السلام خطاب به فضیل فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛

امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر، آسیبی به تو نخواهد رساند... (۲)

۱- شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار، باید و نبایدها، ص ۲۴۲۱ (با تصرّف).

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

بی گمان شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است؛ چنان که در دعای شریف معرفت، به خداوند متعال عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۱)

خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود، گمراه می شوم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَ إِنَّمَا الْمَأْتَمَةُ قُوَامٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ عَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ
...؟

پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان اویند. هیچ کس جز کسی که آن ها را بشناسد و آن ها نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد و جز کسی که آن ها را انکار کند و آن ها نیز او را انکار کنند، داخل دوزخ نگردد... (۲)

از روایات معصومان علیهم السلام به روشنی استفاده می شود که همه فضیلت ها و ارزش ها در بندگی خدای متعال، به داشتن معرفت امام علیه السلام و ملتزم شدن به آن، بر می گردد؛ به طوری که اگر کسی این اکسیر گرانقدر را در اختیار داشته باشد، از نگاه آنچه مطلوب خداوند متعال است، هیچ کمبودی ندارد.

اما این که چگونه می توان به این شناخت رسید؟ به نظر می رسد هر حقیقت و واقعیتی خواه وجود عینی خارجی داشته باشد یا از امور عقلی باشد از راه شناخت مناسب خود، مانند حس و تجربه و فطرت و عقل و خواب و وحی قابل شناخت

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

می باشد. بدیهی است این نظر به این معنا نیست که بگوییم همه اشیا و حقایق، از این راه شناخته شده اند؛ بلکه مقصود، این است که معرفت هر یک از اشیا و حقایق، از یک یا بیشتر از این راه ها امکان دارد؛ برای مثال از راه وحی، هر چیزی که خدا اراده شناساندن آن را به وسیله وحی اراده فرموده باشد، شناخته می شود.

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه شناخت امام زمان علیه السلام باز است.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، فرمود:

«...امام، امانتدار الهی میان خلقش، و حجت او بر بندگانش، و خلیفه او در سرزمین هایش، و دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام، پاک شده از گناه و بر کنار گشته از عیب ها است که همه علم، به او اختصاص دارد و به حلم شناخته می شود. امام، نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از میان رفتن کافران است. امام، یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ عالمی با او برابری نمی کند و برای او جایگزین پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها، مخصوص او است، بدون آن که آن ها را طلب کرده باشد؛ بلکه این، امتیازی است از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام... (۱).

از گفتار بالا و ادامه روایت به دست می آید:

۱. ارزش امامت، بیشتر و شأن آن، والا-تر و جایگاهش بلندتر و درون آن، ژرف تر از آن است که اندیشه انسان ها - آن گونه که شایسته است - به آن راه یابد و بشر بتواند با عقل و درک خویش، امام را برگزیند.

۲. امامت زمام امور دین، نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امامت، بنیاد بالنده و فرع نمایان اسلام است. تمامیت نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، تقسیم عادلانه سرمایه های عمومی، اجرای احکام و حدود شرعی، پاسداری از مرزهای مملکت اسلامی، با امام تحقق می پذیرد.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳. امام، بسان خورشیدی است که با نور خود، جهان را روشن می سازد و کسی را به بلندی آن دسترسی نیست. امام، آب گوارایی است که تشنگان هدایت را سیراب می سازد. امام و دلالت کننده به هدایت و رهاننده از گمراهی است. امام، چونان آتشی بر بلندی است که هم راه را به راهروان می نمایاند و هم به کسانی که از او گرمی بخواهند، گرما می بخشد و هر کس از او جدا شود، نابود می گردد.

۴. امام، امین خداوند میان مردم و حجت پروردگار بر بندگان و جانشین او در جهان است. امام، ما را به سوی خداوند فرا می خواند و از حرمت های الهی پاسداری می کند.

۵. امام، از گناهان، پاکیزه، از عیب ها پیراسته و از علم و حلم ویژه برخوردار است.

۶. امام، یگانه عصر خویش است؛ در دانش و فضیلت های انسانی نظیر و مانند ندارد. او فضیلت و دانش را از کسی نیاموخته است؛ بلکه خداوند بخشنده، به او ارزانی کرده است.

به راستی اگر فقط همین چند ویژگی را که این جا بیان شد، خوب متوجه شویم، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته ایم. آن گاه، در پس شناخت است که نوبت اطاعت و فرمان برداری فرا می رسد. (۱)

۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام

یکی از وظایف مهم ما در هر عصر و زمان، محبت و دوستی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه دوستان خداوند است. در دوران غیبت واپسین پیشوای معصوم، به سبب پنهان زیستی امام، ممکن است عواملی انسان را از این وظیفه مهم دور سازد؛ از این رو در روایات، سفارش شده است که بر محبت به آن انوار مقدس پایدار باشیم.

فراموش نکنیم این محبت، دستور پروردگار متعال است. سال ها پیش از آن که آن حضرت، زندگی دنیایی خود را آغاز کند، انسان های پاک به او ابراز محبت کرده اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آن اشرف انبیا و واپسین فرستاده الهی، آن گاه که سخن از واپسین

۱- کامل ترین متن امام شناسی، زیارت معتبر و ارزشمندی است که از وجود مقدس امام هادی علیه السلام به ما رسیده و نام آن، زیارت «جامعه کبیره» است؛ یعنی بزرگ ترین و کامل ترین زیارتی که با آن، همه معصومان علیهم السلام را با هم زیارت می کنیم. این زیارت مورد توجه و علاقه همه بزرگان و عالمان دین است.

وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام، از بزرگ ترین واژگان محبت یعنی «بابی و امی؛ پدر و مادرم فدای او» بهره برده است؛ آن جا که می فرماید:

بَابِي وَ أُمِّي سَيِّمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ...؛ «پدر و مادرم فدایش باد! که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نور هایی احاطه دارد... (۱).

نیز آن گاه که نگاه تیزبین علی بن ابیطالب علیه السلام اعصار و قرون را در می نوردد، زمان واپسین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید:

فَمَا نَظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبِدُوا فَالْبِدُوءَا، وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَفْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ؛ (۲)

به اهل بیت پیامبران بنگرید؛ اگر آن ها ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آن ها بشتابید که البته خدای متعال، به دست مردی از ما اهل بیت، گشایش می بخشد. پدرم فدای او باد! که فرزند بهترین کنیزان است.

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» حضرت فرمود:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ (۳)

نه؛ اگر او را درک کنم، روزهای زندگانیم را خدمتگذار او خواهم بود.

در روایتی شگفت انگیزتر، ششمین آفتاب سپهر ولایت و امامت فرموده است:

...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ (۴)

به درستی که اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم.

۱- خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۱۵۶.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸ و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

با توجه به روایت های یاد شده، جای تردیدی نیست که محبت اهل بیت علیهم السلام - به ویژه آخرین حجت الهی - در دوران غیبت، کاری بس مهم و ارزشمند است.

۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی

پروای الهی، در همه زمان ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب الامر غیبتی هست؛ پس بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند. (۱)

آن حضرت همچنین فرمود:

هر کس شاد می شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می بایست پرهیزکار بوده، نیکویی های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت الهی واقع شده! (۲)

۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام

از آن جا که تمام امامان علیهم السلام نور واحدی هستند، دستور ها و فرموده های ایشان نیز یک هدف را دنبال می کند؛ بنابراین، پیروی از هر کدام، پیروی از همه آن ها است. در زمانی که یکی از آن ها در دسترس نیست، دستور های دیگران چراغ راه هدایت است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: «شنیده ایم صاحب الامر غایب خواهد شد؛ پس چه کنیم؟» فرمود:

چنگ بزنید به آنچه [از پیشوایان قبل] در دستتان است، تا این که امر بر شما آشکار شود. (۳)

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹، ح ۵ و ۴.

یونس بن عبدالرحمان گوید بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم هستید» فرمود:

من قائم به حق هستم؛ ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و آن را از عدل و داد سرشار سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، او پنجمین از فرزندان من است. او را غیبتی طولانی است، زیرا بر نفس خود می هراسد و گروه هایی در آن غیبت، مرتد شده و گروه هایی دیگر در آن ثابت قدم خواهند بود.

آن حضرت سپس فرمود:

خوشا بر احوال شیعیان ما! که در غیبت قائم ما به رشته ما چنگ زند و بر دوستی ما و بی زاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند؛ آن ها از ما و ما از آن هاییم. آن ها ما را به امامت و ما نیز آنان را به شیعه بودن پذیرفته ایم، پس خوشا بر احوال آن ها! به خدا سوگند! آنان در روز رستاخیز هم درجه ما هستند. (۱)

۵. دست گیری از ضعفا و فقیران

کمک به ضعفا و محرومان در همه زمان ها کاری بس ارزشمند است و در دین اسلام به آن سفارش شده است؛ اما به علت غیبت امام، در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... هر آینه باید کمک نماید قوی شما ضعیفان را و باید عطوفت نماید ثروتمندان بر فقیرتان و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن که قائم ظهور کند، شهید از دنیا رفته است... (۲)

البته فقر، گاهی فقر اقتصادی و گاهی فقر فرهنگی و معنوی است.

ب. وظایف خاص

اشاره

وظایف خاص، وظایفی است که به نوعی با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴، ح ۵.

۲- طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیهه المرتضی، ص ۱۱۳.

۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان تأکید شده و این مربوط به همه زمان ها است؛ اما در برخی روایات به صورت ویژه به دوستی با دوستان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی سفارش شده است.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (۱)

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود.

۲. صبر بر سختی های دوران غیبت

امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی تابند و در این راه، از هر گونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی گذارند. از آن جا که یکی از آموزه های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت ها شکیبایی داشته باشیم.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَدْرٍ وَأُحُدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلَ فِينَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُوا [تَحْمَلُونَ] لِمَا حُمِلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛ (۲)

پس از سپری شدن دوران شما، مردمی بر سر کار خواهند آمد که هر فرد آنان، پاداش پنجاه تن از شما را داراست». عرض کردند: «ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جنگیدیم و درباره ما آیاتی از قرآن

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۴۹.

نازل شد». فرمود: «اگر شما آنچه را آن‌ها تحمل کردند، متحمل شوید، از صبر و شکیبایی آنان برخوردار نخواهید بود.

امام حسین بن علی علیهما السلام فرمود:

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ (۱)

... اما صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دشمنان مبارزه کند.

۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد. یکی از مصادیق دعا می‌تواند رفع گرفتاری‌های همه انسان‌ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی‌یابد، مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پس پرده غیبت بیرون آمده جهان را به نور خود روشن سازد، از این رو است که در برخی روایات سفارش شده است برای فرج و گشایش دست به دعا برداریم.

... آری کسی که در انتظار آمدن مولای خود به سر می‌برد، از خداوند تعجیل امر فرج او را درخواست خواهد کرد؛ بویژه آن که بداند با فرج و ظهور او زمینه هدایت، رشد و کمال جامعه بشری به طور کامل فراهم می‌شود. در روایت است که خود آن حضرت، در بخشی از توفیق شریف فرمود:

وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛

و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید. (۲)

یکی از پژوهشگران معاصر می‌نویسد:

البته هر کس می‌داند که سفارش امام به درخواست و دعا، فقط مقصود ادای کلمات و لقلقه زبان نیست؛ گرچه خواندن دعا هم ثواب مخصوصی دارد؛ بلکه منظور، توجه قلبی دائم به معنا و مفهوم این دعا و توجه به این است که

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

در دوره غیبت، امر دین و دین داری و اعتقاد صحیح به غیبت و امامت، کار دشواری است که فقط از آدم اهل یقین و با استقامت ساخته است.

یگانه کسی که از دریای معرفت پروردگار چشیده باشد و به قلزم شناخت پیامبر و ائمه و امام غایب علیهم السلام دستی رسانده و از کج راه های گمراهی و سرگردانی پرهیز کرده باشد، سختی های دوره غیبت را به آسانی تحمل خواهد کرد و ناباوری ها، برایش به یقین مبدل خواهد شد. (۱)

۴. آماده باش دائمی

از مهم ترین وظایف دوران غیبت، آمادگی دائمی و راستین است. در این باره در کتاب های روایی روایات فراوانی وجود دارد.

امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریف «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» فرمود:

اصْبِرُوا عَلٰی اَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا اِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرِ؛ (۲)

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یک دیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

بر خلاف تصور برخی که «رابطوا» را بر ایجاد ارتباط و ملاقات با حضرت معنا کرده اند، این واژه به معنای آمادگی برای مبارزه است. (۳)

از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید، رابطه بر دو گونه است:

گونه اول: آن است که گروهی از مسلمانان در مرزهای کشورهای اسلامی برای دفع دشمنان آماده باشند.

گونه دوم: آن است که مؤمنان در هر حال، منتظر فرج معصومان علیهم السلام باشند، و در تسلیم و اطاعت امر آن ها و صبر بر طول زمان ظهور و فرج و در آنچه در حال استتار آن ها و امر آن ها است، ثابت قدم باشند، و در این حال، در حد امکان آماده باشند؛ عزم

۱- سعادت پرور، علی، ظهور نور، ص ۱۰۳.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹.

۳- ر.ک: لسان العرب، ج ۷، ص ۳۰۳؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۸.

بر یاری ایشان در هنگام ظهور داشته باشند و از نظر ظاهری و جسمی هم در امر آن ها ثابت قدم باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر یک از شما برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ابزار جنگی فراهم کنید؛ اگر چه یک تیر باشد. امید است همین که کسی این نیت را داشته باشد، حق تعالی او را از اصحاب و یاوران او قرار دهد. (۱)

۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت

یکی از مسؤولیت های شیعه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران بزرگداشت نام و یاد آن حضرت است. این بزرگداشت، جلوه های فراوانی دارد. از تشکیل نشست های دعا و نیایش گرفته تا اقدام های فرهنگی و ترویجی و از تشکیل حلقه های بحث و گفت و گو گرفته، تا پژوهش های بنیادین و سودمند، همه و همه می تواند در راستای بلندی بخشیدن به این نام بزرگ باشد.

یکی از نمادهای بزرگداشت آن حضرت، احترام هنگام یاد آن حضرت است. (۲)

از آن جا که امروزه ایستادن هنگام شنیدن لقب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در فرهنگ شیعه به معنای احترام به آن حضرت است اگر برنخاستن، بی احترامی به آن حضرت باشد، به طور قطع جایز نیست.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲- لازم یادآوری است برخی دلیل این کار را روایاتی می دانند که در این باره وارد شده است، اما این روایات با وجود آن که در برخی کتاب های معاصر نقل شده است (صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۶۴۰، ح ۴)، در منابع اولیه و معتبر نقل نشده است. برخی نیز روایاتی است که بررسی ها نشان می دهد تغییراتی در آن ها پدید آمده است. (همان، ح ۳)؛ در حالی که در منابع نخستین، به گونه ای متفاوت ذکر شده است. (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۶؛ خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نیلی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المصیئه، ص ۳۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴).

۶. حفظ پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خدش در همه حال از بلا نگه دارد

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

امام باقر علیه السلام درباره ثابت قدمان بر امر ولایت فرموده است:

زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند. خوشا بر افرادی که در آن زمان، بر امر ما ثابت بمانند! کمترین ثوابی که برای آن ها خواهد بود، این است که باری تعالی به آن ها ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به نهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود، شما را مژده می دهم. شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید. از شما می پذیرم و از شما در می گذرم و برای شما می بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آن ها بگردانم. و اگر شما نبودید؛ بر آن ها عذاب می فرستادم.... (۱)

شکی نیست امامان معصوم علیهم السلام سخنی از نزد خود نمی گویند و آنچه در این سخن بدان اشاره فرموده اند بر گرفته از علوم است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت نیز از وحی الهی دریافت کرده است؛ بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نخواهد ماند.

بنابراین یکی از کارهایی که این پیوند را ناگسستنی می کند تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. در این باره سفارش شده در پگاه هر روز، زانوی ادب در مقابل ساحت آن امام همام بر زمین نهاده به دستور امام صادق علیه السلام این عهدنامه را نجوا نماید که اگر چهل صبح چنین کند، امید است از یاران آن حضرت باشد؛ دعایی که این گونه آغاز می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ أَيُّنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَنِّ وَالِدَيَّ وَ عَنِّ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ...؛ (۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۱، ح ۱۵.

۲- کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۵۵۰؛ و نیز ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

خودآزمایی

۱. برخی فضیلت های منتظران را نام برده، توضیح دهید.
۲. دو مورد از موارد توجیه فضیلت منتظران را شرح دهید.
۳. شناخت امام زمان یکی از بایسته های عصر انتظار است. در این باره توضیح دهید.
۴. رابطه بین صبر و انتظار را شرح داده، به روایتی در این باره اشاره کنید.
۵. درباره دعا برای فرج در جایگاه یکی از وظایف منتظران، توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ ش.
۲. محمد شجاعی، آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، محیی، ۱۳۸۱ ش.
۳. ابراهیم شفیعی سروسستانی، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ ش.
۴. سید رضی سید نژاد، وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.
۵. سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.

درس چهاردهم: غیبت کبرا و نیابت عام

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نیابت عام

ولایت فقیه

حکومت از نگاه آموزه های اسلامی

پیش درآمد

یکی از بحث های حسّاس، مهم و اساسی مربوط به دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بحث حاکمیت اسلامی در این دوران است. در این باره، میان اندیشوران شیعه، دیدگاه های متفاوتی پدید آمده است. برخی از فقیهان شیعه، بر این باورند که تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. این گروه، با بهره مندی از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، بر این باورند که فقیهان عادل، باید پا پیش گذاشته، به این مهم جامه عمل بپوشانند و اگر یکی از آن ها چنین کرد، بر دیگران است تا از او حمایت و پیروی کنند.

برابر دیدگاه نخست، عده ای بر این گمانند که برپایی حکومت اسلامی، از ویژگی های پیشوای معصوم علیه السلام بوده، دیگران را در این عرصه نه فقط توانی نیست که مجالی هم نیست.

در این درس، در پی آنیم به اندازه ممکن، بحث نیابت عام را بررسی کرده، به وضعیت حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا اشاره ای داشته باشیم. (۱)

پیش از آن که وارد بحث شویم، لازم است مقدمه ای را یادآور شویم.

۱- بدون شک بحث در این موضوع، گستره بسیار وسیعی دارد و هر یک از موضوعات خود، درس یا درس هایی را در بر می گیرد؛ اما به دلیل مجال اندک، در این اثر، فقط به صورت اشاره از آن می گذریم و علاقه مندان را به آثار فاخر و ارزشمندی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است ارجاع می دهیم.

غیبت کبرا

با پایان یافتن دوران "غیبت صغرا" در سال ۳۲۹ق و رحلت چهارمین سفیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» و به بیان توقیع شریف «غیبت تامه»^(۱) آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و تا فرا رسیدن روز ظهور آن حضرت نیز ادامه خواهد یافت.

همان گونه که اشاره شد، از این دوران در روایات با «غیبت تامه» تعبیر شده و اصطلاح «غیبت کبرا» در روایات نیامده است، اگر چه در برخی روایات اشاره شده است که از دو غیبت حضرت، یکی کوتاه و دیگری دراز مدت است.

برخی ویژگی های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می سازد، عبارت است از:

۱. طولانی بودن و نامعین بودن مدت این دوران: بر خلاف غیبت صغرا، این غیبت، زمانی طولانی را در بر خواهد گرفت.
۲. نامشخص بودن پایان آن: دوره غیبت کبرا محدود خواهد بود؛ اما پایان آن نامشخص است و جز خداوند از آن آگاهی ندارد.
۳. قطع ارتباط ظاهری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران: به گونه ای که ارتباط موجود در زمان غیبت صغرا در این دوران وجود نخواهد داشت.
۴. عام بودن نیابت در این دوران: بر خلاف دوران غیبت صغرا که ارتباط مردم با آن حضرت، از راه نواب خاص صورت می گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم، نایبان عام آن حضرت هستند؛ که با ملاک هایی که در روایات ذکر شده، قابل تشخیص است. در این دوران مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارند.
۵. فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین: از ویژگی های مهم این دوران، گسترش ستم است. که هر چه به گاه ظهور نزدیک تر می شود بر شدت آن افزوده می شود.

۱- شاید مقصود از "غیبت تامه" این باشد که این پنهان زیستی که در دوران کوتاه مدت، با ارتباط مردم به واسطه نایب های چهارگانه و نیز ملاقات هایی، به صورت ناقص بود، با پایان یافتن نیابت خاص و نیز بسته شدن ملاقات، تمام و کامل شد.

۶. شدید شدن آزمایش های الهی: اگر چه از سنت های الهی در همه دوران ها امتحان و آزمایش بندگان است؛ اما به دلیل هایی این امتحان ها در دوران غیبت کبرا شدت بیشتری می یابد؛ به ویژه در آستانه ظهور، این امتحان ها جدی تر می شود.

بنابراین نیابت عام در جایگاه یکی از ویژگی های دوران «غیبت کبرا» دارای اهمیت است.

نیابت عام

پس از پایان دوران «غیبت صغرا» و نیابت خاص و با آغاز «غیبت کبرا» هدایت شیعیان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد، سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفش حرام خواهد بود.

در این باره روایاتی چند نقل شده است؛ از جمله:

۱. اسحاق بن یعقوب، درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و توفیق ذیل در پاسخ او صادر گردید:

...وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ (۱)

... و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما (دانشمندان علوم دینی) رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدای بر آنانم.

این روایت، از روشن ترین روایات در بیان ولایت عام است. بیشتر افرادی که به این روایت تمسک کرده اند، بیشتر به فقره دوم آن (فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)، توجه داشته اند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴.

۲. امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمٌ مِّنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّالِينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لِحُجَّتِهِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شُبَّانِكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فَخَاحِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا إِزْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمَسُّونَ أَرْوَاحَهُمْ قُلُوبُ ضُعَفَاءِ الشَّيْخَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَتْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۱)»

اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می کنند و به سوی او رهنمون می شوند و از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای شیطانی نجات می دهند، احدی باقی نمی ماند، جز این که از دین خدا مرتد می شدند؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعفها را به دست می گیرند؛ همان گونه که ملوان ها، زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ حفظ می کنند. این ها نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند.

۳. امام حسن عسکری علیه السلام درباره فقیهان راستین، ویژگی های آن ها و مسؤولیت جامعه برابر آن ها، فرموده است:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...؛ (۲)»

... و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است از او تقلید نمایند.

۴. مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی روایتی را که به «مقبوله عمر بن حنظله» معروف است، از امام صادق علیه السلام به مضمون ذیل نقل کرده اند:

«... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۲۳.

۲- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...؛ (۱)

...هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم... .

به راستی همین نایبان عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف حفظ نموده، مسایل مورد نیاز را برای مسلمانان بیان کرده اند و دل های شیعیان را بر اساس باورها درست، استوار ساخته اند. تمام موفقیت های مختلف، با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر محدثان و فقیهان شیعه از اواخر غیبت صغرا تا به امروز بوده و حیات و شادابی و پویایی تشیع را تضمین نموده است.

یکی از دانشوران معاصر، درباره چگونگی «نیابت عام» و بروز اندیشه «ولایت فقیه» چنین نوشته است:

شیعیان، تا زمانی که امیدی به تشکیل حکومت نداشتند، به طور ارتکازی و با الهام گرفتن از امثال روایات "عمر بن حنظله" و "ابو خدیجه" و "توقیع صادر از ناحیه مقدسه"، نیازهای روزمره خو را با رجوع به فقهای بلاد برطرف می کردند و در واقع، فقهای واجد شرایط را «نواب عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» می شمردند (در برابر «نواب خاص» در زمان غیبت صغرا)؛ ولی از هنگامی که بعضی از حکام شیعه اقتداری یافتند، مسأله ولایت فقیه در زمان غیبت کبرا به صورت جدی تری مطرح شد و با گسترش این مباحث در میان توده ها، حکام و سلاطین شیعه برای مشروع جلوه دادن حکومتشان کوشیدند موافقت فقهای بزرگ را به دست آورند و حتی گاهی رسماً از آنان اجازه می گرفتند و متقابلاً فقها هم این فرصت ها را برای نشر معارف اسلامی و ترویج مذهب تشیع مغتنم می شمردند؛ ولی ظاهراً در هیچ عصری، هیچ سلطانی حاضر به تحویل دادن قدرت به فقیه واجد شرایط نبوده؛ چنان که هیچ فقیهی هم امیدی به دست یافتن به چنین قدرتی نداشته است و در واقع با

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰؛ شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۶.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که عملاً ولایت فقیه به معنای واقعی کلمه تحقق یافت و نیاز به بررسی های دقیق درباره مبانی و فروع آن آشکار گشت. (۱)

این جا به صورت فشرده به برخی بحث ها در این زمینه اشاره می کنیم.

ولایت فقیه

اشاره

مسأله «ولایت فقیه» که پیشینه آن به آغاز فقه باز می گردد، یکی از مهم ترین مسایل جامعه شیعی است؛ به گونه ای که اندیشه سیاسی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت کبرا به ویژه دوران معاصر با آن گره خورده است.

از آنجا که در دوران معاصر بزرگ ترین تحوّل اجتماعی در امت اسلامی به نام انقلاب اسلامی ایران بر این باور سترگ بنا شده، بحث درباره آن، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

از سوی دیگر، یگانه فریاد ظلم ستیزی و مقابله با زیاده خواهی استکبار جهانی، برخاسته از این تفکر ارجمند و اصل مترقی است که دشمنی های فراوانی را از طرف ستمگران و استکبار جهانی در پی داشته است. این خود، اهمیت پرداختن به این بحث را دوچندان ساخته است.

جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه

«ولایت» واژه ای عربی است که از نگاه لغوی، از کلمه «ولی» گرفته شده است و به کسر و فتح «واو» خوانده می شود. «ولی» در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر؛ بدون آن که فاصله ای میان آن دو باشد؛ از این رو، این واژه در معانی «دوستی»، «یاری»، «پیروی»، «تصدی امر غیر» و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی «قرب معنوی» است.

از میان این معانی، معنای سرپرستی و تصرف در کار دیگری، با آنچه از ولایت فقیه اراده می شود، همخوانی بیشتری دارد. کسی که عهده دار کاری می شود، بر آن ولایت یافته و «مولا» و «ولی» آن امر محسوب می شود.

۱- مصباح یزدی، محمد تقی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱، مقاله اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها.

بنابراین، کلمه ولایت و هم ریشه های آن (مانند ولی، تولیت، متولی و والی) دلالت بر معنای سرپرستی، تدبیر و تصرف دارد. واژه «فقیه» در لغت، به معنای کسی است که فهمی عمیق و دقیق دارد و از ریشه فقه گرفته شده که به معنای غلبه علم و فهم و ادراک درباره چیزی است. در اصطلاح، فقیه کسی است که بتواند احکام شرعی را از آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام استنباط و استخراج کند.

ادله ولایت فقیه

«ولایت فقیه» هم از راه عقل و هم از راه روایات و احادیث ثابت است.

از آن جا که در بخش نیابت عام به برخی روایات در این باره اشاره شد، این جا به صورت مختصر به دلیل عقلی اشاره ای می کنیم.

همان گونه که پیش از این یاد شد، در عصر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیه السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است؛ بنابراین باید فردی ولایت و حکومت را بر عهده بگیرد؛ بدین منظور، سه راه پیش رو داریم: یا این که «ولایت غیر فقیه» را بپذیریم یا «فقیه غیر عادل» یا «ولایت فقیه عادل» را.

عقل هر انسان حکم می کند «غیر فقیه» و «فقیه غیر عادل» شایسته ولایت و حکومت نیست؛ چرا که این جا تشکیل حکومت اسلامی مورد بحث است و برای پیاده کردن حکومت اسلامی و اجرای احکام دین، باید فردی زمام این امر را به عهده گیرد که به احکام اسلامی به طور ژرف و اساسی آشنا بوده و شیوه اداره حکومت را هم بداند و در عین حال، پرهیزگار و متعهد باشد، تا امر حکومت را فدای خواسته های نفسانی و امیال شیطانی خود نکند. افزون بر آن، این که نه فقط درباره حکومت اسلامی، بلکه درباره هر حکومتی، عقل حکم می کند جاهلان، جاه طلبان و هوسرانان شایستگی زمامداری را ندارند؛ بنابراین فقیهی که به احکام اسلامی و اوضاع سیاسی اجتماعی زمان خود آگاه بوده و از تقوا و عدالت و تدبیر و مدیریت و کمالات لازم برخوردار باشد، برای حکومت شایسته تر از دیگران است.

در اصطلاح، «ولی فقیه» کسی است که عالم به سیاست های دینی و برقرار کننده عدالت اجتماعی میان مردم باشد. طبق اخبار، او دژ اسلام و وارث پیامبران و جانشین پیامبر خدا و همچون پیامبران بنی اسرائیل بوده، بهترین خلق خدا پس از امامان علیهم السلام است. مجاری امور و احکام و دستورها، به دست او بوده و حاکم بر زمامداران است. (۱)

مسأله «ولایت فقیه» ریشه کلامی دارد؛ ولی جنبه فقهی آن سبب شده است فقیهان از روز نخست، در ابواب گوناگون فقهی از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک از مسایلی مربوط روشن سازند. در باب جهاد و تقسیم غنائم و خمس و گرفتن و توزیع زکات و سرپرستی انفال و نیز اموال غایبان و قاصران و باب امر به معروف و نهی از منکر و باب حدود و قصاص و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام، فقها از مسأله «ولایت فقیه» و گستره آن بحث کرده اند؛ (۲) بنابراین در یک تقسیم بندی کلی، دو نوع ولایت تصور می شود:

قسم نخست: ولایت، از نوع سرپرستی و اداره امور مؤمنان است؛ همان ولایتی که به قرار دادن خداوند، رسول اکرم و امامان معصوم علیهم السلام و در عصر غیبت، فقیه عادل از آن برخوردار است.

قسم دوم: ولایت، ناظر به تصدی امور کسانی است که به سبب کوتاهی در فهم و شعور یا ناتوانی عملی از انجام کارهای خویش و یا عدم حضور، نمی توانند حق خود را به طور کامل به دست آورند و لازم است که ولی از طرف آنان و به صلاحدید خودش به سرپرستی و اداره امور این افراد اقدام کند. ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغیر و یا سفیه و مجنون خود، ولایت اولیای مقتول ولی دم ولایت میّت، نمونه هایی از این قسم ولایت است. (۳)

از جمله آیات زیر را می توان ناظر بر قسم دوم دانست.

۱- ر.ک: امام خمینی قدس سرّه، رسائل، ج ۲، ص ۱۰۲۹۴.

۲- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، مقدمه.

۳- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۱۱۸.

(وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ)؛ (۱)

و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم؛ پس [او] نباید در قتل، زیاده روی کند.

و نیز این آیه:

(فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلْ وَليُّهُ بِالْعَدْلِ)؛ (۲)

پس اگر کسی که حق بر ذمه او است، سفیه یا ناتوان است یا خود نمی تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید.

غفلت از تفاوت اساسی میان این دو قسم ولایت و یکسان پنداشتن آن دو، منشأ خطایی شده است که برخی مخالفان ولایت فقیه بدان دچار شده و پنداشته اند ولایت فقیه، از سنخ ولایت بر محجوران و قاصران است و معنای ولایت فقیه، آن است که مردم همچون مجانبین و کودکان و سفیهان محجور و نیازمند قیمنند، و ولی فقیه، قیم مردم است؛ پس ولایت فقیه، مستلزم نوعی تحقیر و اهانت به مردم و رشد آنان است. (۳)

اساساً اضافه شدن ولایت به وصف عنوانی «فقیه» محدودیت آن را در چارچوب فقه می رساند. در واقع، فقه او است که حکومت می کند، نه شخص او، پس هیچ گونه قاهریت و حاکمیت اراده شخصی در کار نیست.

از همین جا، مسئولیت مقام رهبری در اسلام، در پیشگاه خدا و مردم روشن می شود. او در پیشگاه خدا مسئول است تا احکام را کاملاً اجرا نماید و مقابل مردم مسئول است، تا مصالح همگانی را به بهترین شکل ممکن تأمین نماید و عدالت اجتماعی را در همه زمینه ها و به صورت گسترده و بدون تبعیض اجرا کند و هرگز در این مسئولیت کوتاه نیاید. (۴) این جا است که بحث حکومت اسلامی به رهبری فقیه عادل پیش می آید.

۱- اسراء (۱۷): آیه ۳۳.

۲- بقره (۲): آیه ۲۸۲.

۳- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۱۱۹.

۴- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، ص ۱۰ و ۱۱.

حکومت از نگاه آموزه های اسلامی

اشاره

شکی نیست که حکومت یک ضرورت اجتماعی است. جامعه بشری از آن جهت که از افراد با منافع، علاقه ها و سلیقه های متعارض تشکیل شده است، به طور ضروری نیازمند حکومت است. نبود حکومت، سبب هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد.

افزون بر آن، حکومت، در جایگاه اساسی ترین عنصر در تنظیم امور جامعه و تضمین اجرای قوانین در پیشرفت مادی و معنوی جوامع، نقش تعیین کننده ای دارد؛ از این رو مسأله حکومت و اهمیت آن در میان آموزه های دینی، جایگاه ویژه ای دارد؛ به گونه ای که انبوهی از روایات اسلامی، در این زمینه وارد شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام، در پاسخ به دیدگاه باطل خوارج که حکومت را فقط در محدوده مسؤولیت های خداوند می دانستند، فرمود:

...وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...؛^(۱)

... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...

این فرمایش، ناظر به ضرورت وجود حکومت است و نشان می دهد در جامعه بشری اهمیت وجود حکومت، به اندازه ای است که حتی وجود حکومت غاصبانه و ولایت سیاسی نامشروع یک فرد ناصالح، بهتر از وضعیت هرج و مرج اجتماعی و فقدان حکومت است؛ زیرا حکومت هرچند نامشروع و ناموجه برخی نقص ها و خلل های اجتماعی را می پوشاند و بخشی از نیازمندی های مجتمع انسانی را تأمین می کند.

روشن است که حاکم نیکوکار، جامعه را به نیکی ها و رستگاری هدایت خواهد کرد؛ بنابراین دین، ضمن این که حکومت را یک ضرورت اجتماعی پذیرفته است، بیشترین تأکیدهای خود را بر شکل گیری حاکمیت انسان های صالح بر مدار دین یادآور شده است.

حکومتی مرجعیت همه جانبه دین را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است که دولت و نهادهای گوناگون آن، خود را برابر آموزه ها و تعالیم دین و مذهب متعهد

۱- امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

می دانند و سعی می کنند در تدابیر و تصمیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم انواع روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در همه این شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام بگیرند و آن ها را با دین موزون و هماهنگ کنند. (۱)

واقعیت تاریخی، آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت به مدینه، قبایل اطراف مدینه را به اسلام دعوت کرد و اتفاق و اتحادی به مرکزیت مدینه النبی به وجود آورد. هماره برداشت و تفسیر مسلمین از این واقعه چنین بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه حکومت تشکیل داد و در کنار نبوت و وظایف تبلیغی و ارشادی، زعامت سیاسی مسلمین را نیز بر عهده داشت. این اقدام وی، ریشه در وحی و تعالیم الهی داشت و ولایت سیاسی پیامبر نشأت گرفته از تنفیذ و فرمان الهی بود؛ زیرا خداوند می فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (۲)»؛

پیامبر به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر [و نزدیک تر] است.

و نیز می فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (۳)

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته است، داوری کنی.

خداوند در این دو آیه، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ولایت بر مسلمین را عطا می کند و از او می خواهد بر طبق آنچه از قرآن به او آموخته است، میان مردم حکم کند. همچنین در آیات دیگر، مانند این دو آیه زیر، از مسلمین می خواهد که از او اطاعت کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ»؛ (۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را [نیز] اطاعت کنید.

۱- ر.ک: واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۳۰.

۲- احزاب (۳۳): آیه ۶.

۳- نساء (۴): آیه ۱۰۵.

۴- نساء (۴): آیه ۵۹.

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ (۱)

ولی چنین نیست؛ به پروردگارت قسم! که ایمان نمی آورند، مگر آن که تو را درباره آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

بر اساس این تفسیر رایج و متعارف، اقدام مسلمانان صدر اسلام به تشکیل حکومت دینی، ریشه در دین و تعالیم آن دارد و اقدامی کاملاً دینی و مشروع است. (۲)

اندیشه سیاسی شیعه

از آنچه گفته شد می توان اندیشه سیاسی شیعه را در دو مقطع قابل بررسی دانست:

الف. مقطع حضور امام معصوم علیه السلام

ب. دوران غیبت امام عصر علیه السلام

مقطع حضور امام معصوم علیه السلام

شیعه در باب ولایت سیاسی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به «نظریه امامت» معتقد است. اعتقاد شیعه در باب شأن و منزلت امامان معصوم علیهم السلام در ولایت سیاسی آنان بر امت خلاصه نمی شود و بسی فراتر از آن است. شیعه بر آن است که امامان معصوم علیهم السلام در همه شؤون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جز دریافت وحی تشریحی، وارث و نایب او هستند؛ بنابراین، امامان، افزون بر ولایت سیاسی، دارای ولایت معنوی و هدایت دینی جامعه و آموزگار حقایق دینی نیز هستند.

دیدگاه عالمان شیعی در باب ولایت سیاسی در عصر حضور امام معصوم، به طور کامل متحد و صریح و روشن است. شیعه به نظریه امامت معتقد است و ولایت امت را یکی از شؤون امامت امام معصوم می داند. این مذهب برحق، کلیه حکومت هایی که با

۱- نساء (۴): آیه ۶۵.

۲- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۴۲.

نادیده گرفتن این حق الهی تشکیل می شوند، غاصبانه و حکومت جور می داند. در این مبنا، عالمان شیعی اختلاف دیدگاهی ندارد؛ زیرا قوام و هویت شیعه با این اعتقاد گره خورده است. آنچه شایسته بحث و بررسی است، اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت است.

دوران غیبت امام عصر علیه السلام

اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت، به لحاظ وضوح و روشنی و اتفاق کلمه، برابر و هم طراز با اندیشه سیاسی شیعه در عصر حضور امام معصوم نیست. هیچ عالم شیعی، هرگز در زمینه ولایت سیاسی معصومان و امامت آنان تردید نمی کند؛ زیرا این تردید، به منزله خروج از تشیع است. امامت معصومان علیهم السلام نه صرفاً یک اتفاق نظر، بلکه جوهره تشیع است. پرسش آن است که آیا چنین اتفاق نظری در باب کیفیت ولایت سیاسی در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام وجود دارد؟

واقعیت آن است که چنین اتفاق نظری از همه جهات وجود ندارد؛ یعنی نمی توان یک قول مشخص و ثابت را به همه عالمان شیعی نسبت داد؛ زیرا در برخی زوایای این بحث، میان آنان اختلاف نظرهایی وجود دارد. (۱)

همان گونه که پیش از این گفته شد، ویژگی هایی، این دوران را با قبل از آن متمایز ساخته است که مهم ترین آن ها قطع ارتباط مردم با امام خویش است. در این دوران است که مسلمین از پیشوا و رهبرشان بریده، راهی به بهره برداری از گفتار و کردار آن حضرت ندارند؛ نماینده و سفیر خاصی نیست و از آن حضرت پیامی شنیده نمی شود و نامه و سفارشی از سوی آن حضرت آن گونه که در دوران غیبت صغرا متداول بود نمی بینند. (۲)

بنابراین، می توان دیدگاه مدافعان "حکومت ولی فقیه" را در جایگاه اصلی مترقی مورد پذیرش دانست.

۱- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۹۲ ۹۵ (با تصرّف).

۲- ر.ک: صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ص ۳۴.

خودآزمایی

۱. فرمایش امام علی علیه السلام را درباره ضرورت وجود حاکم بیان کرده، آن را توضیح دهید.
۲. مهم ترین تفاوت غیبت صغرا با غیبت کبرا چیست؟ توضیح دهید.
۳. نیابت عام به چه معنا است؟ به دو روایت در این زمینه اشاره کنید.
۴. درباره جایگاه ولایت فقیه در فرهنگ شیعه توضیح دهید.
۵. به دو آیه که در آن، خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ولایت بر مسلمین را عطا کرده است. اشاره کرده، آن را شرح دهید.

===

منابع برای پژوهش

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
۲. علی رضا رجالی تهرانی، ولایت فقیه در عصر غیبت، قم، نبوغ، ۱۳۷۹ ش.
۳. حبیب الله طاهری، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، قم، اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.
۵. اسماعیل منصوری لاریجانی، ولایت حکومت حکیمانه، قم، خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.

درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی.
۲. المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید صدر الدین صدر.
۳. تاریخ غیبت کبرا، سید محمد صدر.
۴. مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم علیه السلام، میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی.
۵. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، علامه محمد باقر مجلسی.
۶. تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی و دیگران.
۷. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم محمد حسین.
۸. روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، کامل سلیمان.
۹. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی غفار زاده.
۱۰. جزیره خضرا در ترازوی نقد، سید جعفر مرتضی.

پیش درآمد

استقبال قابل ستایش و روزافزون از مباحث مهدویت از سویی و عدم نظارت جدی بر انتشار کتاب های مهدویت از سوی دیگر، می طلبد تا افرادی که علاقه مند مطالعه در این عرصه ارزشمند هستند، آگاهی لازم را برای شناسایی منابع معتبر و بدون اشکال به دست آورند.

یکی از راه هایی که می تواند به علاقه مندان این عرصه کمک ارزشمندی نماید، معرفی کتاب های معتبر در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا دست کم اغلب مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس، به برخی از کتاب هایی از این دست اشاره کنیم (۱).

۱- لازم به یادآوری است معرفی این کتاب ها به معنای تأیید کامل مطالب مندرج در آن ها نیست؛ بلکه بدان سبب است که در مقایسه با کتاب های دیگر، به دلیل هایی بیشتر قابل استفاده هستند.

امامت و مهدویت

این اثر ارزشمند، حاصل سال‌ها تلاش آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (۱) از مراجع تقلید معاصر شیعه است.

این کتاب، مجموعه مقالاتی است که در مناسبت‌ها و فرصت‌های گوناگون درباره «ولایت و امامت عامه و خاصه» به رشته تحریر درآمده و پیش از آن به صورت کتاب‌های مستقلی به چاپ رسیده بود.

این مجموعه، پس از تنظیم در سال ۱۳۸۰ در دو مجلد به چاپ رسیده است. جلد نخست، درباره مباحث بنیادین امامت و جلد دوم ویژه مباحث مهدویت است.

عناوین مطالب جلد نخست این کتاب بدین قرار است.

۱. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی: در این مقاله، به بحث‌هایی چون توحید و پرهیز از شرک و غلو، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی، و... پرداخته شده است.

۲. تجلی توحید در نظام امامت: در این مقاله، به بحث درباره تجلی توحید در رسالات انبیا، در اسلام، در نظام امامت و در امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است.

۳. پیرامون معرفت امام: در این مقاله، به موضوعاتی که به شناخت و معرفت امام مربوط است، توجه شده و به مناسبت، به بحث‌هایی چون نیاز جامعه به مرکز و مدیر و وجوب اطاعت امام نیز پرداخته شده است.

۱- این عالم ارجمند در نوزده جمادی الاول ۱۳۳۷ق در گلپایگان دیده به جهان گشوده. مراحل تحصیلی خود را در گلپایگان، قم و نجف سپری کرد و از خرمن علمی اساتیدی چون آیات عظام: خوانساری، حجت، صدر، بروجردی، گلپایگانی در قم، سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ محمد علی کاظمی و شیخ محمد کاظم شیرازی در نجف اشرف و پدر بزرگوارش در گلپایگان خوشه چید. حدود ۸۰ اثر ارزشمند به رشته تحریر در آورده که قسمتی از آن‌ها را به حضرت بقیه الله علیه السلام اختصاص داده است. (مشعل جاوید، ص ۱۸۵)

۴. نظام امامت و رهبری: در این بخش، به بررسی معنای امام و در پی آن، انواع حکومت‌ها اشاره شده است.

۵. فروغ ولایت: در این بخش، به بررسی‌هایی درباره دعای ندبه چه از دیدگاه سند و چه از دیدگاه محتوا توجه شده است و در پایان نیز به برخی پرسش‌ها که در رابطه این دعای شریف مطرح شده، پاسخ داده شده است.

۶. انتظار عامل مقاومت و حرکت: در این مقاله که بخش پایانی جلد نخست به شمار می‌آید به موضوعات مربوط به بحث انتظار پرداخته شده است.

عنوان نوشته‌های جلد دوم چنین است

۱. وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. عقیده نجات بخش؛

۳. اصالت مهدویت؛

در این مقاله، اصالت‌های عقیده مهدویت را از ده جهت بحث و بررسی کرده که برخی از این‌ها قرار است:

اصالت مهدویت از جهت معقول بودن امکان آن.

اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی.

اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت.

اصالت مهدویت از جهت قبول امت‌ها و مبتنی بودن آن، بر بشارت‌های پیامبران و ادیان آسمانی.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای بر احادیث معتبر و متواتر.

اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت.

اصالت مهدویت از جهت معجزه‌ها و کرامت‌ها.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتا پرستی.

اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلام.

۴. معرفت حجت خدا: در این نوشتار به صورت عمده، به بحث درباره دعای «اللهم عرفنی نفسک...» پرداخته شده است.

۵. نوید امن و امان: در این مقاله به بشارت های قرآن مجید و نیز احادیث به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.

۶. پاسخ به ده پرسش: در بخش پایانی این مجموعه، در ضمن پرسش و پاسخ به مباحثی چون استمرار نظام امامت، چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود، چگونگی پیروزی امام زمان علیه السلام بر سلاح های ویرانگر، مکان آن حضرت در دوران غیبت کبرا و موضوعاتی دیگر، آن ها را نقد و بررسی کرده و سعی نموده با استفاده از آیات و روایات و علم جدید و استدلال های عقلانی به پرسش ها پاسخ معقول و منطقی دهد.

المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سید صدر الدین صدر، مؤلف کتاب، از دانشمندان بزرگ شیعه است. وی در این اثر، با بهره گیری از منابع حدیثی اهل سنت به موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته با مروری بر آیات ناظر بر موضوع، به نقل روایات مربوط به نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.

وی درباره انگیزه تألیف در مقدمه می نویسد: «در مجلس دوستانه ای، از مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آنچه شیعه امامیه، در این باب بدان معتقدند، سخن به میان آمد. برخی حاضران در مجلس، اظهار داشتند: «برادران اهل سنت، در این موضوع چه عقیده ای دارند؟ آیا از طریق آنان، احادیثی که موافق احادیث شیعه باشد، وارد شده و دانشمندان آنان، نوشته ای دارند یا خیر؟»

در پاسخ گفتم: «از طریق اهل سنت، احادیث مستفیضه، بلکه متواتره وارد شد و علمای آنان در این باب، تألیفات زیادی دارند. البته بعضی مناقشات و استبعاداتی نیز دارند که از گذشتگان خود گرفته اند و میان آنان رواج یافته و به تألیفات آنان، با اختلاف در تعبیر، سرایت کرده است.»

بعضی از حاضران در مجلس گفتند: «برای شما امکان دارد در این موضوع کتابی بنویسید؟» گفتم: «پرداختن به این مسأله، سبب جریحه دار شدن عواطف می شود و این را نمی پسندم؛ به ویژه مثل این زمان که ما به وحدت کلمه نیاز شدید داریم». گفتند: «بحث علمی با حفظ آداب مناظره و خارج نشدن از آداب و اخلاق اسلامی، اشکال ندارد».

از این رو پذیرفتم در این باب، کتابی بنگارم. آن گاه پس از مطالعه کتاب هایی که در دسترس بود، احادیث مربوط به موضوع را ذیل عنوان مناسب، گردآوری کردم. اگر حدیثی بر چند عنوان دلالت داشته، آن را زیر هر یک از عناوین آوردم.

در نقل روایات، بر کتاب هایی که در چاپخانه های اهل سنت به طبع رسیده بود، یا آثار مخطوطی که اعتبار آن ها مسلم بود، اکتفا کردم و جز اندکی از کتاب های چاپ شده در ایران، نقل نکردم. عنایت داشتم مطالبی گرد آورم که از کتاب های اهل سنت و مورد اعتماد آنان باشد. از علمای شیعه و منابع شیعی که احادیث نبوی را از طریق اهل سنت نقل کرده اند، حدیث نقل نکردم، مگر مقداری از کتاب الدرر الموسویه فی شرح عقاید الجعفریه، تألیف حسن صدر کاظمی، به سبب ادای بعضی حقوق و تأیید مطالب.

مؤلف، در پایان مقدمه می گوید: «خدا را شاهد می گیرم من به دیده انصاف به احادیث و سخنان سلف صالح نگریستم و بر آن رویه مشی کردم که اعتقاد خود را با دلیل منطبق سازم».

این کتاب، در هشت فصل بدین قرار گرد آمده است:

فصل اول: درباره بشارت هایی است که بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سخنان حضرت علی علیه السلام و بزرگان و دانشمندان، در قالب نظم یا نثر وارد شده است.

فصل دوم: مهدی منتظر، عرب و از امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و بیت شریف و خانواده وی مشخص بوده و شواهد بسیاری بر این دلالت دارند.

فصل سوم: در ویژگی های ظاهری و باطنی، ملکات فاضله، دانش، قضاوت، بیعت، حکومت، اصلاحات و...

فصل چهارم: در مقام و منزلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند و...

فصل پنجم: در ولادت، تعیین اسم، لقب، کنیه، نام پدر، مادر، طول عمر شریف و...

فصل ششم: در چگونگی غیبت، محل غیبت و علت غیبت، چگونگی بهره مندی مردم از حضرتش در زمان غیبت و...

فصل هفتم: در نشانه های آسمانی و زمینی ظهور، اوضاع عمومی جهان در آستانه ظهور و...

فصل هشتم: فضیلت انتظار فرج، نهی از تعیین زمان ظهور، محل ظهور، بیعت، شمار بیعت کنندگان و...

تاریخ غیبت کبرا

تاریخ غیبت کبرا، کتابی تاریخی و کلامی است که اصل آن، به زبان عربی با عنوان تاریخ الغیبه الکبری توسط سید محمد صدر به رشته تحریر در آمده است.

این اثر، دومین مجموعه از رشته پژوهش هایی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و عنوان کلی آن، موسوعه الامام المهدی می باشد. این کتاب، دارای پیشگفتاری درباره تعریف «غیبت کبرا» و سه بخش است:

بخش اول: تاریخ زندگی شخصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دارای پنج فصل است:

۱. راز بنیادی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. تکلیف اسلامی امام، در زمان غیبت کبرا و کارهایی که در این مدت انجام می دهد؛

۳. زندگی خصوصی آن حضرت؛

۴. دیدارهایش در طول غیبت کبرا؛

۵. نامه های او به شیخ مفید.

بخش دوم: تاریخ انسانیت در روزگار غیبت کبرا که دارای سه فصل است:

۱. بررسی اخبار مربوط به پیشگویی آینده؛

۲. اخباری مشتمل بر پیشگویی ها؛

۳. تکلیف اسلامی در عصر غیبت کبرا.

بخش سوم: شرایط ظهور و نشانه های آن که دارای دو فصل است:

۱. شرایط ظهور، برنامه ریزی ویژه ایجاد رهبر؛
۲. نشانه های ظهور: تعیین روش کلی، رویدادهایی که در تاریخ اتفاق افتاده است، روی دادن معجزه ها بیش از اندازه، قانونمندی معجزات، شمارش یکایک نشانه های ظهور و کوشش برای فهم کلی و منظم علایم ظهور.

مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم

این کتاب ارزنده، به دست علامه متقی مرحوم حاج میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی قدس سزه، (۱) نگارش یافته است.

طبق عنوان کتاب، موضوع آن، بررسی فواید دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اما فقط بخش عمده کتاب به این موضوع اختصاص دارد و نویسنده، به بحث های دیگر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرداخته است.

این کتاب، پژوهشی است درباره لزوم شناخت امام زمان علیه السلام و دعا برای آن حضرت و فواید دنیایی و آخرتی آن بر محور بیش از یک هزار حدیث فراهم آمده است. هدف نویسنده، حق گزاری و شکر نعمت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیدن خوابی درباره نوشتن این کتاب است.

وی درباره انگیزه نگارش این اثر نوشته است:

به نظرم آمد که کتاب مستقلی در این موضوع (فواید دعا برای امام زمان علیه السلام انتظار فرج، ابزار قرب به او و...) بنویسم؛ اما مشکلات روزگار، مرا از این کار بازداشت؛ تا این که در خواب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که به من فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم بگذار». وقتی از

۱- وی در سال ۱۳۰۱ ق در اصفهان تولد یافت و عمر خود را در تهذیب نفس، فراگیری و نشر علوم آل محمد سپری کرد. اگرچه عمر نسبتاً کوتاهی داشت، ولی آثار علمی ارزنده ای از خود به یادگار گذاشت. که از جمله آنها کتاب مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی در سال ۱۳۴۸ ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان در جوار پدرش مدفون گردید.

خواب بیدار شدم، تصمیم به نگارش آن گرفتم که توفیق یارم نشد؛ تا این که در سال ۱۳۳۰ ق به مکه مشرف شدم و وبا در آن جا گسترش یافت.

با خداوند عهد کردم اگر به سلامت بازگشتم، تصنیف این کتاب را آغاز کنم. به لطف خدا، با سلامتی بازگشتم و تدوین آن را آغاز کردم.

نویسنده، مطالب کتاب را در هشت باب به تعداد درهای بهشت، تنظیم کرده است:

۱. وجوب شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۲. امام زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛
۳. بخشی از حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما؛
۴. ویژگی های حضرت که مستوجب دعای مردم در حق او است؛
۵. فواید دعا برای فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۶. اوقات و حالاتی که در آن ها دعا برای حضرت و تعجیل فرج تأکید شده است؛
۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و پاره ای از دعاهاى مأثور؛
۸. در بقیه اموری که سبب قرب به حضرت می شود و حضرت را خوشحال می کند و نزد او پر ارزش است.

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)

این کتاب ارزشمند، ترجمه جلد سیزدهم کتاب بحار الانوار اثر گرانسنگ علامه مجلسی^۱ است که به وسیله دانشمند محترم، مرحوم علی دوانی به فارسی برگردان شده است. این اثر، حاوی گزارش تفصیلی با محتوای تاریخی حدیثی در زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ترجمه فارسی کتاب، با مقدمه و پاورقی های مبسوط مترجم همراه است. مقدمه و اضافات مترجم، با افزودن قصائد و قطعاتی چند از آثار ادب فارسی، نگارش یافته است. مترجم، در جای جای کتاب در رد شبهات فرقه بهائیه و بابیه، نهایت سعی خویش را به کار برده است.

عنوان های مهم کتاب، از این قرار است:

۱. عناوین مقدمه های کتاب: شرح کامل زندگانی علامه مجلسی و آثار و آرای او، مواضع شرق شناسان انگلیسی و صوفیه درباره علامه مجلسی، فرقه های صوفیه شیعه و سنی، نکوهش صوفیه توسط دانشمندان بزرگ شیعه، مهدویت در اسلام و دیگر ملل و ادیان، بهایی گری و منشأ پیدایش آن و کتاب های این فرقه.

۲. پاورقی ها: شامل ده ها موضوع متنوع تاریخی، کلامی، حدیثی، ملاحم، اشعار و مدایح است.

۳. متن کتاب: تاریخ ولادت، نام و کنیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیاتی که در روایات اهل بیت علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت تأویل شده است؛ روایاتی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، همچنین اخباری که به وسیله کاهنان ذکر شده است، طرح بسیاری از مسایل کلامی به صورت پرسش و پاسخ، ارائه نظریات برخی علمای بزرگ در موضوع مهدویت، مقایسه شباهت های آن حضرت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام، اخبار معمرین (آنان که عمری طولانی داشته اند) دنیا و تحلیل غیبت طولانی آن حضرت، کرامات آن حضرت، نواب خاص آن حضرت، مدعیان دروغین نیابت، تشریف یافتگان محضر آن بزرگوار، انتظار فرج، نشانه های ظهور، شیوه حکومت داری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رویدادهای زمان آن حضرت، رجعت، جانشینان حضرت و سرانجام وقایع پس از آن حضرت و پایان تاریخ... فقط برخی از موضوعات مورد بحث این اثر ارزشمند است.

تاریخ عصر غیبت

(نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم)

در این کتاب که به وسیله گروهی از نویسندگان (پور سید آقایی، جباری، عاشوری حکیم) به رشته تحریر در آمده، تلاش شده است تحلیلی از دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار خواننده قرار گیرد.

کتاب، نگاهی است از منظر تاریخی و تلاشی است در جهت بررسی تاریخ «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا» ی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در بررسی غیبت صغرا، ابتدا مروری شده است بر بررسی منابع و شناخت وضعیت سیاسی اجتماعی و فکری عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه غیبت و آشنایی با زمینه های تاریخی و تمهیدات امامان علیهم السلام به ویژه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام برای ورود شیعه به این عصر و بررسی سازمان مخفی و کالت و تکوین و فرایند تکاملی آن و نقش آن، در زمان غیبت صغرای حضرت و سپس چگونگی آغاز غیبت، دلایل آن، شرح نواب خاص و وظایف و نقش آنان در این عصر.

در بررسی غیبت کبرا نیز به تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های آن همراه حرکت های علمی و مبارزه های دانشمندان و دوران های مرجعیت فقیهان و مدارس آنان، اشاره شده است. در نهایت نیز بررسی کوتاهی درباره آثار و سیرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است.

عناوین فصل های نه گانه کتاب بدین قرار است:

۱. معرفی و بررسی منابع تاریخ عصر غیبت؛

۲. نگاهی کوتاه به زندگی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری عصر عباسیان در آستانه غیبت صغرا؛

۴. وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه در آستانه غیبت صغرا؛

۵. زمینه سازی معصومان برای ورود شیعه به عصر غیبت؛

۶. پیشینه سازمان و کالت و جایگاه آن در عصر غیبت صغرا؛

۷. عصر غیبت صغرا؛

۸. مروری بر برخی از مهم ترین مسایل عصر غیبت کبرا؛

۹. سیرت و آثار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

این کتاب، برای علاقه مندان به مباحث تاریخی مهدویّت به خوبی قابل استفاده است.

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

مؤلف این کتاب دکتر جاسم محمد حسین، اهل عراق و متخصص در تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در تاریخ خاورمیانه در بصره، بغداد و ادینبورگ به انجام رسانده و دکترای خود را از دانشگاه ادینبورگ اخذ کرده است. سپس در بخش «مطالعات اسلامی و خاورمیانه» آن دانشگاه، دوره تحقیقات فوق دکتر را ادامه داده است.

علاوه بر این کتاب، مقالات و کتاب های محققانه دیگری نیز از دکتر جاسم حسین به زبان های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ رسیده که برخی از آن ها عبارت است از:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسی؛

۲. سیاست اصولی و منسجم امامان؛

۳. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۴. تأثیر غیبت کبرای امام دوازدهم علیه السلام بر موقعیت سیاسی و مذهبی فقهای امامیه؛

۵. نقش و کالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر.

در این کتاب، مطالعه ای تفصیلی در نهضت شیعه امامیه از زمان امام صادق علیه السلام تا آخر غیبت صغرای امام دوازدهم علیه السلام انجام شده است.

آنچه ارائه شده، تصویری است از سازمان مخفی و کالت با پیروانی در سراسر جهان اسلام که با اعتقاد به امامت، در جایگاه قطب سازمان، قادر به حفظ تمامیت اسلام از گزند رویدادهای روزگار است.

کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با ورود و خروج خوبی به مباحث، یک مسیر تحقیقی محققانه و منصفانه را پی می گیرد و از یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است.

مقدمه: معرفی منابع اولیه و بررسی آنها؛

فصل اول: نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل دوم: نقش امامان در فعالیت های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت؛

فصل سوم: دیدگاه های امامیه درباره امام غایب و ولادت آن حضرت؛

فصل چهارم: بازتاب فعالیت های مخفی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در اقدام های سفیران آن حضرت؛

فصل پنجم: فعالیت های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل ششم: دوران نوبختی، سومین سفیر؛

فصل هفتم: سفیر چهارم و غیبت کبرای امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱).

روزگار رهایی (ترجمه کتاب یوم الخلاص)

این کتاب اثر نویسنده جبل عاملی، کامل سلیمان است که به اسلوبی نوین به رشته تحریر در آمده است.

متن عربی این کتاب با نام یوم الخلاص در یک جلد نگارش یافته است؛ اما ترجمه آن، به دلیل وجود متن عربی بسیاری از روایات، در دو جلد منتشر شده است.

این کتاب در ۲۰ بخش تنظیم شده است که نیمی از آن به بیان کلیاتی از احوال، آثار غیبت و انتظار، و دلایل و حکمت های آن ها و رد منکران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. نیمه دوم کتاب، به حوادث نزدیک ظهور، قیام و حکومت حضرت، نشانه های آخر الزمان، صفات یاران و مخالفان وی و ده ها بحث دیگر به شیوه ای ابتکاری پرداخته است.

مؤلف در نگارش این اثر، در هر بخش، نخست سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس روایات دیگر معصومان علیهم السلام را مورد توجه و بررسی قرار داده است.

یادکرد این نکته لازم است که نقل روایت از برخی منابع که دارای اعتبار لازم نیستند و نیز عدم دقت لازم در برخی ترجمه ها، کم و بیش در این اثر ارزشمند، اشکال ایجاد کرده است.

از ویژگی های ترجمه حاضر، آن است که از چاپ چهارم کتاب یوم الخلاص

برگردان شده که در مقایسه با چاپ نخست، مطالب بیشتری دارد و مترجم در آخر آن، فهرست های مفصل و مفیدی افزوده است.

پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

این اثر، حاصل تحقیقات علی غفار زاده درباره سفیران چهارگانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

با این که آگاهی از زندگانی نایبان خاص در زمان غیبت صغرا از اهمیت خاصی برخوردار است، کمتر کتاب جامعی در این باره نگارش یافته است.

به همین دلیل، کتاب مورد نظر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کتاب، دارای پیشگفتاری به قلم آیت الله سبحانی، مقدمه و دو بخش است.

بخش اول دارای سه فصل است که مباحث مقدماتی مانند: غیبت، خلفای دوران غیبت صغرا و علل محفوظ ماندن مکتب تشیع از آثار منفی غیبت را بحث و بررسی کرده است.

بخش دوم کتاب، به تفصیل زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام را در طول هفتاد سال غیبت صغرا بررسی کرده است.

مؤلف در بخشی از کتاب، این گونه به پاره ای از وظائف و فعالیت های نواب خاص اشاره کرده است:

۱. پنهان نگه داشتن نام و مکان حضرت و رفع تردید درباره او؛

۲. جلوگیری از فرقه گرایی و انشعابات شیعیان؛

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی؛

۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت؛

۵. گرفتن و توزیع اموال متعلق به امام علیه السلام؛

۶. سازماندهی و کیل های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

جزیره خضرا در ترازوی نقد

این کتاب، پژوهشی است انتقادی درباره پاره ای از حکایت های مربوط به مهدویت و نشانه های آخرالزمان که به قلم شیوای سید جعفر مرتضی تألیف و به دست محمد سپهری به فارسی برگردان شده است.

نویسنده با هدف گزارش واقعیت مسایل آخرالزمان، نخست پیشگویی های منسوب به امامان علیهم السلام درباره نشانه های ظهور را به دو دسته محتوم و غیر محتوم تقسیم و بسیاری از روایات آن را ساختگی و جعلی معرفی کرده است. سپس به تفصیل، متن دو کتاب بیان الائمه و خطبه البیان را بررسی و مطالعات عنوان شده در آن ها را بی اساس و موهوم ارزیابی کرده است. در پایان، به حکایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و آن ها را مخدوش شمرده است.

از دیدگاه نویسنده، بسیاری از این سخنان، پس از وقوع حوادث مورد نظر، جعل شده و به طور یقین نمی توان آن ها را به معصوم استناد داد.

این کتاب دارای یک پیشگفتار و سه بخش است. بخش نخست، با دو فصل به بحث از پیشگویی های غیبی امامان علیهم السلام از نشانه های ظهور و دیدگاه انتخاب شده و موضوعی که باید انتخاب شود و سپس تقسیم نشانه های ظهور، به حتمی و غیر حتمی می پردازد.

در بخش دوم، طی چهار فصل، به ارائه دو نمونه از روایات و اخبار و پیشگویی هایی پرداخته که در اخبار ساختگی و تحریف شده به صورت کاملاً آشکاری نمایان است. این دو نمونه عبارتند از:

۱. کتاب بیان الائمه علیهم السلام: این کتاب چند سال پیش با روایاتی منسوب به حضرت علی علیه السلام منتشر شد که هیچ اساسی ندارد. دانسته شد که یا این روایات پس از وقوع حوادث جعل شده یا آن موقع که علامات و نشانه های صریح و روشن آن نمایان شده است.

۲. خطبه البیان: نقد و بررسی خطبه معروف به خطبه البیان منسوب به حضرت علی علیه السلام و مطالب کذب و نادرست و تحریف شده ای که برای اهداف پست و شیطانی وضع شده است.

در بخش سوم با چهار فصل به بررسی روایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و می نویسد: ما این روایت را قابل قبول و معتبر ندیدیم؛ بلکه بر عکس در لایه لای آن، مطالب فراوانی است که باعث شک و تردید در صحت آن بوده و این احتمال قوی می نماید که از اساس ساختگی و جعلی باشد.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی تلاش نموده است با ارائه ادله فراوانی، خط بطلان به هر سه موضوع بکشد و از اساس آن ها را باطل کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵. الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ش.
۶. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۸. بدری، سید سامر، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ناصر ربیعی، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۰ش.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۰. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ش.
۱۱. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سوم، [بی جا] نیک معارف، ۱۳۸۳ش.
۱۲. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ش.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی [بی تا].
۱۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، سید محمد تقی آیت اللهی، دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۱۵. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ش.

۱۶. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۷. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۸. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۹. جمعی از نویسندگان، نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، آفاق، ۱۴۰۱ق.
۲۰. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ش.
۲۲. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۳. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ش.
۲۴. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، شانزدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۲۵. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، رسالت، ۱۳۷۷ش.
۲۶. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، [ابی‌جا] شریف رضی ۱۴۱۲ش.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دوم، [ابی‌جا] دفتر نشر الکتاب [ابی‌تا].
۳۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم، موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
۳۱. رجالی تهرانی، علی رضا، ولایت فقیه در عصر غیبت، قم، نبوغ، ۱۳۷۹ش.
۳۲. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ش.
۳۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.

۳۴. سعادت پرور، علی، ظهور نور، سید محمد جواد وزیری فرد، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۰ش.

۳۵. شجاعی، محمد، آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، محیی، ۱۳۸۱ش.

۳۶. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ش.

۳۷. شفیعی سروسستانی، اسماعیل، استراتژی انتظار، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.

۳۸. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.

۳۹. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر، موسسه قرطبه [بی تا].
۴۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه السیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ق.
۴۱. فروغ ولایت در دعای ندبه، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۵۷ش.
۴۲. وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ش.
۴۳. امامت و مهدویت، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۷ش.
۴۴. پیرامون معرفت امام، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ش.
۴۵. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی، ۱۳۸۱ش.
۴۶. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸ش.
۴۷. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۱ش.
۴۸. تاریخ الغیبه الكبرى، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ق.
۴۹. تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
۵۰. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، ۱۳۷۹ش.
۵۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۵۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
۵۳. معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۵۴. من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵۵. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
۵۶. أمالی، تهران، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۵۷. خصال، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۵۸. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، زائر، ۱۳۸۰ش.

۵۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۶۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه [بی تا].

۶۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۶۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه [بی تا].

۶۳. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ش.

۶۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر، [بی تا].

۶۵. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، دوم، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق.
۶۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۶۸. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ق.
۶۹. تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۷۰. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۷۱. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۲. اربع رسالات فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۳. الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۴. الرسائل فی الغیبه، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۷۵. علم الهدی، سید مرتضی، جوابات المسائل التبانیات (رسائل الشریف)، قم، دارالقران الکریم، [ابی تا].
۷۶. علیا نسب، سید ضیاء الدین، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ش.
۷۷. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی عزیزاده، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵ش.
۷۸. مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، محمد باقر محبوب القلوب، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ش.
۷۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.
۸۰. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ش.
۸۱. قزوینی، سید محمّد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ش.
۸۲. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر، [ابی تا].

۸۳. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [ابی تا].

۸۴. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق.

۸۵. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.

۸۶. قمی، شاذان بن جبرئیل، فضائل، دوم، قم. رضی، ۱۳۶۳ش.

۸۷. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

۸۸. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح، قم، رضی، ۱۴۰۵ق.

۸۹. کنجی شافعی، ابو عبدالله محمد، البيان في اخبار صاحب الزمان عليه السلام، بيروت، دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۱ق.

۹۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۹۱. کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، موسسه معارف اسلامي، ۱۴۱۱ق.

۹۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، [ابی تا]، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.

۹۳. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

۹۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۹۵. حق الیقین، [ابی تا] کانون پژوهش، ۱۳۸۰ش.

۹۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.

۹۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، صدرا، ۱۳۷۹ش.

۹۸. مظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، علیرضا مسجد جامع، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۸۰ش.

۹۹. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷ش.

۱۰۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، ناصح، ۱۴۱۶ق.

۱۰۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چهلهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.

۱۰۲. موسوی خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.

۱۰۳. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، سید مهدي حائری قزوینی، [ابی جا]، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ش.

۱۰۴. منصوری لاریجانی، اسماعیل، ولایت حکومت حکیمانه، قم، خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۲ش.

١٠٥. نجاشى، احمد بن على، رجال، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٧ق.

١٠٦. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، تهران، مكتبه الصدوق، ١٣٩٧ق.

١٠٧. نورى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.

١٠٨. نيشابورى، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظين، قم، رضى، [ابى تا].

١٠٩. نيلى نجفى، على بن عبدالكريم، منتخب الانوار المضيئه، قم، الهادى، ١٤٠١ق.

١١٠. هلالى كوفى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، قم، الهادى، ١٤١٥ق.

الحمد لله رب العالمين

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹